

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَّآلِ مُحَمَّدٍ

قرآن و تعلیمات دینی (۱)

دین ورد

سال اول دبیرستان

محتوای این کتاب نمایان سال تحصیلی ۹۴-۱۳۹۳ تفسیر خواهد کرد.



وزارت آموزش و پرورش



سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

برنامه‌ریزی محتوا و نظارت بر تألیف: دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی

نام کتاب: قرآن و تعلیمات دینی (۱) دین و زندگی سال اول دبیرستان - ۲۰۳

شورای برنامه‌ریزی: ناصر ابراهیمی، دکتر محمدمهدی اعتصامی، محمود الله‌وردی، دکتر عباس جوارشکیان، دکتر فضل‌الله خالقیان، حجة الاسلام دکتر حسین سوزنجی، دکتر سیدحمید طالب‌زاده، دکتر حسن ملکی، دکتر سیدمحسن میرباقری و مسعود وکیل

مؤلفان: دکتر محمدمهدی اعتصامی، دکتر عباس جوارشکیان

آماده‌سازی و نظارت بر چاپ و توزیع: اداره کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی

تهران: خیابان ایرانشهر شمالی - ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش (شهید موسوی)

تلفن: ۹-۸۸۸۳۱۱۶۱، دورنگار: ۸۸۳۰۹۲۶۶، کدپستی: ۱۵۸۴۷۴۷۳۵۹

وبسایت: www.chap.sch.ir

طراح گرافیک: بهرام شامی

صفحه آرا: مریم نصرتی

ناشر: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران - تهران - کیلومتر ۱۷ جاده مخصوص کرج - خیابان ۶۱ (داروپخش)

تلفن: ۵-۴۴۹۸۵۱۶۱، دورنگار: ۴۴۹۸۵۱۶۰، صندوق پستی: ۱۳۹-۳۷۵۱۵

چاپخانه: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران «سهامی خاص»

سال انتشار و نوبت چاپ: چاپ یازدهم ۱۳۹۲

حق چاپ محفوظ است.

شابک ۰-۱۱۵۶-۰۵-۹۶۴ ISBN 964-05-1156-0



اگر بخواهید عزیز و سربلند باشید باید از سرمایه‌های عمر و استعداد جوانی استفاده کنید و با اراده و عزم راسخ خود به طرف علم و عمل و کسب دانش و بینش حرکت نمایید.

«امام خمینی»

فهرست

مرحله‌ی اول: آمادگی در اندیشه و قلب



- ۱- کتاب زندگی / ۲
- ۲- انتخاب بزرگ / ۱۵
- ۳- کدامین هدف؟ / ۲۴
- ۴- برترین هدف / ۳۴
- ۵- تو را چگونه بخوانم؟ / ۴۴
- ۶- در حمد و تسبیح محبوب / ۵۶
- ۷- در پناه ایمان / ۶۵
- ۸- در وادی امن / ۷۴

مرحله‌ی دوم: آهنگ سفر



- ۹- عزم خوب زیستن / ۸۸
- ۱۰- پایداری در عزم / ۹۹
- ۱۱- در زمره‌ی بیداران / ۱۰۸

مرحله‌ی سوم: قدم در راه



- ۱۲- آیین رهروی / ۱۲۱
- ۱۳- در حضور دوست / ۱۳۸
- ۱۴- همدلی و همراهی / ۱۵۳
- ۱۵- ادب دوستی / ۱۶۲
- ۱۶- کار، گوهر زندگی / ۱۶۹
- فهرست کلمات معنا شده / ۱۸۲
- کتاب‌شناسی / ۱۸۵

دانش آموزان گرامی!

دوستان عزیز! سلام بر شما

سرمایه‌ی ما، اندیشه‌های بویا و ذهن‌های مبتکر و خلاق شماست. ما به وجود این سرمایه ایمان داریم و با تکیه بر همین ایمان آماده‌ی مشارکت شما در چهارچوب این کتاب هستیم. می‌دانید که خدای بزرگ در قرآن کریم اطمینان داده است که راه‌های هدایت را به آنان که در راه او می‌کوشند نشان می‌دهد.

وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا
لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا **عنکبوت، ۶۹** به راه‌های خویش هدایتشان می‌کنیم.

آری، قرآن کریم کتاب هدایت است؛ هدایت انسان به سوی زندگی توأم با رستگاری. پس ضروری است که برای شناخت این زندگی به پیشگاهش برویم و در آیات آن بیندیشیم. همچنین شایسته است راه و روش معصومین بزرگوار صلوات‌الله‌علیهم را فراگیریم و در پیروی از آنان بکوشیم.

شما در سال‌های گذشته، در درس قرآن، توانایی خواندن این کتاب الهی و درک معنای بسیاری از آیات ارزشمند آن را به‌دست آورده‌اید و در درس دینی نیز با اصول دین، اخلاق اسلامی و برخی از احکام آشنا شده‌اید. اینک که به دوره‌ی متوسطه آمده‌اید، با پیوستن این دو درس به یکدیگر «راه زندگی بر مبنای قرآن» را خواهید آموخت. به تدریج آیاتی از این کتاب آسمانی را مطالعه خواهید کرد و از هدایت‌های آن بهره‌مند خواهید شد. می‌توان گفت دو جویبار آموزشی «قرآن» و «دینی» که در دوره‌های ابتدایی و راهنمایی جاری بودند، در این کتاب به یکدیگر پیوسته‌اند و قرآن کریم چراغ هدایت شما به سوی معرفت دینی شده است. امیدواریم این چراغ همواره فرا راه شما باشد.

اکنون توجه شما را به توضیحاتی پیرامون این کتاب جلب می‌کنیم:

۱- قسمت‌هایی از کتاب با مشارکت شما در کلاس درس تکمیل می‌شود؛ این قسمت‌ها عبارتند از:

– معنا کردن برخی از آیات شریفه؛ با این کار، احساس خواهید کرد که با اندکی تلاش می‌توان معنای آیات را فهمید و در آن‌ها تفکر و تدبّر کرد.

– تدبّر در آیات یا احادیث برخی از درس‌ها بر عهده‌ی شماست.

– نتایج مورد نظر در برخی درس‌ها، با فعالیت فردی یا گروهی شما در کلاس به دست

می‌آید.



— بخش «اندیشه و تحقیق» در پایان هر درس با تفکر، تحقیق و مطالعه‌ی شما به انجام خواهد رسید.

۲— در ابتدای هر درس مقدمه‌ای آمده است که هدف و موضوع اصلی آن درس را بیان می‌کند و ارتباط آن درس را با درس قبلی روشن می‌نماید.

۳— در پایان بیش‌تر درس‌ها، با عنوان «پیشنهاد»، فعالیت‌های تحقیقی، ادبی و هنری خواسته شده که با وجود اهمیت بسیاری که دارند، انجام آن‌ها داوطلبانه است. با این حال، هر دانش آموزی که تعدادی از این پیشنهادها را انجام دهد، حداکثر تا دو نمره به نمره‌ی مستمر وی، هم در نوبت اول و هم در نوبت دوم، افزوده خواهد شد.

۴— خدای جمیل، خالق زیبایی‌ها و هنر، وسیله‌ی بیان زیبایی‌هاست. پس کتابی هم که می‌خواهد شما نوجوانان عزیز را با زندگی دینی آشنا کند، نمی‌تواند «عاری از هنر» باشد. از این رو کوشش ما بر آن بوده که با الهام از قرآن کریم، محتوای علمی کتاب را همراه با طراحی‌های ادبی و هنری به شما عرضه کنیم؛ امیدواریم در آینده، این کتاب با پیشنهادهای شما زیاتر گردد.

۵— برای این که آموزش این کتاب در فضایی فعال، پویا و با نشاط صورت گیرد، نیازمند حرمت نهادن به کلاس و صمیمیت متقابل شما و دبیر گرامی است، بنابراین:

- برنامه‌ی دبیر را برای هدایت کلاس کاملاً اجرا کنید.
- به اظهارنظرهای دوستان خود، احترام بگذارید.
- نظرات دوستان خود را با تجزیه و تحلیل دقیق ارزیابی کنید.
- بیش از اندازه تحت تأثیر چند نفری از کلاس که احتمالاً بیش‌تر نظر می‌دهند، قرار نگیرید. شما هم با وارد شدن در گفت‌وگوها نشان دهید که در فکر کردن توانا هستید.

۶— به منظور تقویت توانایی شما در قرائت قرآن کریم، دبیر محترم می‌تواند بخشی از قرآن را برای تمرین قرائت انتخاب کند. در این صورت ارزش‌یابی مستمر و پایانی قرائت، علاوه بر آیات کتاب، از این بخش نیز به عمل خواهد آمد.

۷— این درس عرصه‌ی حضور احساسات درونی و خلاقیت‌های فکری شماست و موفقیت شما در این درس، به میزان تفکر، اندیشه، ذوق و ابتکار شما بستگی دارد؛ کتاب نیز اگر فرصتی برای اندیشیدن فراهم کند، موفق خواهد بود. در واقع ما هرگز نخواسته‌ایم درس‌ها به گونه‌ای باشند که مطالب کتاب را با چند بار خواندن و حفظ کردن به‌خاطر بسپارید تا در امتحان موفق شوید. پس شما هم به آن امتحانی ارزش دهید که امکان فهمیدن، فکر کردن و تحقیق را برایتان فراهم می‌سازد. با توجه به آنچه گفته شد، ارزش‌یابی این درس در دو بخش انجام می‌گیرد:

بخش اول: ارزش‌یابی مستمر؛ شامل موارد زیر:

- ۱— قرائت صحیح آیات شریفه؛ ۴ نمره
- ۲— معناکردن آیاتی که در کتاب ترجمه نشده است؛ ۳ نمره



۳- انجام فعالیت‌های داخل درس و پرسش از متن؛ ۵ نمره

۴- مشارکت در گفتگو و کار گروهی؛ ۳ نمره

۵- پاسخ به سؤال‌های بخش‌های «اندیشه و تحقیق»؛ ۳ نمره

۶- داشتن دفتر کار منظم و کامل؛ ۲ نمره

توجه: انجام پیشنهادها، نگارش مقالات تحقیقی و ارائه‌ی ابتکارهای ادبی و هنری تا دو نمره به معدل نمره‌ی مستمر اضافه می‌کند.

بخش دوم: ارزش‌یابی پایانی؛ این ارزش‌یابی در پایان هر نیم سال و در دو بخش انجام می‌شود: ۱- قرائت آیات (۴ نمره) ۲- آزمون کتبی (۱۶ نمره). در آزمون کتبی دبیر محترم، سؤال‌هایی را از قسمت‌های مختلف دروس، مانند معنای آیات، محتوای دروس و بخش اندیشه و تحقیق طرح می‌کند. این سؤال‌ها بیش‌تر به گونه‌ای خواهد بود که نیازمند تفکر و تجزیه و تحلیل باشد و قدرت تعقل و استنباط شما را نشان دهد. بنابراین شایسته است کتاب را به نحوی مطالعه کنید که پاسخگوی این گونه سؤال‌ها باشید.

۸- شما می‌توانید با مراجعه به شبکه‌ی اطلاع‌رسانی رشد (شبکه‌ی ملی مدارس ایران) به مجموعه مطالبی غنی‌تر و جامع‌تر پیرامون مطالب این کتاب دسترسی یابید و همچنین نظرات خود را درباره‌ی کتاب، از طریق شبکه ارسال کنید. برای دسترسی به شبکه‌ی رشد از طریق اینترنت می‌توانید به آدرس www.roshd.ir مراجعه کنید.

۹- آن‌چه با عنوان «بیشتر بدانیم» و «پیشنهاد» آمده و در پاورقی ذکر شده برای توسعه‌ی اطلاعات شماست و دبیر محترم می‌تواند در توضیح درس‌ها از آن استفاده کند و نمره‌ی تشویقی برای آن‌ها در نظر بگیرد. اما در ارزش‌یابی‌های مستمر و پایانی و آزمون‌های ورودی دانشگاه‌ها نباید از این قسمت‌ها سؤال طرح شود. آیاتی که ترجمه‌ی آن‌ها در کتاب آمده نیز شامل همین حکم است. هم‌چنین فعالیت‌هایی که با علامت ستاره مشخص شده‌اند، فقط برای ارزش‌یابی مستمر است.

۱۰- سخن آخر این که، شما در این کتاب اولین درس‌های «راه زندگی» را می‌آموزید، درس‌های دیگر را نیز در سال‌های بعد خواهید آموخت. اگر این کتاب را روزنه‌ای به روشنایی حقیقت یافتید، آن را نگه دارید تا در آینده، در کنار کتاب‌های سال‌های بعد، مجموعه‌ای از شیوه‌ی زندگی اسلامی را در اختیار داشته باشید، خصوصاً که در بخش‌هایی از کتاب، ردّ پای از فکر بدیع خودتان به جا مانده است. باشد که فردا نسبت به کار امروز خود احساس سربلندی کنید.

خداوند یار و نگهدار تان باد

مؤلفان

راز شکفتن گل چیست؟

چه سرّی در دانه‌ی گیاه نهفته است که زمین را می‌شکافد و به آرامی از دل خاک سر بر می‌کشد؟

بی‌تردید راز این شکفتن و سربرکشیدن را باید در قابلیتی جست‌وجو کرد که خداوند در دل دانه به امانت نهاده است. دانه از همان هنگام که در خاک قرار می‌گیرد، آماده است که رشد کند، شکوفا شود و بر زیبایی آفرینش بیفزاید. به دیگر سخن، دانه بارشد و شکوفایی و کسب زیبایی و طراوت، به کمال می‌رسد و قابلیت‌ها و استعداد‌های خود را ظاهر می‌سازد تا بدین ترتیب به مقصود و غایتی^۱ که خداوند برایش مقدر کرده است، نائل شود.

اکنون شایسته است از خود پرسیم:

۱- کمال ما در چیست و مقصود و

غایت ما کدام است؟

۲- استعداد و قابلیت چه کمالاتی

در ما وجود دارد؟

۳- چگونه می‌توان آن استعدادها را

شکوفا کرد؟



۱- غایت: آن هدف نهایی است که در درون هر موجودی

هست و به سوی آن در حرکت می‌باند.

وَفِي الْأَرْضِ آيَاتٌ لِّلْمُوقِنِينَ
وَفِي أَنفُسِكُمْ أَفَلَا تُبْصِرُونَ
در زمین برای اهل یقین نشانه‌هایی است؛

و نیز در خودتان، آیا نمی‌نگرید؟! ذاریات ۲۰ و ۲۱

۱. آمادگی در اندیشه و قلب



کتاب زندگی

قرآن کریم راهنمای زندگی انسان‌هاست و مردم را به استوارترین راه‌ها هدایت می‌کند. خداوند، در این کتاب با ما سخن گفته و مردم را مخاطب قرار داده است. دوره‌ی نوجوانی و جوانی بهترین دوره برای توجه به سخنان خداوند است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

هر جوان مؤمنی که قرآن بخواند، قرآن با گوشت و خونس در می‌آمیزد و خداوند او را با فرشتگان بزرگواری که نویسندگان و حاملان قرآنند، هم‌نشین می‌کند. قرآن نیز در قیامت حافظ و نگهبان او خواهد بود.^۱

از این رو، ما می‌خواهیم به پیشگاه این کتاب الهی برویم و برنامه‌ی زندگی خود را از آن بگیریم؛ و این روشی است که در سراسر این کتاب دنبال خواهد شد.





این آیات شریفه را به دقت و زیبا بخوانید.



أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ

نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ

يَهْدِي بِهِ اللَّهُ

مَنْ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ

.....

 خدا به وسیله‌ی آن هر کس که
 رضایت او را بجوید به راه‌های
 سلامت هدایت می‌کند.

وَيُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ

إِلَى النُّورِ بِإِذْنِهِ

وَيَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ

مائده، ۱۵ و ۱۶

هَذَا بَيَانٌ لِلنَّاسِ

وَهُدًى وَمَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ

آل عمران، ۱۳۸

وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ

تَبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ

وَهَدَىٰ وَرَحْمَةً وَبُشْرَىٰ
لِلْمُسْلِمِينَ

نحل، ۸۹

وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ
لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ
وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ

نحل، ۴۴

كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ
مُبَارَكٌ

فرخنده و مبارک

لِيَذَّبَ رُءُوسَ آيَاتِهِ
وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ

ص، ۲۹

وَ أَوْحَىٰ إِلَىٰ هَذَا الْقُرْآنِ
لَا تُذِرْكُمْ بِهِ
وَ مَنْ بَلَغَ

و کسی که [این پیام] به او برسد

أنعام، ۱۹

كَمَا أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِّنكُمْ
يَتْلُو عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا
وَ يُزَكِّيكُمْ
وَ يُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ

وَيُعَلِّمُكُم

مَا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ

آنچه که شما نمی‌توانستید بیاموزید.

بقره، ۱۵۱

ترجمه



به کمک توضیحات زیر ترجمه‌ی آیات را کامل کنید.

لِيَدَّبَّرُوا : تا تدبر کنند	مُبِين : روشن کننده
أُولُو الْأَلْبَابِ : خردمندان	تَبْيَان : روشن کننده
لِتُبَيِّنَ : تا روشن کنی	يَتَذَكَّرَ : پند گیرد (ند)
نُزِّلَ : نازل شده است	كَمَا : همان طور که

تدبّر در آیات الهی

خداوند مهربان که قرآن کریم را برای راهنمایی انسان‌ها فرستاده، ما را به خواندن این کتاب و تفکر و تدبّر در آن فراخوانده است. زیرا بهره‌مندی از هدایت‌های قرآن و قدم گذاشتن در راه زندگی و مسیر سعادت جز با تفکر و ژرف‌اندیشی در آیات آن به‌دست نمی‌آید.

کلام و سخن، هرچه بلندتر و حکیمانه‌تر باشد، نیازمند دقت بیشتر و تفکر عمیق‌تر است و می‌دانیم که کلام خداوند برترین و حکیمانه‌ترین کلام‌هاست. برتری کلام خدای متعال بر دیگر سخنان مانند برتری خالق بر مخلوقات است.^۱ همان‌طور که وجود محدود، کوچک و فانی ما در برابر عظمت خدای بزرگ چیزی به حساب نمی‌آید، سخن بزرگ‌ترین دانشمندان نیز در برابر عظمت کلام او ناچیز و بی‌مقدار است. اما چون این کتاب، برای هدایت همه‌ی انسان‌هاست، خداوند آن را به‌گونه‌ای نازل فرموده که هر کس متناسب با توان

۱- بحار الانوار، ج ۹۲، ص ۱۹

علمی و ایمان و تقوای خود می‌تواند از آن بهره ببرد و از هدایتش استفاده کند. از این رو تدبیر و تفکر در آن و به دست آوردن و گوهرهای معرفت و دانش از دریای بیکران آن پایانی ندارد و به آخر نمی‌رسد. کافی است گوش جان به آیات زیبای الهی دهیم و دروازه‌ی دل به روی هدایت آن بگشاییم تا وجود ما سرشار از معرفت شود و با اطمینان خاطر در راه سعادت قدم برداریم.

پیام آیات (۱)



کدام یک از آیات درس، ما را به دقت در قرآن کریم برای فهم بیشتر توصیه

می‌کند؟ این توصیه با چه کلماتی بیان شده است؟

.....
.....

سطوح و مراحل تدبیر

تفکر در قرآن کریم از مراحل ساده و عمومی شروع می‌شود و به مراحل پیچیده و تخصصی می‌رسد. درک آیات قرآن کریم، شبیه به درک آیات و نشانه‌های الهی در خلقت است. هر انسانی وقتی به مخلوقات خداوند نگاه می‌کند و آسمان‌ها، زمین، درختان، گل‌ها، پرندگان، ماهی‌ها، حیوانات وحشی و سایر مخلوقات را می‌بیند، به اندازه‌ی توان خود درسی می‌گیرد و نکته‌ای می‌آموزد. اما علم دقیق و درست درباره‌ی هر نوع از آفریده‌ها در اختیار دانشمندانی است که در آن موضوع درس خوانده‌اند و فیزیک‌دان، شیمی‌دان، ستاره‌شناس و... شده‌اند. این دانش تخصصی است که مبنای تدوین کتب علمی و تدریس دروس دانشگاهی است.

مرحله‌ی ساده‌ی تدبیر و تفکر در قرآن که برای هر فردی لازم و ضروری است و سبب می‌شود که هر انسانی از سفره‌ی گسترده‌ی الهی بهره‌مند شود، با مرحله‌ی تخصصی آن که «تفسیر» نامیده می‌شود و یک دانش تخصصی به‌شمار می‌آید، متفاوت است. «تفسیر» قرآن کریم نیازمند دانش‌های ویژه است که مفسران عالی مقام پس از کسب آن دانش‌ها و آشنایی عمیق با همه‌ی آیات قرآن به تفسیر می‌پردازند و حقایق و معارف عمیق قرآن را تبیین می‌کنند.

در مرحله‌ی ساده‌ی تدبّر، گاهی درک معنا و مفهوم آیه برای دستیابی به پیام آن کافی است. به‌طور مثال، هر کس معنای آیه‌ی شریفه‌ی «بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ» را بداند، درمی‌یابد که خداوند واجد دو صفت «رحمان» و «رحیم» است. گاهی نیز با دقت در عبارات یک آیه و ابتدا و انتهای آن، تدبّر به نتیجه می‌رسد و پیام به‌دست می‌آید. مثلاً وقتی در عبارات آیه‌ی شریفه‌ی «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللّٰهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ»* دقت می‌کنیم، می‌یابیم که نتیجه‌ی جهاد و تلاش برای خدا آن است که او راه را نشان دهد و مسیر زندگی به‌درستی طی شود. گاهی دقت از این هم بیشتر می‌شود و نیازمند کشف ارتباط میان چند آیه و یافتن پیام میان آن‌هاست. پس هر قدر تفکر عمیق‌تر و تدبّر در آیات بیشتر شود، پیام‌های بیشتر با سطوح و لایه‌های عمیق‌تری از قرآن کریم به‌دست می‌آید.

ابزار تدبّر و روش‌های آن

«عقل»، ابزاری است که خداوند به ما عنایت کرده تا با آن بیندیشیم و به حقایق پی‌ببریم، خوبی‌ها را از بدی‌ها بازشناسیم. دانایی، نتیجه‌ی بهره‌مندی از قوه‌ی عقل و خردورزی است. اگر می‌خواهیم پیام‌های قرآن را دریابیم تا زندگی را براساس آن‌ها بنا کنیم، باید عقل خود را به کار گیریم و با «تفکر»، «تدبّر» و هم‌چنین با «تعلم» به این حقایق دست یابیم. البته همواره از خدای رحمان می‌خواهیم در این راه ما را یاری دهد و از هدایت‌هایش بهره‌مند فرماید.

پیام آیات (۲)

در آیات درس بیندیشید و ببینید کدام یک از آیات، ما را به این ابزار

راهنمایی می‌کند.

.....

* عنکبوت، آیه‌ی ۶۹

روش‌های تدبّر به ما کمک می‌کنند که سریع‌تر و آسان‌تر پیام‌های آیات را دریابیم و ارتباط میان بخش‌های مختلف یک آیه یا آیات را درک کنیم. این روش‌ها به تدریج در درس‌های آینده به کار گرفته خواهد شد و اکنون نیز نمونه‌هایی از آن را تمرین می‌کنیم.

پیام آیات (۳)



با تدبّر در آیات درس، پیرامون سؤالات زیر بیندیشید و پاسخ مناسب را بنویسید؛ در پاسخ خود شماره‌ی آیات مورد استفاده را ذکر کنید.

۱- هدف از نزول قرآن کریم چیست؟

پاسخ: بنا بر آیه‌ی ۱۵ و ۱۶ سوره‌ی مائده، هدایت انسان‌ها هدف اصلی نزول قرآن بوده است.

۲- با داشتن چه ویژگی‌هایی می‌توان از هدایت قرآن کریم بهره‌مند شد؟

۳- ثمرات و نتایج هدایت قرآن کریم چیست؟

۱-
۲-
۳-
۴-
۵-
۶-
۷-
۸-

۴- محدوده‌ی تاریخی و جغرافیایی هدایت قرآن کریم چقدر است؟

از نظر تاریخی:

.....

از نظر جغرافیایی:

.....

برترین معلم قرآن کریم

رسول خدا ﷺ اولین و برترین معلم و راهنمای ما برای تفکر در این کتاب است. آیات قرآن کریم بر قلب مبارک ایشان نازل شده و خدای متعال، ظاهر و باطن آن را به ایشان آموخته است.

پیام آیات

کدام یک از آیات درس، پیامبر اکرم ﷺ را به عنوان معلم قرآن کریم معرفی می‌کند؟

آن بزرگوار هم روش تفکر در قرآن را به ما آموخته است، هم به سؤال‌های مردم درباره‌ی آیات پاسخ داده است و هم چگونگی عمل به احکامی را که در قرآن آمده، به ما نشان داده است. به طور مثال، اگر خداوند، مسلمانان را به اقامه‌ی نماز فرمان داده، رسول خدا ﷺ چگونگی انجام آن را یاد داده است.

رسول گرامی اسلام، تعلیم قرآن کریم را پس از خودشان به امیر مؤمنان علی علیه السلام واگذار کردند و در حدیث مشهور «ثقلین» همه‌ی مؤمنان را به تمسک از قرآن کریم و عترت گرامی خود که حاملان علوم الهی و حافظان اصلی قرآن هستند، دعوت نمودند و جدایی ناپذیری قرآن و عترت را یادآور شدند. در موارد متعددی نیز از فضائل علمی امیر مؤمنان سخن گفتند و ایشان را دروازه‌ی شهر علم خود معرفی کردند.

آداب قرائت و تدبیر قرآن کریم

از آن‌جا که این کتاب، کلام الهی است و هیچ کلامی با آن قابل مقایسه نمی‌باشد. بنابراین شایسته است با آدابی خاص و شرایطی ویژه در پیشگاه آن حضور یابیم و به تفکر در آن پردازیم. رعایت ادب در پیشگاه قرآن نشان از آن است که:

- ۱- عظمت خداوند و ارزشمندی کلام او را درک می‌کنیم.
- ۲- به خداوند و کلام او محبت و علاقه‌ی قلبی داریم.

به همین جهت واجب است هنگام گذاردن دست روی آیات قرآن وضو داشته باشیم.^۱ هم‌چنین شایسته است:

- ۱- هنگامی که قرآن خوانده می‌شود گوش فرادهیم و ساکت باشیم.^۲
- ۲- وقتی می‌خواهیم قرآن بخوانیم، ابتدا «أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ» بگوییم.^۳
- ۳- هنگام قرائت قرآن وضو داشته باشیم.
- ۴- هنگام قرائت و تدبیر در قرآن، با احترام در مقابل آن بنشینیم.
- ۵- قرآن کریم را روی زمین نگذاریم و در سطحی بلندتر مانند «رحل» یا «میز» قرار دهیم.
- ۶- روزانه قدری از آیات آن را قرائت کنیم و پس از درک معنای آیات در آن‌ها تفکر کنیم.
- ۷- با معانی و مفاهیم آن آشنا شویم تا بتوانیم با آن انس بگیریم.

۳- سوره‌ی نحل، آیه‌ی ۹۸

۲- سوره‌ی اعراف، آیه‌ی ۲۰۴

۱- سوره‌ی واقعه، آیه‌ی ۷۹

نمونه‌هایی از تدبّر که در این درس تمرین شد

۱- استخراج پیام آیه: روی تعدادی از آیات تأمل کردیم و پیام اصلی آن‌ها را به دست آوردیم.

۲- دریافت پاسخ از آیات: تعدادی سؤال طرح شد و پاسخ آن‌ها را با تأمل در آیات استخراج کردیم. مثلاً سؤال شد که «محدوده‌ی تاریخی و جغرافیایی هدایت قرآن کریم چقدر است؟» که پاسخ آن با مراجعه به آیات درس داده شد. گاهی به سؤالات دیگران درباره‌ی آیات پاسخ می‌دهیم و یا با استفاده از منابع معتبر پاسخ را جویا می‌شویم؛ و گاهی نیز خودمان درباره‌ی آیه، سؤالی طرح می‌کنیم.

۳- ارتباط برقرار کردن میان چند آیه: با ایجاد ارتباط میان عبارات یک آیه یا چند آیه‌ی درس، ثمرات و نتایج تدبّر در قرآن را به دست آوردیم.

بیشتر بدانیم

در سال ۱۸۷۱ میلادی گلاستون وزیر خارجه‌ی انگلستان در مجلس آن کشور در حال نطق، قرآن، کتاب آسمانی ما مسلمانان را بلند کرد و گفت: «تا نام محمد ﷺ بر فراز مناره‌ها بلند است و تا کعبه پابرجاست و تا قرآن کتاب راهنمای مسلمین است، امکان ندارد سیاست ما در سرزمین‌های اسلامی پیش‌رود و پا برجا بماند.»^۱ «همفر» جاسوس مشهور انگلیسی نیز در همان سال‌ها گفته بود: «مسلمانان ارزش بسیاری برای قرآن و حدیث قائل هستند و از نظر آنان پیروی از قرآن و حدیث موجب بهشت و ثواب است. لازم است پیرامون قرآن اشکال تراشی کرد، به این بهانه که در آن کم و زیاد شده است و نیز لازم است آیاتی از قرآن را که علیه یهود و مسیحیت و کفار است، از آن حذف کنیم.»^۲ در آن روز، انگلستان خود را بریتانیای کبیر می‌نامید و بسیاری از کشورهای اسلامی را در اشغال و سلطه‌ی خود داشت و در حال مبارزه با مسلمانانی بود که متوجه عقب ماندگی خود شده بودند و می‌خواستند مستقل زندگی کنند. در آن سال‌ها برخی از اندیشمندان اسلامی، مانند سیدجمال‌الدین اسدآبادی علت عقب‌ماندگی مسلمانان را

۱- تاریخ سیاسی ایران، ج ۱، ص ۱۸۶ - ایدئولوژی و فرهنگ اسلام از دیدگاه ژول لایبوم، ص ۱۶

۲- خاطرات سیاسی تاریخی مستر همفر در کشورهای اسلامی، محمدباقر حسینی، ص ۶۰

بشت کردن به تعالیم تمدن‌ساز قرآن کریم دانستند و مسلمانان را به تفکر در این کتاب دعوت کردند. نتیجه‌ی این دعوت موجی از بیدارگری بود که جهان اسلام را فراگرفت و مبارزه با استعمارگران را به دنبال داشت. استعمارگران که منشأ اصلی بیدارگری را شناخته بودند، از همان زمان تصمیم گرفتند با این کتاب مقدس به شکل‌های گوناگونی مبارزه کنند و این مبارزه تا به امروز ادامه دارد. نوشتن کتاب «آیات شیطانی»، چاپ کاریکاتورهای زنده در روزنامه‌ی دانمارکی «یولندپستن» در سال ۲۰۰۵ و پس از آن، در برخی روزنامه‌های اروپایی دیگر، ساخت فیلم‌های فراوانی بر ضد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و قرآن، مانند فیلم فتنه که توسط نماینده پارلمان هلند تهیه شد، ساخت بازی‌های ضداسلامی، ساختن مذاهب دروغین، برپایی مسابقات نقاشی برای مسخره کردن آیین اسلام و پیامبر گرامی ما در سال ۲۰۰۸، نمونه‌هایی از این مبارزه‌ی فرهنگی است.

راستی وظیفه‌ی ما چیست؟ آیا غیرت و عزت ما، عقل و خردمندی ما به ما اجازه می‌دهد دست روی دست بگذاریم و آنان فضای تبلیغاتی از قبیل اینترنت، رسانه‌ها و فیلم‌های سینمایی را در اختیار بگیرند و علیه پیامبر گرامی ما و قرآن ما به هر کار زشتی دست بزنند؟ آیا هر یک از ما نمی‌توانیم به اندازه‌ی توانایی علمی و با همت بلند خود وارد عمل شویم و رسالت و مسئولیت خود را نسبت به کتاب آسمانی‌مان انجام دهیم؟ البته بزرگ‌ترین مبارزه با مستکبرین جهان، آن است که خواندن و تفکر در قرآن کریم را از اصلی‌ترین برنامه‌های زندگی خود قرار دهیم و بکوشیم که به راهنمایی‌هایش عمل کنیم و نگذاریم که این کتاب آسمانی از صحنه‌ی زندگی اجتماعی ما خارج گردد.

بیشتر بدانیم

امام صادق علیه السلام، هرگاه قرآن کریم را به دست می‌گرفتند و باز می‌کردند که بخوانند، ابتدا این دعا را می‌خواندند :

اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُ أَنَّ هَذَا كِتَابُكَ
 الْمُنزَّلُ مِنْ عِنْدِكَ عَلَى رَسُولِكَ
 مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ وَكَلَامُكَ النَّاطِقُ
 عَلَى لِسَانِ نَبِيِّكَ جَعَلْتَهُ هَادِيًا
 خدایا! گواهی می‌دهم که این، کتاب
 توست، فرود آمده از پیشگاه تو بر
 فرستاده‌ات محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله و کلام
 گوئیای تو بر زبان پیام آورت؛ کلامی که

مِنْكَ إِلَى خَلْقِكَ وَ حَبْلًا مُتَّصِلًا
فِيمَا بَيْنَكَ وَ بَيْنَ عِبَادِكَ .
آن را از جانب خود راهنمای بر مردم و
رسمانی پیوسته میان خود و بندگانت
قراردادی.

اللَّهُمَّ إِنِّي نَشَرْتُ عَهْدَكَ وَ كِتَابَكَ .
اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ نَظْرِي فِيهِ عِبَادَةً وَ
قِرَائَتِي فِيهِ فِكْرًا وَ فِكْرِي فِيهِ
اعْتِبَارًا، وَ اجْعَلْنِي مِمَّنْ اتَّعَطَّ بِبَيَانِ
مَوَاعِظِكَ فِيهِ وَ اجْتَنَبَ مَعَاصِيكَ
وَ لَا تَطَّبِعْ عِنْدَ قِرَائَتِي عَلَيَّ سَمْعِي
وَ لَا تَجْعَلْ عَلَيَّ بَصْرِي غِشَاوَةً
وَ لَا تَجْعَلْ قِرَائَتِي قِرَاءَةً لَا تَدْبُرُ فِيهَا
بَلْ اجْعَلْنِي أَتَدْبُرُ آيَاتِهِ، وَ أَحْكَامَهُ
وَ اخِذْ بِشُرَايِعِ دِينِكَ وَ لَا تَجْعَلْ
نَظْرِي فِيهِ غَفْلَةً وَ لَا قِرَائَتِي هَذْرًا
إِنَّكَ أَنْتَ الرَّؤُوفُ الرَّحِيمُ .^۱
خدایا! پیمان تو و کتاب تو را گشودم .
خدای من! نظر کردنم در این کتاب را
عبادت، خواندنم را فکر، و تفکر در آن را
با عبرت آموزی قرین ساز . مرا از آنانی
بگردان که از بیان موعظه های تو در قرآن،
پند می گیرند و از نافرمانیت دوری می کنند .
خدایا! در آن هنگام که قرآن می خوانم بر
شنوایم مهرزن و بر بینایم پرده میفکن .
خواندنم را خواندنی تهی از تدبیر قرار مده،
بلکه مرا آن گونه بگردان که در آیات و احکام
قرآن بیندیشم و قوانین دین تو را برگزینم .
[ای خدای من]، نگاهم در قرآن را
نگاهی از سر غفلت و خواندنم را خواندنی
بیهوده و باطل قرار مده، خدایا تویی رؤف
و مهربان!

چرا امام صادق علیه السلام خواندنی را که در آن تفکر و تدبیر نباشد، نمی پسندد و از خدا می خواهد
که او را گرفتار چنین خواندنی نکند؟

امام، خود دلیل آن را بیان فرموده است ؛ دعا را مطالعه کنید و آن دلیل را بیابید .
رفتار ما مسلمانان در هنگام خواندن قرآن چگونه است؟ شما، خود چگونه هستید؟ اکنون، پس
از مطالعه ای این دعا چه تصمیمی دارید؟

می دانید اگر امروز از یک حداقل شروع کنید، فرداها چه اتفاق زیبایی خواهد افتاد؟

گام نخست

برنامه‌ریزی برای بهره‌مندی از قرآن کریم

قرآن کریم، کتاب زندگی و راهنمای ما به سوی خوشبختی است؛ هدیه‌ای بزرگ از جانب خداست تا ما راه خود را بیابیم و مسیر رستگاری را بیابیم. ای خدای مهربان! می‌کشیم با بهره‌مندی از راهنمایی‌های کتاب تو و پیروی از پیشوایان معصومی که برای ما انتخاب کرده‌ای، هدفی را که تو برای ما برگزیده و راهی را که تو به ما نشان داده‌ای، بیابیم و با یمودن آن خوشبختی و سعادت را در آغوش بگیریم.

خدایا! تو یار و پشتیبان ما باش.

انتخاب بزرگ

حضرت ابراهیم علیه السلام یکی از پیامبران بزرگ الهی است که سرگذشت ایشان در چند سوره از سوره‌های قرآن کریم آمده است. یکی از این سوره‌ها داستان انتخاب بزرگ حضرت ابراهیم علیه السلام را حکایت می‌کند.

کتاب الهی را می‌گشاییم، آیات شریفه‌ی آن را قرائت می‌کنیم و در آن‌ها می‌اندیشیم تا بدانیم:

- ۱- انتخاب بزرگ حضرت ابراهیم علیه السلام چه بود؟
- ۲- ایشان بر چه معیاری انتخاب خود را انجام داده است؟



آیات ۷۴ تا ۸۰ سوره‌ی انعام را به دقت و زیبا بخوانید.



أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَ إِذْ قَالَ اِبْرَاهِيْمُ لَآبِيهِ ءَا زَرَّ

آيا بتان را به خدایى مى گيرى؟

اَتَّخِذُ اَصْنَامًا ءَالِهَةً

اِنِّى اَرَاكَ وَ قَوْمَكَ

فِى ضَلَالٍ مُّبِينٍ

۷۴

و این چنین به ابراهیم نمایاندم

وَ كَذٰلِكَ نُرِىْ اِبْرَاهِيْمَ

مَلٰكُوْتَ السَّمٰوٰتِ وَ الْاَرْضِ

وَ لِيَكُوْنَ مِنَ الْمُوْقِنِيْنَ

۷۵

چون شب بر او پرده افکند

فَلَمَّا جَنَّ عَلَيْهِ اللَّيْلُ

رَاى كَوْكَبًا

قَالَ هٰذَا رَبِّى

فَلَمَّا اَفْلَ

قَالَ لَا اِحْبُ الْاَفْلِيْنَ

۷۶

فَلَمَّا رَاى الْقَمَرَ بَازِغًا

قَالَ هٰذَا رَبِّى

فَلَمَّا أَفَلَ

قَالَ لَئِن لَّمْ يَهْدِنِي رَبِّي
لَأَكُونَنَّ مِنَ الْقَوْمِ الضَّالِّينَ
قطعا از گروه گمراهان خواهم بود.

۷۷

فَلَمَّا رَأَى الشَّمْسَ بَازِغَةً

قَالَ هَذَا رَبِّي

هَذَا أَكْبَرُ

فَلَمَّا أَفَلَتْ

قَالَ يَا قَوْمِ إِنِّي بَرِيءٌ

گفت ای مردم! من بیزارم

مِمَّا تُشْرِكُونَ

۷۸

إِنِّي وَجَّهْتُ وَجْهِيَ

به راستی من روی آوردم

لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ

حَنِيفًا

حق گرایانه

وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ

۷۹

وَحَاجَّهُ قَوْمُهُ

و قومش با وی ستیزه کردند.

قَالَ أَتُحَاجُّونِي فِي اللَّهِ

گفت آیا با من درباره‌ی خدا ستیزه می‌کنید؟

وَقَدْ هَدَانِ

وَلَا أَخَافُ مَا تُشْرِكُونَ بِهِ

إِلَّا أَنْ يَشَاءَ رَبِّي شَيْئًا

دانش پروردگار من همه چیز را فرا گرفته است.

وَسِعَ رَبِّي كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا

أَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ

۸۰



إِنِّي وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي
فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ حَنِيفًا



به کمک توضیحات زیر ترجمه‌ی آیات را کامل کنید.

تُشْرِكُونَ : شریک (برای خدا)	أَرَأَيْتَ (أَرَى . كَ) : تو را می بینم
لِيَكُونَ : تا باشد	قَرَار می دهید
بازِغًا، بازِغَةً : درخشان	لِلَّذِي لِـ . الذی
فَطَرَ : پدید آورد	هَدَانِ : هدانی : هَدَى + ن + ی :
أَفَلْ : افول کرد، ناپدید شد	هدایت کرد مرا
	أَخَافُ : می ترسم



با تفکر در آیات، به سؤال های زیر پاسخ دهید:

۱- چرا چیزهایی مانند ماه، ستاره و خورشید لایق پرستش نیستند؟

.....

.....

۲- حضرت ابراهیم عليه السلام کدام جهت را برای زندگی خود برگزید؟

.....

.....

۳- چرا حضرت ابراهیم این جهت را انتخاب کرد؟ چه دلیلی بر درستی کار

خود آورد؟

.....

.....

تفکری در خویش

هر انسانی همواره در حال انتخاب است. اما نوجوانی را باید آغاز انتخاب‌های زندگی دانست. نوجوانی حضرت ابراهیم علیه السلام با یک انتخاب بزرگ آغاز شد. او از سرپرست خود «آزر» جدا شد تا بتواند یکتاپرست بماند و مردم را به یکتاپرستی بخواند. شما نیز حتماً با این گونه انتخاب‌ها روبرو شده و به اهمیت آن پی برده‌اید؛ به‌ویژه اگر این انتخاب درباره‌ی مهم‌ترین مسائل زندگی باشد. همه‌ی ما زندگی را دوست داریم و خوشبختی خود را در آن جست‌وجو می‌کنیم. موفقیت ما در این جست‌وجو با تفکر درباره‌ی خود گره خورده است؛ همان‌طور که حضرت ابراهیم علیه السلام با اندیشه و تفکر و با استعانت از هدایت الهی بهترین انتخاب را کرد.

راستی آیا انتخاب حضرت ابراهیم علیه السلام ریشه در وجود هر یک از ما ندارد؟
آیا هر انسانی اگر صادقانه با خود بیندیشد و خود را به جای آن انسان بزرگ بگذارد، به همان انتخاب نخواهد رسید؟

اندکی در خود نگر تا کیستی از کجایی در کجایی چستی
برای رسیدن به پاسخ این سؤال‌ها، دو گام برای تأمل و تفکر در احوال خویش برمی‌داریم:
گام اول: هر انسانی، میل و استعداد رسیدن به کمالات و خوبی‌هایی را دارد و به میزانی که به آن‌ها می‌رسد، احساس خرسندی و نشاط می‌کند. علم، ادب، شجاعت، عزت و کرامت از این قبیل کمالات‌اند. یک دانشمند با رسیدن به یک حقیقت علمی یا حل مسئله‌ای پیچیده لذت می‌برد و انسان شجاع از شجاعت خود احساس رضایت می‌کند. هر انسانی این کمالات و زیبایی‌ها را دوست دارد و برای رسیدن به آن‌ها در تلاش است. گویا انگیزه‌ای درونی آدمیان را به سوی آن خوبی‌ها می‌کشاند و به پیش می‌راند.

نام‌گذاری

شما چه نامی برای این میل و گرایش می‌گذارید؟

گام دوم: بیایید استعدادهای انسانی را با استعدادهای نهفته در گیاهان و حیوانات مقایسه کنیم. اگر بتوانیم از یک گیاه یا حیوان پرسیم که: «دوست داری به کجا برسی؟» یک یا چند پاسخ

محدود به ما می دهد. مثلاً دانه‌ی گندم می خواهد بوته‌ای با ده‌ها دانه شود، نهال کوچک خرما در آرزوی رشد کردن و رسیدن به نخل تومندی است که رطب‌های آن کام دیگران را شیرین کند. حیوانات نیز، هر یک به نوبه‌ی خود، آرزوهایی دارند؛ از بچه شیر پر جنب و جوش جنگل گرفته تا جوجه‌ای که تازه به دنیا آمده است. در هر حال، گیاه و حیوان در محدوده‌ی خاصی استعداد رشد و کمال دارند. اما استعدادهای انسان بسیار متنوع و گسترده است و استعدادهایی فراتر از موجودات دیگر دارد. او می‌تواند چون گل با طراوت، چون آهو چالاک، چون نسیم لطیف و چون صخره با صلابت باشد.

علاوه بر این، حیوانات و گیاهان وقتی به سرحدی از رشد و کمال رسیدند متوقف می‌شوند، چنان که گویی راهشان پایان یافته و دیگر آرزویی ندارند. اما انسان دارای روحیه‌ای بی‌نهایت طلب است و عطش او در دستیابی به خواسته‌هایش نه تنها سیراب نمی‌شود، بلکه روز به روز افزوده می‌گردد. او به دنبال چیزی است که هرگز پایان نمی‌پذیرد و تمام نمی‌شود.

نام‌گذاری



الف: برای این دو ویژگی انسان چه نامی انتخاب می‌کنید؟

۱-

۲-

ب: جمله‌ی حضرت ابراهیم علیه السلام به ستاره پرستان بیانگر کدام یک از این

ویژگی‌هاست؟

نمونه‌هایی از تدبّر که در این درس تمرین شد

دریافت پاسخ از آیات: به طور مثال سؤال «حضرت ابراهیم علیه السلام کدام جهت را برای زندگی برگزید» طرح شد و پاسخ آن از آیه‌ی سوره‌ی به دست آمد.

این شیوه‌ی تدبّر در قرآن کریم، نیازمند پرورش عقل و اندیشه و راهنمایی معلمان و اساتید معارف اسلامی است. قرآن کریم سرشار از استدلال‌های محکم و استوار است که با روشی کاملاً منطقی و در عین حال، ساده بیان شده‌اند. انس با این کتاب آسمانی هم سبب می‌شود که بتوانیم این استدلال‌ها را بهتر و بیش‌تر بیابیم و هم به رشد تعقل ما کمک می‌کند.

پیشنهاد



۱- این داستان را به صورت یک نمایش‌نامه بنویسید و آن را در کلاس اجرا کنید.

۲- داستان زندگی حضرت ابراهیم علیه السلام را در کتاب‌هایی که قصه‌های قرآن را ذکر کرده‌اند، مطالعه کنید و در کلاس حکایت کنید. بر ای این منظور می‌توانید به کتاب‌های زیر مراجعه کنید:

الف- قصه‌ی پیامبران، از مصطفی زمانی

ب- داستان پیامبران، از علی موسوی گرمارودی

۳- صحنه‌ای از داستان زندگی حضرت ابراهیم علیه السلام را که برای شما جذاب‌تر بوده، به تصویر در آورید.

۴- حل مسأله:

برخی معتقدند که:

«جوان تنوع طلب است و آن‌هایی که مانع تنوع طلبی او می‌شوند، جوان را درک نمی‌کنند. همین تنوع طلبی سبب می‌شود که جوانان به دنبال مد بروند و کسانی که با مد مخالفت می‌کنند، تنوع طلبی جوان را درک نمی‌کنند.

استفاده‌ی جوان از هر نوع مد لباس و مو و هر نوع فیلم و موسیقی و داخل شدن در هر گروه اجتماعی چه خوب و چه بد خاصیت دوران جوانی است؛ اگر بگذاریم جوان جوانیش را بکند، بعد از گذشت دوره‌ی جوانی، خودش آرام می‌گیرد و زندگی معمولی و همسان دیگران را دنبال می‌کند.»

چنین کسانی با پرسش‌های زیر روبرو هستند که باید بدان پاسخ دهند:
۱- آیا این‌گونه تنوع‌طلبی جوان را برای رسیدن به آن انتخاب بزرگ‌یاری می‌کند؟

۲- آیا جوان توانایی آن را ندارد که هر نوع مد را با هدف اصلی زندگی خود مطابقت دهد و سپس استفاده کند؟

۳- آیا این عقیده بدان معنا نیست که جوان هنوز به قدرت تفکر و تشخیص نرسیده و بیش‌تر از احساساتش تبعیت می‌کند؟

۴- آیا تنوع‌طلبی که ریشه در روح بی‌نهایت‌طلب انسان دارد، وقتی در این قبیل امور به کار رود، انسان را از هدف‌های اصلی غافل نمی‌کند؟

۵- آیا نمی‌توان در انتخاب مُد معیار و میزانی تعیین کرد؟ آن معیار و میزان کدام است؟

۶- آیا پیش از انتخاب هر مد بهتر نیست منشأ پیدایش آن را شناخت؟
با دوستان خود درباره‌ی این مسأله بیندیشید و نظر خود را ارائه دهید.

کدامین هدف؟

با اندیشه در آیات قرآن کریم، آموختیم که انسان موجودی بی‌نهایت طلب است. او به دنبال هدف‌هایی است که پایان نیابد و تمام نشود. اما وقتی به دنیای انسان‌ها می‌نگریم، با دنیای حیرت‌انگیزی مواجه می‌شویم؛ چنان اختلافی در هدف‌ها وجود دارد که ابتدا سردرگم می‌شویم که: راستی؛ کدام انتخاب درست است؟ کسانی به دنبال پول و ثروت‌اند، برخی دل به کشف اسرار جهان سپرده‌اند، برخی به دنبال جاه و مقامند، یکی به هنرمندی و نقش‌آفرینی در عرصه‌های هنری می‌اندیشد و دیگری در آرزوی قهرمانی در ورزش پیوسته می‌کوشد و ...

منشأ این اختلاف‌ها چیست؟ چرا یکی به این دلبستگی دارد، دیگری به آن؟

آیا معیاری برای داوری وجود دارد؟

آیا می‌توان هدف‌ها را رتبه‌بندی کرد؟

انتخاب هدف زندگی، مهم‌ترین انتخاب هر انسانی است. این انتخاب است که به تمام برنامه‌های ما جهت می‌دهد و رنگ و بوی خاصی به آن می‌بخشد. از این رو لازم است بار دیگر در قرآن کریم تفکر کنیم و از راهنمایی خداوند بهره ببریم تا هدف و جهت زندگی خود را به دست آوریم.



این آیات را به دقت و زیبا بخوانید.



أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

.....	مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعَاجِلَةَ
آن مقدار از آن را که بخواهیم به او می دهیم	عَجَّلْنَا لَهُ فِيهَا مَا نَشَاءُ
.....	لِمَنْ نُرِيدُ
.....	ثُمَّ جَعَلْنَا لَهُ جَهَنَّمَ
تا با خواری و سرافکندگی در آن وارد شود.	يَصَلَّاها مَذْمُومًا مَدْحُورًا
.....	وَمَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ
.....	وَسَعَىٰ لَهَا سَعْيَهَا
.....	وَهُوَ مُؤْمِنٌ
.....	فَأُولَٰئِكَ كَانَ سَعْيُهُمْ مَشْكُورًا

إسراء، ۱۸ و ۱۹

.....	فَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَقُولُ
.....	رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا
و او را در آخرت بهره ای نیست.	وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلَقٍ

.....
.....
.....
.....
وَمِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ

رَبَّنَا إِنَّا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةٌ

وَفِي الآخِرَةِ حَسَنَةٌ

وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ

أُولَئِكَ لَهُمْ نَصِيبٌ مِمَّا كَسَبُوا اینان از آن چه کرده اند بهره ای دارند

وَاللَّهُ سَرِيعُ الْحِسَابِ

بقره، ۲۰۰ تا ۲۰۲

وَمَا أوتِيتُمْ مِنْ شَيْءٍ آن چه به شما داده شده،

فَمَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَزِينَتُهَا کالای زندگی دنیا و آرایش آن است.

وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَأَبْقَى

أَفَلَا تَعْقِلُونَ

قصص، ۶۰

.....
.....
.....
.....
إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ

إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا

انسان، ۳

كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ هر کس در گرو کاری است که کرده است.

مُدَّثِّر، ۳۸



به کمک توضیحات زیر، ترجمه‌ی آیات را کامل کنید.

نُریدُ : می‌خواهیم
 ءَاتِنَا : به ما ببخش، به ما بده
 الْعَاجِلَةَ : امر زودگذر، دنیا
 سَعَى : سعی کرد، تلاش کرد
 كَفُور : ناسپاس

هشدار

یکی از تفاوت‌های انسان با گیاهان و حیوانات، در نحوه‌ی رسیدن به کمالات و شکوفایی استعدادهاست. استعدادهای گیاهان به‌طور طبیعی و استعدادهای حیوانات به نحو غریزی شکوفا می‌شوند. اما نهال وجود انسان، صرف‌نظر از برخی جنبه‌های جسمانی او، به دست خودش رشد می‌کند. خداوند نعمت‌های زیادی به انسان بخشیده است، که از میان آن‌ها باید به «قدرت تفکر» و «قدرت انتخاب» اشاره کرد. انسان با استفاده از «قدرت تفکر» خوبی‌ها و راه‌های رسیدن به آن‌ها را می‌شناسد و چون «قدرت انتخاب» دارد، می‌تواند آن خوبی‌ها را برگزیند و راه رسیدن به سعادت را بییابد. به همین جهت است که خداوند انسان را به روشی متفاوت از گیاهان و حیوان‌ها هدایت کرده است؛ به این صورت که راه رسیدن به خوشبختی را به او نشان داده تا خود آن را بشناسد و با اراده‌ی خود آن را برگزیند. بنابراین، انتخاب ماست که سرنوشت ما را می‌سازد، خوشبختی یا سیه‌روزی ما در گرو همین تصمیم‌گیری است. تصمیمی به این اهمیت و بزرگی بر دوش ماست؛ تصمیمی که از آن نمی‌توان شانه خالی کرد و از عواقب آن نیز نمی‌توان فرار نمود.

بس با این انتخاب مهم چگونه روبرو شویم؟ آیا می‌توان آن را جدی نگرفت و غافل و بی‌توجه از کنار آن گذشت؟ آیا نباید همواره در این باره فکر کرد، از خدای خود کمک خواست و عقل خود را به کار گرفت تا به بهترین هدف دل ببندیم و در راه رسیدن به آن عمر خود را صرف کنیم؟

پیام آیات (۱)



کدام یک از آیات ابتدای درس، مسئولیت ما را در این تصمیم‌گیری تذکر می‌دهند؟ پیام‌های این آیات را بنویسید.

آیات.....

پیام‌ها: ۱-.....

۲-.....

۳-.....

جمع آوری اطلاعات



- ۱- با تأمل در حالات دوستان و اطرافیان و شنیده‌هایتان از احوال دیگران، فهرستی از دل‌بستگی‌های مختلف تهیه کنید.
- ۲- دل‌بستگی‌های نزدیک به هم را کنار هم بنویسید و بدین ترتیب آن‌ها را دسته‌بندی نمایید و برای هر دسته نامی انتخاب کنید.

تفاوت بینش‌ها، منشأ تفاوت در هدف‌ها و دل‌بستگی‌ها

همان‌طور که گفتیم، استعداد‌های انسان بسیار متفاوت و متنوع است و معمولاً افراد به یک یا چند مورد خاص از این استعدادها، اهمیت بیش‌تر می‌دهند. این اختلاف، ریشه در اندیشه و تفکر انسان‌ها دارد.

هر کس با بینش و نگرش خاص خود به سراغ هدفی خاص می‌رود. اگر بینش‌ها مختلف باشند، هدف‌ها و دل‌بستگی‌ها نیز مختلف می‌شوند. اگر کسی چنین بیندیشد که محبت به دیگران ارزشمند است، می‌کوشد به دیگران محبت کند. کسی هم که فکر می‌کند برتر از دیگران است، همواره منتظر است که دیگران در خدمت او باشند. اگر کسی مقاصد کوچک در نظرش مهم جلوه کنند، به سوی همان مقاصد می‌رود و آن کسی که کمالات و خوبی‌های متعالی و بزرگ انسان را شناخته، به آن‌ها دل می‌بندد و برای رسیدن به آن‌ها می‌کوشد. «آدم‌های بزرگ مقاصد بزرگ دارند،

زود به پایان نمی‌رسند و تمام نمی‌شوند.»^۱

معیارهای انتخاب هدف‌های اصلی

بنابراین برای انتخاب صحیح هدف‌ها و دل‌بستن به آن‌ها نیازمند معیار و ملاک هستیم؛ معیاری که بتوانیم به وسیله‌ی آن ارزش هدف‌ها را مشخص کنیم و متناسب با ارزشی که دارند به آن‌ها رتبه دهیم. بدین وسیله هدف‌های زندگی را به‌درستی برخواهیم گزید و عمر خود را برای رسیدن به آن‌ها صرف خواهیم کرد. آن‌گاه عمر و زندگی ما ثمر خواهد داد و میوه‌ی رستگاری و سعادت را خواهیم چید. خدای رحیم و مهربان که خواستار سعادت ماست، در قرآن کریم، در این مورد ما را هدایت و راهنمایی می‌کند و معیار انتخاب هدف‌های اصلی از غیر آن را مشخص فرموده و آثار و نتایج آن‌ها را نیز یادآور شده است؛ او که از همه به ما مهربان‌تر و از خود ما به نیازهای ما آگاه‌تر است.

۱- رهبر معظم انقلاب اسلامی، سال ۱۳۷۶، در دیدار با جمعی از جوانان



آیات مرتبط با پیام	برای رسیدن به معیارهای انتخاب، در آیات ابتدای درس تدبّر کنید و با تأمل در آنها و ارتباط دادن آنها به یکدیگر، پیامها را تکمیل کنید و آیاتی را که این پیامها از آنها استخراج می‌شوند، مشخص نمایید.
.....	۱- برخی هدفها و دل بستگیها پایان پذیر هستند.
.....	۲- اگر کسی آنها را به عنوان هدف اصلی برگزیند، ممکن است به مقداری از آنها برسد.
.....	۳- اگر کسی فقط این هدفها را انتخاب کند
.....	۴- برخی هدفها پایان ناپذیر و همیشگی هستند.
.....	۵- اگر کسی آنها را به عنوان هدف اصلی برگزیند و به هدف خود خواهد رسید.
.....	۶- هدفهای پایان ناپذیر در تقرب به خدا به دست می‌آید.
.....	۷- هدفهای پایان ناپذیر همان هدفهای اخروی هستند.
.....	۸- هدفهای پایان پذیر همان هدفهای دنیوی هستند.
.....	۹- اصل قرار گرفتن هدفهای اخروی، مانع بهره مندی انسان از نعمت‌های دنیایی نمی‌شوند.
آیات ۱۸ سوره‌ی اسراء و ۲۰۰ سوره‌ی بقره	۱۰- اگر هدفهای دنیوی اصل قرار گیرند، مانع رسیدن به هدفهای اخروی می‌شوند.
<p>نتیجه: برنامه‌ریزی انسان باید دربرگیرنده‌ی اهداف اخروی و اهداف باشد و به‌گونه‌ای تنظیم شود که اهداف اصل قرار گیرند و هدفهای دنیوی و تابع آنها باشند.</p>	

همان‌طور که می‌بینید، این‌جا سخن از هدف‌های اصلی و فرعی است، که هر دو خوب می‌باشند و برای زندگی ما ضروری هستند. مهم این است که هدف فرعی را به‌جای هدف اصلی قرار ندهیم و آن‌قدر به اهداف فرعی دل‌نبندیم که مانع ما در رسیدن به اهداف اصلی شوند و از رفتن به سوی کمالات بازدارند. تلاش برای رسیدن به نعمت‌های دنیا نه تنها بد نیست، بلکه ضروری و خوب است. فقط باید توجه کنیم که برای رسیدن به نعمت‌های دنیا مرتکب گناه نشویم و آن‌قدر سرگرم آن‌ها نباشیم که از زیبایی‌های پایدار باز بمانیم.

تفکیک



اهداف و دل‌بستگی‌هایی را که در فعالیت «جمع‌آوری اطلاعات» گردآورده‌اید، با توجه به آن‌چه از آیات قرآنی آموخته‌اید، تفکیک کنید.

اهداف و دل‌بستگی‌های اصلی	اهداف و دل‌بستگی‌های فرعی
۱-	۱-
۲-	۲-
۳-	۳-
۴-	۴-
۵-	۵-
۶-	۶-
۷-	۷-
۸-	۸-

طرح سؤال: اگر کسی به شما بگوید من به نقاشی یا مهندسی یا نجاری علاقه دارم و می‌خواهم آن را هدف زندگی قرار دهم، به وی چه می‌گویید؟



تعدادی از زیبایی‌ها و خوبی‌هایی را که همه‌ی ما آن‌ها را دوست داریم، خواستار آن‌ها هستیم و از نوع اهداف پایان‌ناپذیر هستند، مشاهده می‌کنید. این اهداف از نظر اهمیت در یک درجه نیستند؛ برخی در درجه‌ی اول اهمیت قرار دارند و برخی در درجات بعد. شما بر اساس نظر خود، آن‌ها را درجه بندی کنید و به ترتیب اهمیت، به آن‌ها شماره‌های ۱، ۲، ۳ و ۴ بدهید.

درجه	خوبی‌ها و زیبایی‌ها	درجه	خوبی‌ها و زیبایی‌ها	درجه	خوبی‌ها و زیبایی‌ها	درجه	خوبی‌ها و زیبایی‌ها
	عفاف و پاکدامنی		هنرمندی		عفو و گذشت		بندگی خداوند
	خوشرویی با مردم		قناعت		شجاعت		خضوع در پیشگاه خدا
	پوشاندن بدی مردم		پاکی ظاهر و باطن		خشوع در پیشگاه خدا		عدالت
	نداشتن کینه		غلبه بر شهوت		دشمنی با ستمگران		یقین به خداوند
	مروت و جوانمردی		خوف از عذاب خداوند		خلافت		عاقل بودن
	غیرت نسبت به ناموس		اقتدار در برابر مستکبران		ایثار		امید به رحمت خداوند
	مدارا با مردم		زیرکی و تدبیر		عزت و کرامت نفس		توکل بر خدا
	نظم و قانون‌پذیری		ستایشگری خداوند		حکمت		اهل کار بودن
	احسان به پدر و مادر		کم‌هزینه در زندگی		قدرت و توانایی		شکرگزاری خداوند
	حسن ظن به مردم		حبّ به خداوند		علم		حلم و بردباری
	صبور و با استقامت		دوستدار آبادانی		رحمت		احساس نیاز به خداوند
	شکست‌ناپذیری		غمخواری برای مردم		کمک به مظلوم		اخلاص در عمل
	خیرخواهی مردم		همراهی با مردم در مشکلات		بلند همتی		تسلیم به خداوند
	روح علمی داشتن		صداقت با مردم		بصیرت		پرمهر و عظوفت
	رضایت از خدا		مهمان‌نوازی		شنوا بودن		صمیمی بودن با خویشان



۱- پیام‌های اصلی درس را به ترتیب بنویسید.

پیام‌های اصلی درس	شماره
.....
.....
.....
.....
.....
.....
.....

۲- تنوع و گستردگی استعدادهای ما مفید است یا مضر؟ چرا؟

۳- چگونه می‌توان هدف زندگی را امور اخروی قرار داد، ولی در دنیا زندگی

کرد و برای پیشرفت زندگی مادی و رسیدن به رفاه و آسایش کوشش نمود؟

۴- چرا انسان مسئول سرنوشت خویش است؟

۵- به نظر شما انسان سعادتمند کیست؟

پیشنهاد



با توجه به آموخته‌های درس، هر انسانی با سه گزینه روبروست:

۱- فقط هدف‌های پایان‌پذیر را انتخاب کند و به هدف‌های دیگر بی‌توجه باشد.

۲- فقط هدف‌های پایان‌ناپذیر را برگزیند و از هدف‌های پایان‌پذیر چشم‌پوشد.

۳- هدف‌های پایان‌ناپذیر را به عنوان هدف‌های اصلی برگزیند و به

هدف‌های پایان‌پذیر در حد خودشان توجه کند.

در شیوه‌ی زندگی انسان‌های پیرامون خود و نیز انسان‌های گذشته بیندیشید

و نمونه‌هایی برای هر یک از این سه گزینه پیدا کنید و نتیجه‌ی انتخاب آن‌ها را توضیح

دهید.

برترین هدف

در درس سوم تفاوت میان دو دسته از هدف‌ها روشن شد و این فرصت با هدایت قرآن کریم برای ما فراهم گردید که بتوانیم هدف‌های اصلی زندگی خود را به درستی انتخاب کنیم و در زندگی سرگردان نباشیم.

یک سؤال اساسی دیگر باقی مانده که می‌خواهیم آن را بررسی کنیم. و آن سؤال این است:

در میان هدف‌های اصلی، برترین و کامل‌ترین هدف کدام است؟

پاسخ به این سؤال روشن می‌کند که چرا حضرت ابراهیم علیه السلام با خورشید و ماه و ستاره پرستان همراه نشد و راه دیگری را پیش گرفت و به آن انتخاب بزرگ رسید.



این آیات را به دقت و زیبا بخوانید.



أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ

لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ

طه، ۸

إِنِّي وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي

فَطَّرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ حَنِيفًا

وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ

أنعام، ۷۹

وَعَدَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ

جَنَّاتٍ تَجْرَى مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ

خَالِدِينَ فِيهَا

وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتٍ عَدْنٍ

وَرِضْوَانٍ مِنَ اللَّهِ أَكْبَرُ

ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ

توبه، ۷۲

مَا عِنْدَكُمْ يَنْفَدُ

وَمَا عِنْدَ اللَّهِ بَاقٍ

وَلَنَجْزِيَنَّهُنَّ الَّذِينَ صَبَرُوا أَجْرَهُمْ

بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

نحل، ۹۶

ترجمه

به کمک توضیحات زیر ترجمه‌ی آیات را کامل کنید.

الْحُسْنَى: نیکو، نیکوتر، بهترین
رِضْوَان: خشنودی، رضایت
يَنْفَدُ: فانی می‌شود

غالباً این بیت زیبای مولوی را شنیده‌ایم که می‌گوید:

نام احمد نام جمله انبیاست چون که صد آمد نود هم پیش ماست^۱
مصراع دوم این بیت را، به صورت یک ضرب‌المثل در جایی که یک چیز، جامع و در بردارنده‌ی
چیزهای دیگر است، استفاده می‌کنند.

هدف‌های زندگی ما نیز این گونه‌اند، چه هدف‌های زودگذر و چه هدف‌های پایا و ماندگار. به
طور مثال، کسی که ورزش کوهنوردی را انتخاب می‌کند، هم تندرستی و سلامت خود را تأمین
می‌نماید، هم از مناظر زیبای طبیعت لذت می‌برد، هم استقامت و سخت‌کوشی خود را افزایش می‌دهد
و به این سه هدف، با هم می‌رسد.

معمولاً آدم‌های زیرک و هوشمند هدف‌های خود را به گونه‌ای انتخاب می‌کنند که به قول معروف
«با یک تیر چند نشان بزنند». نهال وجود ما نیز مجموعه‌ای فراوان از استعداد‌های مادی و معنوی است.
با توجه به دو ویژگی «متنوع بودن استعداد‌های انسان» و «بی‌نهایت‌طلبی او»، اگر هدفی را که انتخاب

۱- مثنوی، دفتر اول. «احمد» نام دیگر پیامبر بزرگ ماست که در قرآن کریم آمده است. مقصود از این بیت آن است

که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برتر از همه‌ی پیامبران است و تمام کمالات آن‌ها را در خود دارد؛ به همین جهت، گویا او به تنهایی، همه‌ی
پیامبران است.

می‌کنیم، بهتر بتواند پاسخگوی این دو ویژگی باشد، آن هدف، کامل‌تر است. بنابراین هدف اصلی ما آن هدفی است که همه‌ی استعدادهای متنوع ما را دربرگیرد و در جایی متوقف نشود و نهال وجود ما را به درختی پربار و زیبا تبدیل کند به طوری که سراسر وجود ما را شادایی، بالندگی، شور و نشاط فراگیرد. امیرمؤمنان علی علیه السلام را ببینید! ایشان رشد و تکامل خود را زیر نظر و با تربیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آغاز کرد و جلوه‌گاه همه‌ی کمالات و زیبایی‌ها شد. وقتی به شخصیت ایشان می‌نگرید، می‌بینید که ایشان در میدان علم و دانش، رشادت و جنگاوری، سخنوری و خطابه، مهربانی و دوستی، جوانمردی و مروت، نیایش و عبادت، حق‌طلبی و عدالت، پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله بی‌نظیر است. راستی، ایشان چه چیزی را مقصود و هدف خود قرار داده که به همه‌ی این زیبایی‌ها دست یافته است؟ بار دیگر به سراغ کتاب خدا می‌رویم تا پاسخ سؤال خود را دریابیم و با تصمیمی جدی و همتی بلند، رسول خدا صلی الله علیه و آله و امیرمؤمنان علیه السلام را اسوه‌ی خود قرار دهیم و قدم در مسیری بگذاریم که ابراهیم علیه السلام پیمود و به هدف رسید.

پیام آیات



در آیات ابتدای درس تدبّر کنید و توضیح دهید که:

۱- از کدام آیه می‌توان فهمید خداوند همه‌ی صفات خوب و زیبارا دارد؟ چرا؟

.....

۲- از کدام آیه می‌توان فهمید که منبع همه‌ی صفات پایان‌ناپذیر خداست؟

چرا؟

.....

۳- از کدام آیات می‌توان دریافت که او سرچشمه و منبع همه‌ی کمالات است؟

چرا؟

.....

۴- از کدام آیه می‌توان دریافت که خوبی‌ها و زیبایی‌های بهشت درجات

دارد؟ چرا؟

.....

۵- چگونه می‌توان از ارتباط برقرار کردن میان آیات دریافت که بهترین و

برترین هدف، نزدیکی به خداوند است؟

.....

نزدیکی و تقرب به خداوند، نزدیکی مکانی و ظاهری نیست. چه بسا دو نفر در یک مکان در کنار هم باشند ولی هیچ نزدیکی به هم احساس نکنند. نزدیکی به خدا یک نزدیکی حقیقی است، همان طور که دوری از او هم بدترین نوع دوری است. خدا سرچشمه‌ی زیبایی‌ها و خوبی‌هاست و انسان‌ها به میزانی که زیبایی‌ها و خوبی‌ها را کسب کنند، تجلی بخش صفات زیبای او شده‌اند و به او تقرب یافته‌اند.

پیشوایان ما و در رأس آن‌ها رسول خدا ﷺ تنها به خدای خود دل بسته بودند و زندگی خود را وقف رسیدن به او کرده بودند و در تنهایی‌ها با او نجوا می‌کردند و اشتیاق خود را در ضمن زیباترین جمله‌ها با او در میان می‌گذاشتند. امام سجاد علیه السلام در یکی از مناجات‌های خود می‌گوید:

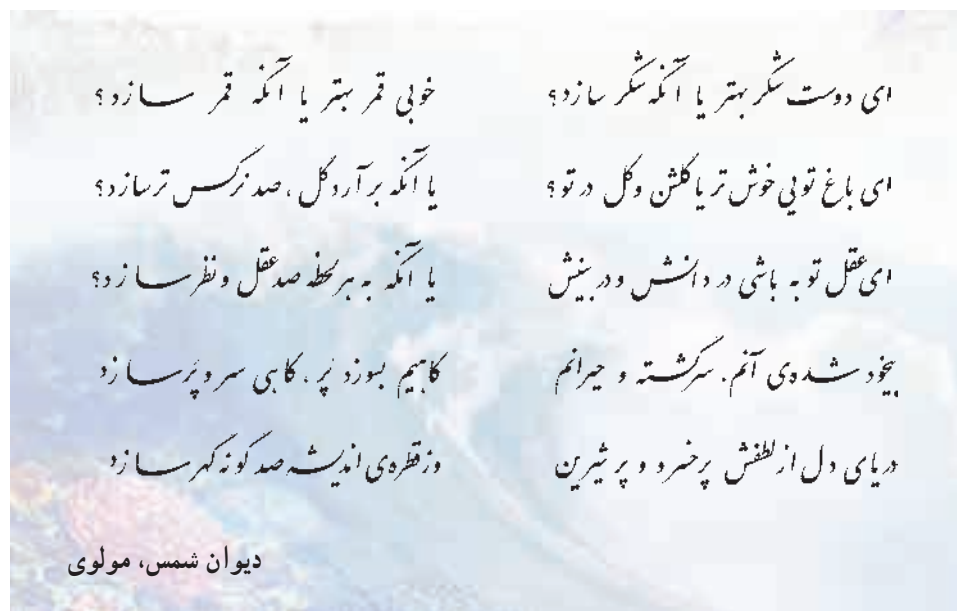


ای آرمان دل‌های مشتاقان	يَا مُنَى قُلُوبِ الْمُشْتَاقِينَ
و ای نهایت آرزوهای عاشقان	و يَا غَايَةَ أَمَالِ الْمُحِبِّينَ
دوست داشتن تو را از خودت درخواست می‌کنم.	أَسْأَلُكَ حُبَّكَ
و دوستی آنان را که تو را دوست دارند.	و حُبَّ مَنْ يُحِبُّكَ
و دوستی هر کاری که مرا به قرب تو می‌رساند	و حُبَّ كُلِّ عَمَلٍ يُوصلُنِي إِلَى قُرْبِكَ
و می‌خواهم که خودت را نزد من	و أَنْ تَجْعَلَكَ أَحَبَّ إِلَيَّ
محبوب‌تر از هر چیز دیگر قرار دهی	مِمَّا سِوَاكَ
و عشقم به خودت را	و أَنْ تَجْعَلَ حُبِّي إِيَّاكَ
به سوی خشنودی‌ات بگردانی	قَائِدًا إِلَى رِضْوَانِكَ
و شوقم به خودت را	و شَوْقِي إِلَيْكَ
بازدارنده از نافرمانی‌ات سازی.	ذَائِدًا عَنِ عَصْيَانِكَ ^۱ .

هر کس اندکی تأمل کند، می‌بیند که در ذات خود در جست‌وجوی سرچشمه‌ی خوبی‌ها و زیبایی‌هاست و تا به آن منبع و مبدأ نرسد، آرامش نیافته و از پای نخواهد نشست. پس مقصود و محبوب نهایی ما ذات مقدس خداوند است. به‌راستی جز او چه کسی و چه چیزی می‌تواند شایسته‌ی بالاترین دل‌بستگی‌ها باشد؟ چه کسی جز او می‌تواند روح پایان‌ناپذیر انسان را سیراب کند. اگر روح انسان بی‌نهایت طلب است و خوبی‌ها را به‌صورت بی‌پایان می‌خواهد، شایسته است که تنها تقرب و نزدیکی به خدای بزرگ مقصد نهایی او باشد.

البته این مقصد، به همان میزان که بسیار بزرگ و ضامن خوشبختی ماست، همّت بزرگ و اراده‌ی محکم می‌طلبد. همان‌طور که دست‌یابی به گوهرهای گرانقدر دریاها پشتکاری شگرف می‌خواهد، تقرب به برترین محبوب و مقصود نیز سهم بلندهمت‌ان با پشتکار و کوشاست.

بار دیگر به داستان حضرت ابراهیم علیه السلام در درس دوم باز می‌گردیم. ایشان پس از تماشای ظهور و افول ماه و خورشید و ستاره فرمود: «من آنچه را که افول می‌کند، دوست ندارم». در حقیقت ایشان به مردم آموخت، نباید در زندگی به هدفی دل بست که گذراست و پایان می‌پذیرد. بلکه باید روی به سوی کسی نمود و دل به کسی بست که پایانی ندارد و خالق جهان آفرینش است. او سرچشمه‌ی خوبی‌ها و زیبایی‌ها، و لذا برترین و بهترین محبوب و مقصود انسان است.



نمونه‌هایی از تدبّر که در این درس تمرین شد

- ۱- دریافت پاسخ از آیات: در متن درس، سؤال‌های پنج‌گانه طرح شد و با تدبّر در آیات، پاسخ آن‌ها به دست آمد.
- ۲- ارتباط برقرار کردن میان چند آیه: از پیوند میان آیه‌ی ۸ سوره‌ی طه و دریافتیم که خداوند سرچشمه‌ی همه‌ی کمالات و زیبایی‌هاست.
و از پیوند میان آیات و دریافتیم که قرب و رضای الهی برترین هدف زندگی است.

گام دوم

انتخاب هدف

با نگاهی ژرف به زندگی، می‌کوشم هدف‌های خود را بهتر بشناسم و معرفت خود را به خدا افزایش دهم، خدایی که تقرب به او نهایت مقصود است. برای این شناخت هم از خودش یاری می‌جویم و هم به زندگی کسانی نظر می‌کنم که او را به‌خوبی شناختند و در جوار آن محبوب یگانه و معبود حقیقی به سرور و سربلندی جاوید رسیدند، یعنی رسول خدا و اهل بیت پاک آن حضرت که سلام و درود خدا بر همه‌ی آنان باد.

خدایا سعی خواهم کرد در نیایش عاشقانه‌ی هم‌روزه‌ام این عبارت ملکوتی را با همه‌ی وجود ادا کنم که:

إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ



تو را چگونه بخوانم؟

در درس‌های گذشته دانستیم که هدف‌های اصلی زندگی کدامند و برترین محبوب و مقصود انسان کیست. برای این که عشق و محبت خود را به خداوند افزایش دهیم و در راه نزدیکی به او قدم برداریم، باید او را هر چه بیشتر و عمیق‌تر بشناسیم و بر معرفت خود بیفزاییم. از این رو در این درس می‌خواهیم بدانیم: از چه راه‌هایی می‌توان خدا را بهتر شناخت و به اوصاف زیبای او پی برد؟





آیات زیر را به دقت و زیبا بخوانید.



أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

..... فاطِرُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ

جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا همسرانی از جنس خودتان برایتان آفرید

وَمِنَ الْأَنْعَامِ أَزْوَاجًا و از چارپایان نیز جفت‌هایی آفرید.

يَذَرُكُمْ فِيهِ شمارا در این [طریق] بسیار و پراکنده می‌گرداند

..... لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ

..... وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ

شوری، ۱۱

وَلَهُ الْمَثَلُ الْأَعْلَى برای اوست صفت برتر

..... فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ

..... وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

روم، ۲۷

سُبْحَانَ الَّذِي

خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا

مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ

وَمِنْ أَنْفُسِهِمْ

وَمِمَّا لَا يَعْلَمُونَ

از آنچه زمین می‌رویانند

یس، ۳۶

وَأَيَّةٌ لَهُمُ اللَّيْلُ

نَسَلَخَ مِنْهُ النَّهَارَ

فَإِذَا هُمْ مُظْلَمُونَ

روز را از آن می‌گیریم

و آن‌گاه آنان در تاریکی فرو می‌روند

یس، ۳۷

وَالشَّمْسُ تَجْرِي

لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا

ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ

به سوی قرارگاه خود

یس، ۳۸

وَالْقَمَرَ قَدَرْنَا مَنَازِلَ

حَتَّىٰ عَادَ كَالْعُرْجُونِ الْقَدِيمِ

و برای ماه منزل‌هایی معین کردیم

تا مانند شاخه‌ی خشک خرما

هلالی شکل شود.

یس، ۳۹

به کمک توضیحات زیر، ترجمه‌ی آیات را کامل کنید.

فاطر: آفریننده	الْعُیُون: چشمه‌ها
الْمَیِّتَة: مرده	مِمَّا: مِنْ + ما
یَا کُلُون: می‌خورند	فَجَرْنَا: روان کردیم
نَخِیل: درختان خرما	تَجَرَى: روان است
أَعْنَاب: درختان انگور	تَقْدِیر: اندازه‌گیری، تقدیر
حَب: دانه	

تأمل در متن

متن زیر را که نجوایی با خداست، بخوانید و سپس با دقت و تأمل در عبارات‌های آن به سؤال‌های طرح شده پاسخ دهید.

● در وصف تو چه بگویم؟ تو را چگونه بخوانم؟ و شعر بندگی‌ام را چگونه سرایم؟

ای برتر از خیال و قیاس و گمان و وهم
وز هرچه دیده‌ایم و شنیدیم و خوانده‌ایم^۱

تو را با کدامین کلام بر زبان جاری کنم؟
همت‌های بلند و اندیشه‌های ژرف به ساحت قدس تو راه نیابند و پویندگان وادی معرفت
چنان که شایسته است، تو را نشناسند.

مَا عَرَفْنَاكَ حَقَّ مَعْرِفَتِكَ^۲

۱- سعدی

۲- آن‌چنان‌که شایسته‌ی معرفت‌توست، تو را نشناختیم - رسول خدا ﷺ - بحارالانوار ج ۷۱ ص ۲۳

چگونه خرد محدود را یارای آن باشد که به معرفت خالق نامحدودش دست یابد؟ و چگونه مخلوقی را سزد که بر ذات خالق خویش احاطه پیدا کند؟

●● ای خدای من! چشمان اندیشه را یارای نظر بر ذات بی مثال تو نیست و من از معرفت تو، آن گونه که لایق توست، محروم؛ پس تو را در آینه‌ی هستی نظاره می‌کنم و اوصاف تو را در یکایک آفریدگانت سراغ می‌گیرم. کتاب هستی را ورق می‌زنم و «نام‌های نیکوت» را بر آن می‌خوانم. پروردگارا! در هر کرانه‌ی این جهان پرشکوه زمزمه‌ی نام توست و هر که و هر چه، نشانی از تو دارد، از تو می‌گوید و به تو راه می‌نماید. زیبایی‌های عالم جلوه‌ی جمال تو و خوبی‌های آن روایت‌گر کمال تو و عظمت‌های آن پرتوهایی از شکوهمندی و جلال تو اند. خدایا! اگر تو خود صاحب این خوبی‌ها و کمالات نبودی، چگونه می‌توانستی این گونه به دیگران خوبی و کمال ببخشی؟^۱

پس ای خدای من! تو را با نام همه‌ی خوبی‌ها می‌خوانم و با همه‌ی اسم‌های نیکو صدا می‌زنم.^۲

خداوندا! همراه با تأمل در کتاب هستی، کتاب زندگی را نیز می‌گشایم، همان کتابی که کلام توست و تو خود به من هدیه کرده‌ای. در همین کتاب نیز ما را به نظاره‌ی کتاب هستی فراخوانده‌ای و آیاتی از کتاب آفرینش را برای ما به نگارش آورده‌ای، تا از این نشانه‌ها اسم‌های زیبایت را بیاییم. خدای من! شیرین‌تر برای من نام‌هایی است که تو خود را با آن‌ها خوانده‌ای و برگ برگ کتابت را با آن‌ها مزین ساخته‌ای! یکایک این نام‌ها را در این کتاب خواهم یافت و با همان‌ها تو را خواهم خواند و رازهای دلم را برایت حکایت خواهم کرد.

●● خدای من! گرچه لطف و رحمت در جهان گسترده است و خوبی‌هایت همه‌ی عالم را پر کرده است، اما می‌دانم که مثل هیچ‌یک از آن‌ها نیستی. زیرا تو خالق و آن‌ها مخلوق، تو سرچشمه‌ی نوری و آن‌ها پرتو نور، تو اقیانوس بی کرانه‌ای و آن‌ها جویبارانی خرد در دل کوهساران. همه ناقصند و تو کامل، همه محدودند و تو نامحدود، همه فانی‌اند و تو جاوید.

۱- ذات نایافته از هستی بخش کی تواند که شود هستی بخش؟

۲- وَلِلّٰهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنٰی فَادْعُوهُ بِهَا - اعراف، ۱۸۰

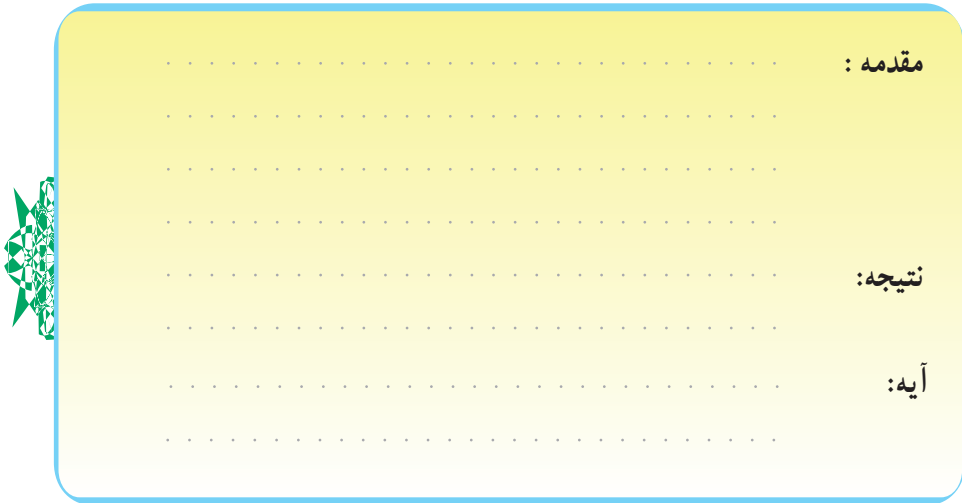
پس چگونه تو را با غیر تو می‌توان قیاس کرد؟ چه رسد که همتا و قرینی برایت فرض کردن! پس ای خدای من! مرا یاری کن تا بدون قیاس تو با هیچ کس و هیچ چیز نام‌های زیبایت را در کتاب خلقت و کتاب زندگی بیابم. آن‌ها را بر صفحه‌ی دل بنگارم و در هر بامداد، روزم را با آن‌ها آغاز کنم و در هر شامگاه با جاری کردن آن‌ها بر زبان، دفتر ایام را ورق زنم.

ای خدای پاک و بی‌انبار و یار
دست گیر و جرم ما را واگذار
یاد ده ما را سخن ما را به دقیق
کان به رحم آرد تو را ای خوش رفیق
گر خطا گفتیم، اصلاحش تو کن
مصلحی تو، ما را تو سلطان سخن
کیما دار ما را که تبدیش کنی
کر چه جوی خون بود، نیش کنی
این چنین میناگری ما کار توست
این چنین اکیر ما را اسرار توست

مولوی

اکنون که متن را مطالعه کرده‌اید، به سؤال‌های زیر پاسخ دهید :

۱- با اندیشه در قسمت اول مناجات، بگویید که چرا خداوند را آن‌گونه که شایسته‌ی اوست نمی‌توان شناخت. کدام آیه بیان‌کننده‌ی این حقیقت است؟

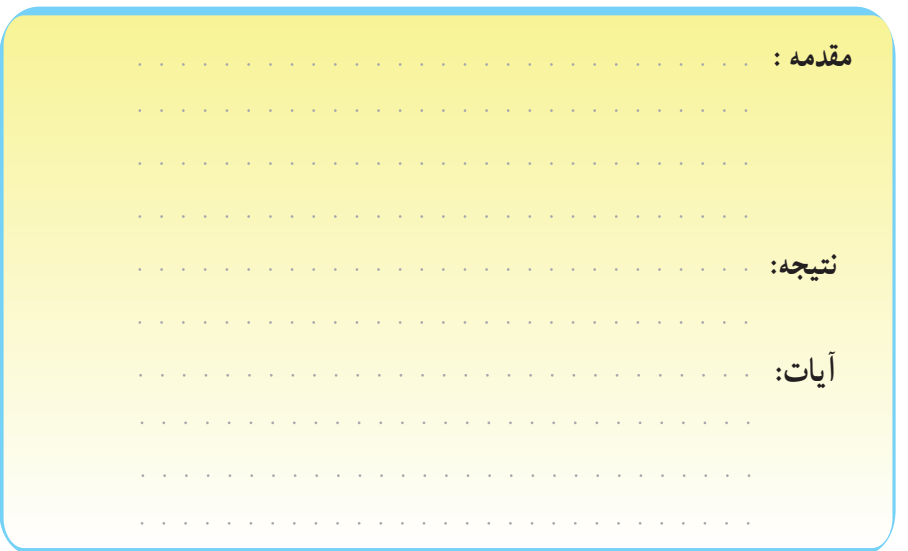


مقدمه :

نتیجه:

آیه:

۲- با توجه به قسمت دوم مناجات، توضیح دهید که چه راهی برای معرفت به خدا و توصیف او پیشنهاد شده است. چرا؟ کدام آیات بیانگر این حقیقت‌اند؟



مقدمه :

نتیجه:

آیات:

۳- با اندیشه در قسمت سوم بگویید که چرا خداوند مانند مخلوقات نیست؟
 کدام آیات بیانگر این حقیقت‌اند؟



مقدمه :

 نتیجه:

 آیات:

پیام آیات



در جدول زیر، برخی از اسماء الهی آمده است. هر اسم را توضیح دهید و شماره‌ی آیهی مربوط به آن را در مقابلش بنویسید.

		مُحْيِي
یس، ۳۳ تا ۳۹	خداوند بر زنده کردن موجودات، حرکت منظم ستارگان و ... تواناست.	قادر
		رازق
		خالق
		مُدَبِّر
		مُقَدِّر
		حَکِيم
		رَحِيم
		عَلِيم

نمونه‌هایی از تدبّر که در این درس تمرین شد

- ۱- میزان قرار دادن آیه: در این درس، متن نوشته شده با بهره گرفتن از آیات درس تنظیم گردید و معلوم شد که مطالب نوشته شده، از آیات به دست آمده‌اند.
- ۲- استخراج مفهوم از آیه: در این درس مفاهیمی مانند «محبی»، «قادر» و «رازق» با تأمل در آیات ابتدای درس به دست آمد.

اندیشه و تحقیق

- ۱- اسماء و صفات^۱ خدا را که در سوره‌ی توحید، سوره‌ی حمد، آیات ۲۵۵ و ۲۵۶ سوره‌ی بقره و آیه چهارم سوره‌ی آل عمران آمده است، در جدولی مانند جدول زیر بنویسید.

ردیف	سوره	اسم و صفت
۱.	توحید	اللَّهُ، أَحَدٌ
۲.	حمد	اللَّهُ، رَبِّ، ...
۳.	.	.
.	.	.
.	.	.
.	.	.

۱- خداوند دارای نام‌هایی است که این نام‌ها برگرفته از صفات او هستند. مثلاً خداوند، صفات علم و قدرت را دارد، به همین خاطر او را عالم و قادر می‌نامیم. بنابراین وقتی می‌گوییم اسماء و صفات الهی را بنویسید، تفاوتی نمی‌کند که به صورت اسم نوشته شود یا به صورت صفت.

۲- در جدول زیر، در یک طرف آیاتی از قرآن کریم و در طرف دیگر عبارتهایی نوشته شده است. مشخص کنید که مضمون هر عبارت با کدام آیه مناسبت دارد؟



<p>چگونه از تو غافل باشم وقتی که تو با من هستی.</p>	<p>۱- وَخَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ فَقَدَرَهُ تَقْدِيرًا فرقان ۲</p>
<p>به درگاه چه کسی جز تو پناه برم؟</p>	<p>۲- وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ حمد ۵</p>
<p>از چه کسی جز تو مدد طلبم.</p>	<p>۳- قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ فلق ۱</p>
<p>بی تو هیچ‌اند، فقیرند، بی تو با نیستی قرینند.</p>	<p>۴- وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ ق ۱۶</p>
<p>حیات طیبه‌ای به ما کرامت فرما که با یاد تو، برای تو و به سوی تو زندگی کنیم.</p>	<p>۵- قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ انعام ۱۶۲</p>
<p>اندازه‌ها را تو مقدر داشته‌ای و بهره‌ی هر موجودی را تو معین کرده‌ای.</p>	<p>۶- كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ وَبَقِيَّتُهَا لِرَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ الرحمن ۲۶ و ۲۷</p>



- ۱- عباراتی از دعای کمیل یا دعای جوشن کبیر را مطالعه کنید و با تدبّر در آن‌ها پانزده صفت خداوند را استخراج نمایید.
 - ۲- امیدواریم شما بتوانید به گونه‌ای، زیباتر از متن این درس، با خدا راز و نیاز کنید که در آن، هم، زبان به توصیف خدا بگشایید و هم خواسته‌های خود را با او در میان گذارید.
- نوشته یا شعر زیبایی خود را به رشته‌ی تحریر در آورید.



در حمد و تسبیح محبوب

در درس قبل دانستیم که از دو راه می‌توانیم به صفات خدای متعال پی ببریم: اول: تفکر در کتاب خلقت، دوم: تدبّر در کتاب زندگی (قرآن).

به‌طور مثال، وقتی نظم و غایت‌مندی را در مخلوقات می‌بینیم، حکیم بودن خداوند را درمی‌یابیم. هم‌چنین وقتی قرآن کریم را می‌گشاییم و با جمله‌ی «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» مواجه می‌شویم، رحمان و رحیم بودن او را درک می‌کنیم؛ بدین ترتیب زیبایی‌های وجود خداوند را کشف می‌کنیم و عشق و محبت خود را به او تقویت می‌کنیم.

در ادامه‌ی این راه، در این درس می‌خواهیم بدانیم:

۱- خداوند متعال چه صفاتی را داراست؟ چرا؟

۲- از چه صفاتی پاک و منزّه است؟ چرا؟



آیات زیر را به دقت و زیبا قرائت کنید.

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

..... هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ
..... عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ
..... هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ

حشر، ۲۲

..... هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ
..... الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ
..... السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ
..... الْمُهَيَّمِنُ الْعَزِيزُ
..... الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ
..... سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ

فرمانروای پاک،
سلامت و ایمنی بخش
نگاهبان با عزت مقتدر
صاحب کبریا و بزرگی

حشر، ۲۳

..... هُوَ اللَّهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ
..... لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى

..... يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ
..... وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

حشر، ۲۴

وَجَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ الْجِنَّ
وَجَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ الْجِنَّ
وَخَلَقَهُمْ
وَخَلَقَهُمْ
وَخَرَقُوا لَهُ بَنِينَ وَبَنَاتٍ
وَخَرَقُوا لَهُ بَنِينَ وَبَنَاتٍ
بِغَيْرِ عِلْمٍ
بِغَيْرِ عِلْمٍ
..... سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُصِفُونَ

أنعام، ۱۰۰

ترجمه

به کمک توضیحات زیر، ترجمه‌ی آیات را تکمیل نمایید.

الشَّهَادَةُ: ظاهر، آشکار الْمُصَوِّر: صورت‌بخش، صورتگر
يُشْرِكُونَ: شریک (برای خدا) قرار می‌دهند
بَارئ: هستی‌بخش تَعَالَى: برتر است



۱- خداوند همه‌ی اسماء و صفات نیکو و زیبا را داراست.

۲- برخی از این صفات زیبا عبارتند از:

.....

۳- خداوند هر صفتی را که نشان‌دهنده‌ی نقص و کاستی باشد، ندارد.

۴- برخی از این صفات عبارتند از:

.....

اکنون به سراغ این پیام‌ها می‌رویم و درباره‌ی آن‌ها می‌اندیشیم:

اولاً: چرا خداوند همه‌ی صفات نیکو را دارد؟

دلیل آن به شرح زیر است:

مقدمه: خداوند وجودی کامل است و هر وجود کاملی همه‌ی صفات خوب و نیکو را دارد.

اگر حتی یک صفت خوب را هم نداشته باشد، ناقص می‌شود و از کامل بودن خارج می‌گردد و به دیگران نیازمند می‌شود.

نتیجه: پس خداوند همه‌ی صفات خوب و نیکو را دارد.

ثانیاً: چرا خداوند صفاتی را که نشان‌دهنده‌ی نقص و کاستی باشند، ندارد؟

پاسخ این سؤال، با دلیلی که برای سؤال اول داده شد، روشن شده است.

پذیرفتن هر عیب و نقصی در خداوند به معنای پذیرش کامل نبودن او و به معنای پذیرش محتاج و نیازمند بودن اوست. در حالی که این مخلوقات هستند که نیازمندند و خداوند مبراً و منزّه از نیاز است.

در این جا ممکن است این سؤال پیش آید که اگر مخلوقات و موجودات جهان، آیات و نشانه‌های الهی هستند و از طریق آن‌ها می‌توانیم به صفات خالقشان پی ببریم، آیا می‌توان هر صفتی را که در مخلوقات می‌بینیم به خدای متعال نسبت دهیم؟ به‌طور مثال، آیا می‌توانیم خداوند را دارای جسم و محدود به زمان و مکان بدانیم؟

در پاسخ می‌گوییم: هر حُسن و کمالی که مخلوقات دارند، از خالق دریافت کرده‌اند. کسی

می تواند کمال و خوبی به دیگری دهد، که خود آن را دارا باشد. بنابراین خداوند سرچشمه‌ی همه‌ی کمالات مخلوقات است.

اما صفاتی که از نقص و محدودیت مخلوقات سرچشمه می‌گیرند، در خدای متعال نیست. مثلاً جهل که نبودن علم است، ظلم که نبودن عدل است، ضعف که فقدان قدرت است و جسمانی بودن که به معنای محدود بودن به مکان و زمان است، همه نوعی نقص و کاستی هستند و چیزهایی نیستند که لازم باشد خداوند آن‌ها را دارا باشد.

نتیجه این‌که: صفات را در رابطه با خداوند به دو دسته‌ی کلی تقسیم می‌کنیم:

۱- صفاتی که جنبه‌ی کمالی دارند؛ مثل قدرت، علم، عدالت، رحمت، رازقیت، حیات، مهربانی، بخشندگی، حکمت، عزت و کرامت. این صفات را «صفات ثبوتی» می‌نامیم و به خدا نسبت می‌دهیم. یعنی خدا این صفات را داراست.

۲- صفاتی که از نقص و نیاز ناشی می‌شوند؛ مانند جهل، عجز، فقر، مرگ، نیاز به پدر و مادر و نیاز به فرزند. این صفات را «صفات سلبی» می‌نامیم و از خداوند سلب می‌کنیم. یعنی خداوند این صفات را ندارد و از آن‌ها مبرا است.

تفکیک



صفاتی را که در آیات و تمرین‌های درس قبل و این درس آمده، استخراج کنید و ثبوتی و سلبی بودن آن‌ها را مشخص کنید و در جدولی مانند جدول زیر جای دهید.

صفات سلبی	صفات ثبوتی
.....
.....
.....

حمد و تسبیح

«حمد» به معنی «ستایش» و «تسبیح» به معنی «پاک دانستن» و «منزه دانستن» است. وقتی می‌گوییم «الْحَمْدُ لِلَّهِ»، می‌خواهیم بگوییم که «هر ستایش برای خداست» و وقتی می‌گوییم «سبحان الله» می‌خواهیم بگوییم که «خداوند از هر نقصی و عیبی منزه است». کسی و چیزی قابل ستایش است که کمالات و زیبایی‌هایی در او باشد. امام علی عَلَيْهِ السَّلَامُ را به خاطر شجاعت و علم و عبادت و عدالتش، ابوذر را به خاطر عدالت خواهی‌اش، ابن‌سینا را به خاطر تفکر عمیقش و امام خمینی را به خاطر قیام و جهاد و عرفانش می‌ستاییم. می‌دانیم که همه‌ی زیبایی‌ها و خوبی‌های جهان از خداست. پس ستایش حقیقی و حمد واقعی از آن اوست.

وقتی می‌گوییم خدایا تو پروردگار جهانی، تو رحمان و رحیمی، تو بخشنده و مهربانی، او را ستوده‌ایم. در حمد و ستایش، همواره «صفات ثبوتی» خدا را بیان می‌کنیم. و در تسبیح، خداوند را از «صفات سلبی» پاک و منزه می‌داریم. می‌گوییم: خدایا تو نیازمند نیستی، تو شریک نداری، تو فرزند نداری و ...^۱

نام درس پنجم «تو را چگونه بخوانم» بود. اکنون می‌دانیم او را چگونه بخوانیم. با نام‌های زیبایش او را صدا می‌زنیم و از هر صفت زشتی پاک و مبرا می‌داریم.

تفکیک



به مناجات زیبایی صفحه‌ی بعد توجه کنید. در این مناجات، شاعر از صفات ثبوتی و سلبی استفاده کرده است. این صفات را مشخص کنید و از یکدیگر تفکیک نمایید.

صفات ثبوتی:

.....

صفات سلبی:

.....

۱- جهان‌بینی توحیدی، استاد شهید مطهری، ج ۲، ص ۸۰ و ۸۱

ملکا ذکر تو گویم کہ تو پاکئی و خدائی
 ہمہ درگاہ تو جویم ہمہ از فضل تو پویم
 تو حکیمی ، تو عظیمی ، تو کریمی ، تو رحیمی
 بری از رنج و کدازی بری از درد و نیازی
 نتوان وصف تو گفتن کہ تو در فہم کجائی
 نبد این خلق و تو بودی بنود خلق و تو باشی
 ہمہ عزتی و جلالی ہمہ علمی و یقینی
 ہمہ غیبی تو بدانی ، ہمہ عیبی تو پوشی
 احدیس کشند صمدیس نہ ضد

نروم جز بہ جان رہ کہ تو ام را بہنایی
 ہمہ توحید تو گویم کہ بہ توحید سزایی
 تو نماندہ فضلی تو سزاوار شایئی
 بری از بیم و امید بری از عیب و خطائی
 نتوان شبہ تو جستن کہ تو در ہم نیائی
 نہ بچینی نہ بگردی نہ بجایئی نہ خزائی
 ہمہ نورئی و سہوری ہمہ جودئی و سخائی
 ہمہ میشی تو بجای ہمہ کئی تو خزائی
 لمن الملک تو گوئی کہ مرآن را تو سزائی

لب و دندان سنایی ہمہ توحید تو گوید

مگر از آتش دوزخ بودش روی ربائی

سنایی

نمونه‌هایی از تدبّر که در این درس تمرین شد

۱- استخراج پیام: با تفکر در آیه‌ی دانستیم که خداوند همه‌ی صفات زیبا و نیکو را دارد.

با تفکر در آیه‌ی دانستیم که خداوند هیچ یک از صفات نقص را ندارد.

۲- یافتن مصداق‌ها و نمونه‌ها: با مطالعه‌ی آیات دانستیم که صفاتی مانند سلام، مؤمن و عزیز مصداق صفات زیبا هستند و صفاتی مانند شریک داشتن و فرزند داشتن از نمونه‌های صفات نقص هستند.

۳- استدلال برای یک پیام قرآنی: بعد از استخراج این دو پیام از آیات که خداوند صفات زیبا و نیکو را دارد و صفات نقص را ندارد، به کمک استدلال، دلیل و چرایی آن توضیح داده شد.

اندیشه و تحقیق

الف

۱- معیار و ملاک توصیف خداوند به برخی از صفات چیست؟

۲- چرا نمی‌توانیم برخی از صفات را به خداوند نسبت دهیم؟

۳- چه تفاوتی میان صفات خدا و صفات انسان‌ها وجود دارد؟

ب

چهار جمله به صورت مناجات بنویسید که، خداوند حمد شده باشد. چهار جمله

نیز به صورت تسبیح بنویسید که بیانگر تنزیه خدا باشد.



۱- می‌دانید که خداوند جسم ندارد.

شریک هم ندارد.

در مورد یکی از این صفات سلبی تحقیق کنید و نتیجه را به صورت مقاله‌ای

بنویسید و در کلاس بخوانید.

۲- با مراجعه به آیات ۵۴ و ۱۵۰ آل عمران، ۱۱۴ مائده، ۵۷ انعام، ۸۷ و ۸۹ و

۱۵۵ اعراف، ۶۴ یوسف، ۸۹ انبیاء، ۵۸ حج و ۱۰۹ مؤمنون، صفاتی که خداوند در

آنها خود را بهترین نامیده است، مشخص نمایید.



در پناه ایمان

تنها شناخت یک هدف برای حرکت به سوی آن کافی نیست.
قرآن کریم ایمان به آن هدف را نیز لازم دانسته است. از این رو در این
درس می‌کوشیم نقش ایمان را بررسی کنیم و به سؤال‌های زیر پاسخ
دهیم:

- ۱- حقیقت ایمان چیست؟
- ۲- چرا علاوه بر شناخت هدف، ایمان به آن نیز لازم است؟
- ۳- چه تفاوتی میان «شناخت» و «ایمان» وجود دارد؟





آیات شریفہی زیر را بہ دقت و زیبا قراآت کنید.

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ

.....
بہ آنچه استوارتر و درست تر است ہدایت می کند.

يَهْدِي لِأَلَىٰ هِيَ آقَوْمٌ

وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ

الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ

أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا

اسراء، ۹

مَنْ عَمِلَ صَالِحًا

.....
چہ مرد و چہ زن

مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ

وَهُوَ مُؤْمِنٌ

.....
او را بہ حیاتی پاک زندہ می کنیم

فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً

.....
و قطعاً بہ آن ہا پاداش خواہیم داد،

وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ

.....
مطابق بہترین اعمالشان.

بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

نحل، ۹۷

قَالَتِ الْأَعْرَابُ ءَأَمَّنَا

بادیه‌نشینان گفتند : ما ایمان آوردیم

قُلْ لَمْ تَوْمِنُوا

بگو : ایمان نیاورده‌اید،

وَلَكِنْ قُولُوا أَسَلَمْنَا

بلکه بگویید، اسلام آوردیم.

وَلَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ

و هنوز ایمان در دل‌هایتان وارد نشده است.

وَإِنْ تُطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ

.....

لَا يَلِتْكُمْ مِنْ أَعْمَالِكُمْ شَيْئًا

از پاداش اعمال شما چیزی نکاهد.

إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ

.....

حُجُرَات، ۱۴

ترجمه



به کمک توضیحات زیر ترجمه آیات را کامل کنید.

يُبَشِّرُ : بشارت می‌دهد، مرده می‌دهد تُطِيعُوا : اطاعت کنید

چگونه شناخت خود را به عمل برسانیم؟

بسیار اتفاق می‌افتد که فایده‌ی کاری را می‌دانیم، اما در انجام آن کوتاهی می‌کنیم. هم‌چنین به زیان برخی کارها آگاهی داریم، اما از انجام آن‌ها دوری نمی‌کنیم. می‌دانیم که چند دقیقه ورزش در روز سلامت و شادابی می‌آورد یا زود خوابیدن در شب و زود برخاستن در صبح، نشاط و طراوت به همراه دارد، اما برخی از ما برای آن‌ها برنامه‌ریزی نمی‌کنیم.

کسانی هم که قانون شکنی می کنند، بر نادرستی عمل خویش آگاهند و زیان کار خود را می دانند، اما باز هم به انجام آن اقدام می کنند.

چرا با این که می دانیم برخی کارها نتیجه و ثمرات خوبی دارند، اما بدان عمل نمی کنیم؟ و با این که می دانیم نتیجه ی برخی کارها به زیان ما، خواهد بود، از انجام آن ها خودداری نمی ورزیم؟ به سراغ آیات ابتدای درس می رویم تا به این سؤال ها پاسخ دهیم.

پیام آیات



شماره ی آیه	در آیات ابتدای درس تدبّر کنید و جملات زیر را کامل نمایید.
	۱- میان ایمان و عمل صالح رابطه است. «.....» ثمره و نتیجه ی «.....» است.
	۲- ایمان، معیار ارزشمندی عمل صالح است. زیرا.....
	۳- ممکن است کسی به زبان بگوید ایمان دارم، اما واقعاً بی ایمان باشد. زیرا ایمان یک امر است و جایگاه آن است.

بنابراین شناختی که از یک کار خوب یا یک هدف بزرگ یا راه رستگاری به دست می آوریم، وقتی منجر به عمل خواهد شد، که آن شناخت به مرحله ی ایمان برسد. علم و شناخت مانند چراغی است که راه را نشان می دهد. اما داشتن این چراغ به تنهایی انگیزه ی لازم برای رفتن به آن راه را در انسان ایجاد نمی کند. ایمان برانگیزاننده و محرک انسان به سمت عمل است.

به همین جهت حضرت علی علیه السلام می فرماید :

الْإِيمَانُ وَالْعَمَلُ

ایمان و عمل

أَخْوَانِ تَوْأَمَانِ

دو برادر همراه

وَرَفِيقَانِ لَا يَفْتَرِقَانِ^۱

و دو دوست جدایی ناپذیرند.

۱- عُرُوهُ الْحِكْمِ وَ دُرَرُ الْكَلِمِ ج ۲ ص ۱۳۶

حقیقت ایمان

حال این سؤال مهم پیش می‌آید که «ایمان» چیست و جایگاه آن کجاست؟ انسان با عقل و اندیشه‌ی خود فکر می‌کند و علم به دست می‌آورد. بنابراین جایگاه علم و شناخت، عقل و اندیشه‌ی آدمی است. اما قرآن کریم جایگاه «ایمان» را قلب معرفی می‌کند. عقل ابزار فهمیدن است. عقل، با تفکر در آیات الهی و با استفاده از راه‌های معرفت بخش، می‌تواند خوب را از بد تشخیص دهد و به ما معرفی کند. اما این کار عقل برای انتخاب خوبی‌ها و رفتن به سوی آن‌ها کافی نیست. قلب هم باید به کمک بیاید.

قلب کانون وجود آدمی است. اگر به چیزی گرایش داریم یا با کسی دوستی می‌ورزیم، و اگر از چیزی متنفریم یا با کسی دشمنی داریم، مربوط به قلب ماست. قلب است که گاه لبریز از عشق و محبت و لطافت است و گاه آکنده از کینه و نفرت و خشونت، گاه در اطمینان و آرامش و گاه در اضطراب، گاه در یقین و گاه در شک و تردید. این قلب است که اگر به حقیقتی معتقد شود، شوق و حبّ نسبت به آن پیدا می‌کند و همت انسان را به سوی آن برمی‌انگیزد و در این حالت است که اطمینان و آرامشی وجود آدمی را فرا می‌گیرد، و حرکت به سوی عمل آغاز می‌شود و این با مفهوم ایمان که از «امن» گرفته شده و با «امنیت» و «امان» هم خانواده است، سازگار می‌باشد.

ایمان، همان باور و اعتقاد قلبی همراه با حبّ و دوستی به حق و اعتماد و اطمینان است که شوق به سوی عمل را در انسان ایجاد می‌کند.



بدین ترتیب درسی بزرگ از قرآن کریم می‌آموزیم :

اگر می‌خواهیم به هدفی که برای زندگی خود شناخته‌ایم، ایمان بیاوریم
و به سوی آن حرکت کنیم،
باید قلب خود را برای پذیرش آن هدف آماده سازیم.

نام‌گذاری

با توجه به نقش ایمان در رسیدن انسان به عمل، چه نامی می‌توان برای این

نقش انتخاب کرد؟

قلب در صورتی برای پذیرش حقیقت و راه زندگی آماده می‌شود که از زشتی‌ها دور و به زیبایی‌هایی آراسته گردد. قرآن کریم این زشتی‌ها و زیبایی‌ها را به ما نشان می‌دهد که در اینجا به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

زیبایی‌ها

- ۱- بینایی قلب برای مشاهده‌ی حقایق و زیبایی‌های زندگی.^۱
- ۲- باز بودن قلب بر روی آنچه با تفکر به دست آمده است.^۲
- ۳- سلامتی قلب از بیماری‌ها و گناهان.^۳
- ۴- توجه قلب به هدف‌های زیبای زندگی و یاد خدا.^۴

زشتی‌ها

- ۱- داشتن حالت انکار و تکبر در مقابل حقیقت.^۵
- ۲- سخت شدن قلب و نداشتن احساس در مقابل خوبی‌ها و زیبایی‌ها.^۶
- ۳- بسته شدن قلب بر روی حقایق و آنچه با تفکر به دست آمده است.^۷
- ۴- غفلت از هدف‌های زیبای زندگی و یاد خدا.^۸

علت‌یابی

زیبایی‌ها و زشتی‌های ذکر شده برای قلب را مورد بررسی قرار دهید و توضیح

دهید چرا این ویژگی‌ها به قلب آمادگی لازم را برای تقویت یا تضعیف ایمان می‌دهند.

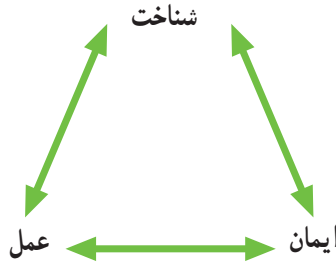
در باره‌ی هر یک بحث و گفت‌وگو کنید.

- | | | | |
|-----------|-------------|-----------------------|-----------|
| ۱- حج ۴۶ | ۲- محمد ۲۴ | ۳- شعراء ۸۹ و بقره ۱۰ | ۴- کهف ۲۸ |
| ۵- نحل ۲۲ | ۶- مائده ۱۳ | ۷- بقره ۷ | ۸- کهف ۲۸ |



رابطه‌ی شناخت، ایمان و عمل

درست است که ما باید ابتدا خوبی‌ها را بشناسیم و به آن‌ها ایمان آوریم تا به عمل برسیم؛ اما همین که به عمل صالح پرداختیم، خود این عمل، هم ایمان ما را تقویت می‌کند و هم شناخت ما را عمیق‌تر می‌سازد. از این رو می‌توان گفت میان این سه، رابطه‌ی متقابل است و هر کدام، دیگری را تقویت می‌کند.



ایمان درختی است که در قلب جوانه می‌زند، تناور می‌گردد و بر شاخه‌های آن اعمال شایسته و نیکو پدیدار می‌شود. اکنون شایسته است از خود بپرسیم:

قلب ما منزلگاه کیست؟

برای کدام دوست می‌تپد و با مهر چه کسی گرم است؟

قلب، مقدس‌ترین حرم عالم هستی است؛ در این حرم چه کسی حضور دارد؟

نمونه‌هایی از تدبیر که در این درس تمرین شد

- ۱- دریافت پاسخ از آیات: این سؤال طرح شد که چرا شناخت به عمل منجر نمی‌شود. با استفاده از آیات معلوم شد که باید ایمان نیز به کمک شناخت بیاید.
- ۲- استخراج پیام: از آیه‌ی این پیام به دست آمد که ایمان معیار ارزشمندی عمل است.
- ۳- ارتباط برقرار کردن میان چند آیه: آیات متعددی کنار هم گذاشته شد تا زیبایی‌ها و زشتی‌های قلب به دست آید و دسته‌بندی شود.



الف

- ۱- چگونه ایمان بین شناخت و عمل پیوند ایجاد می‌کند؟
 ۲- بعد از این که زبان یک کار را فهمیدیم، قلب ما چه نقشی در ترک آن دارد؟
 مثال بزنید.

ب

استاد شهید مرتضی مطهری در کتاب «انسان و ایمان» تفاوت‌های علم و ایمان را بیان کرده است. براساس آن کتاب، تفاوت‌های گفته شده را در مقابل یکدیگر، در جدولی مانند جدول زیر، بنویسید.

ردیف	علم	ایمان
۱	توانستن	خوب خواستن
۲		
۳		
۴		
۵		

پیشنهاد



۱- ایمان به خدا و اعتقاد به دین اسلام دارای آثار فردی و اجتماعی فراوانی است که باید در حیات فرد و جامعه تجلی کند. برای آشنایی با این آثار، به آیات زیر در قرآن کریم مراجعه کنید و آن آثار را یادداشت نمایید:

بقره: ۲۵، ۶۲، ۱۰۳، ۱۲۱، ۱۲۶، ۱۵۶، ۱۶۵، ۱۷۲، ۲۰۸، ۲۵۴ و ۲۶۷،

آل عمران: ۱۱۴، ۱۱۸، ۱۳۰ و ۱۴۹، نساء: ۳۹، ۵۹، ۷۶، ۱۳۵، ۱۴۴، ۱۵۲ و ۱۷۵،

مائده: ۶۹ و ۸۱، انعام: ۴۸، ۵۴، ۹۲، اعراف: ۲۷، انفال: ۲، توبه: ۱۸

- ۲- آثار ایمان را در زندگی انسان‌های بزرگ، بخصوص پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه‌ی معصومین علیهم السلام مطالعه کنید و نتیجه را در کلاس بیان نمایید.
- ۳- خاطراتی را از زندگی خود یا دوستان و آشنایان، که بیانی از حالات ایمانی باشد، بنویسید و در کلاس بخوانید.
- ۴- برای بهترین جمله‌های درس، یک طرح مناسب هنری انتخاب کنید و به اجرا در آورید.

تفسیر کنید



.....

.....

.....

در وادی امن

در درس قبل با حقیقت ایمان و ضرورت آن آشنا شدیم. اما هنوز با سه مسأله اساسی در قلمرو ایمان روبه‌رو هستیم که نیازمند بررسی است:

- ۱- چگونه شناخت خود را به مرحله‌ی ایمان برسانیم؟
- ۲- چگونه ایمان را تقویت کنیم و بر ایمان خود بیفزاییم؟
- ۳- ایمان به خدا و تقرب به او چه ثمراتی برای ما دارد؟





آیات شریفہی زیر را بہ دقت و زیبا قراآت کنید۔

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

..... قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ
..... الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ
..... وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ
..... وَالَّذِينَ هُمْ لِلزَّكَاةِ فَاعِلُونَ

مؤمنون، ۱ تا ۴

..... إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ
..... وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ
..... لآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ

أل عمران، ۱۹۰

..... يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا
..... اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا

و اورا تسبیح گوید

وَسَبِّحُوهُ

بامداد و شامگاہ

بُكْرَةً وَأَصِيلاً

احزاب، ۴۱ و ۴۲

يا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا

ادْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ

احزاب، ۹

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ

ءَامَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ

ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا
سپس شک نکردند

وَ جَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ

فِي سَبِيلِ اللَّهِ

أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ

حجرات، ۱۵

أَحْسَبَ النَّاسَ

آیا مردم پنداشته اند

أَنْ يُتْرَكُوا

آن ها را وامی گذارند

أَنْ يَقُولُوا ءَامَنَّا

به صرف این که بگویند ایمان آوردیم

وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ

و آزموده نمی شوند؟

عنکبوت، ۲

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ

إِذَا دُكِرَ اللَّهُ وَجِلَّتْ قُلُوبُهُمْ

وقتی یاد خدا می شود دل هاشان ترسان است

وَ إِذَا ثَلِيَتْ عَلَيْهِمْ ءَايَاتُهُ

و چون آیات خدا بر آن ها تلاوت شود

زَادَتْهُمْ إِيمَانًا

ایمانشان افزوده می گردد

وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ

انفال، ۲

الَّذِينَ ءَامَنُوا

وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ

أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ

رعد، ۲۸

ترجمه



با استفاده از عبارت‌های زیر، ترجمه را تکمیل کنید.

اِخْتِلَافٌ : آمد و شد

أُولَى الْأَلْبَابِ : خردمندان

فرصت طلایی

آیا تاکنون درباره‌ی نوجوانی خود تأمل کرده‌اید؟ خصوصیات روحی، روانی و جسمانی خود را زیر نظر گرفته‌اید؟ به ارزش آن‌ها توجه نموده‌اید؟ آیا می‌دانید خصوصیات و ویژگی‌های این دوره برای آن است که آن تصمیم بزرگ برای خوشبختی، اکنون گرفته شود؟

کودکی که از مادر متولد می‌شود، با قلبی پاک به دنیا می‌آید و هیچ گناهی دلش را آلوده نکرده است. معمولاً، این پاک‌ی و طهارت تا نوجوانی و جوانی باقی می‌ماند. اما همین قلب که از آب زلال‌تر و از آینه شفاف‌تر و از گلبرگ لطیف‌تر است، ممکن است به تدریج آلوده شود. این تغییر و تحول، کم

با زیاد، برای برخی از افراد پیش می‌آید. خوشا به حال نوجوانان و جوانانی که سلامت و پاکی دل را حفظ می‌کنند و لطافت و خلوص آن را تا پایان عمر نگه می‌دارند. هر اندازه که پاکی دل بیش‌تر باشد درهای لطف و رحمت خداوند به روی انسان بازتر است و به همین علت کودکان، نوجوانان و جوانان به آسمان‌ها و ملکوت نزدیک‌ترند. قلب پاک و بی‌آلایش نوجوان و جوان دریچه‌ای گشوده به آسمان و از جنس همان است. باشد که از این دریچه در آسمان پاکی‌ها به پرواز درآییم، پیش از آن که فرصت‌ها تمام شود و قدرت پرواز از دست برود.

امام خمینی رحمه الله علیه فرموده است :

«شما جوانان از حالا باید شروع کنید به جهاد اکبر و نگذارید که قوای جوانی از دستتان برود. هر چه قوای جوانی از دست برود، ریشه‌های اخلاق فاسد در انسان زیادت‌ر می‌شود و جهاد مشکل‌تر. جوان زودتر می‌تواند در این جهاد پیروز بشود... نگذارید در اصلاح حال خودتان زمان جوانی به زمان پیری بيفتند. از حيله‌هایی که نفس انسان به انسان می‌زند و شیطان به او پیشنهاد می‌کند این است که بگذار برای آخر عمر خودت را اصلاح کن! حالا از جوانی استفاده کن و بعد آخر عمر توبه کن! این یک طرح شیطنت‌آمیز است که نفس انسان پیاده می‌کند. انسان تا قوای جوانیش هست، تا روح لطیف جوانی هست، تا ریشه‌های فساد در او کم است، می‌تواند خودش را اصلاح کند»^۱.

خدایا ما را موفق کن که از این فرصت استفاده کنیم؛ و پیش از آنکه دل آلوده شود و خانه‌ی بیگانگان گردد، آن را کانون محبت تو نماییم.

پاسبان حرم دل شده‌ام شب همه شب

تا در این برده جز اندیشه‌ی او نگذارم^۲

۱- صحیفه‌ی نور، ج ۷، ص ۲۱۱

۲- حافظ

راه‌های رسیدن به ایمان و تقویت آن

قرآن کریم و پیشوایان معصوم علیهم‌السلام راه‌های رسیدن به ایمان را به ما نشان داده‌اند. این راه‌ها هم ما را از مرحله‌ی شناخت به مرحله‌ی ایمان می‌رسانند و هم سبب تقویت و محکم شدن آن می‌شوند. به چند مورد از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

۱- تفکر پیرامون آیات خدا در گستره‌ی هستی: آنچه در جهان است نشانه‌های زیبایی، علم، قدرت و رحمت خداست. توجه به این نشانه‌ها یاد خدا را در دل‌ها زنده می‌کند و لطف و رحمت او را به ما یادآور می‌شود و در نهایت بر دوستی و محبت ما به خدا می‌افزاید.

پیام آیات (۱)

در آیات ابتدای درس تفکر کنید و ببینید که کدام‌یک از آیات، ما را به این راه هدایت می‌کند. پیام‌های آن آیات را نیز استخراج نمایید.

۲- توجه دائم به خداوند و ذکر و یاد او: حضور خداوند در خاطر ما در همه‌ی لحظات زندگی، در آغاز صبح، در طول روز و در هنگام کار و تحصیل و در انتهای شب ارتباط ما را با او افزایش می‌دهد و به تدریج به پیوندی استوار می‌انجامد. یکی از حکمت‌های نمازهای پنج‌گانه زنده نگه داشتن یاد خدا در تمام طول شبانه‌روز در دل مؤمن است.

پیام آیات (۲)

در آیات ابتدای درس ببینید و ببینید که کدام‌یک از آیات، ما را به این راه هدایت می‌کند. پیام آیات را نیز استخراج نمایید.



انجام برخی از کارها ما را به یاد خدا می اندازد و برخی نیز سبب غفلت ما از خداوند می گردد. با مشورت با دوستان این کارها را مشخص کنید و جدول را تکمیل نمایید.

کارهایی که یاد خداوند را در دل زنده می کند	کارهایی که ما را از خدا غافل می کند
۱- قرائت قرآن کریم و تفکر در آن	۱- دوستی با کسانی که هدف خوبی در زندگی ندارند.
۲-	۲-
۳-	۳-
۴-	۴-
۵-	۵-
۶-	۶-

۳- توجه به نعمت های خدا: اگر به زندگی خود توجه کنیم، نشانه های لطف و رحمت خدا را به روشنی در آن می بینیم، این نشانه ها در زندگی هر کس و متناسب با حالات درونی او به صورتی جلوه می کند و به یاد آوردن الطاف الهی، یاد او را در دل ها زنده نگه می دارد و قلب را به او نزدیک تر می سازد.



در آیات ابتدای درس ببینید و ببینید کدام یک از آیات، ما را به این راه هدایت می کند.

۴- انجام نیکی ها و دوری از گناهان: هر عمل نیک دل را نورانی می کند و، هر گناه چون غباری صفحه ی دل را می پوشاند و به اندازه ی خود مانع رسیدن نور حقیقت به آن می گردد. باید

بکوشیم دل خود را با عمل به نیکی‌ها نورانی‌تر کنیم و با دوری کردن از گناهان رشته‌ی محبت خود را با خدا استوارتر سازیم.

پیام آیات (۴)



در آیات ابتدای درس بیندیشید و ببینید کدام یک از آیات، ما را به این راه هدایت می‌کند.

میوه‌های درخت ایمان

آن‌گاه که جوانه‌های ایمان در قلب پدیدار شود و بارقه‌های آن وجود ما را روشن کند، تحولی شگرف وجود ما را فراخواهد گرفت، به طوری که گویا تولدی جدید آغاز شده است. قرآن کریم از این تولد دوباره چنین یاد می‌کند:

«آیا آن کس که مرده بود و با [ایمان] زنده‌اش کردیم و برای او نوری قرار دادیم که به وسیله‌ی آن در میان مردم راه می‌رود، همانند کسی است که در تاریکی هاست و از آن بیرون شدنی نیست؟...»^۱

حال اگر جوانه‌های ایمان در مجموعه‌ی اعضای یک جامعه پدیدار شود و جامعه‌ی ایمانی شکل بگیرد، آن جامعه نیز به حیات جدیدی دست می‌یابد که با نور خداوند به پیش می‌رود. آری، خداوند ولی و سرپرست مؤمنان است و آنان را از ظلمات و تاریکی‌ها به نور درمی‌آورد. اما اولیاء کافران، طاغوت‌ها هستند که آنان را از نور و روشنایی به ظلمت می‌برند.^۲

۱- انعام، ۱۲۲

۲- بقره، ۲۵۷

پیام آیات (۵)



با اندیشه در آیات ابتدای درس، ویژگی‌های مؤمنان را استخراج کنید و شماره‌ی آیه و سوره‌ی آن را مشخص کنید.

آیه و سوره	پیام آیات

بیشتر بدانیم

استاد شهید مرتضی مطهری که از شاگردان بسیار نزدیک به امام خمینی بود، در تاریخ دوم بهمن ماه ۱۳۵۷، یعنی بیست روز قبل از پیروزی انقلاب اسلامی و ده روز قبل از آمدن امام خمینی از پاریس به ایران، درباره‌ی ایمان ایشان و تأثیری که این ایمان در پیروزی انقلاب اسلامی داشت، در یک سخنرانی می‌گویند :

«از قراری که به من اطلاع داده‌اند، چند روز پیش، کارتر [رئیس‌جمهور آن زمان آمریکا] به آیت‌الله خمینی راجع به بختیار [آخرین نخست‌وزیر شاه] اظهار کرد که دو ابر قدرت [یعنی آمریکا و شوروی] بر روی این دولت توافق دارند و شما حساب

کارتان را بکنید. اما این مرد بزرگ اعتنایی به این تهدید نکرد. من که نزدیک دوازده سال در خدمت این مرد بزرگ تحصیل کرده‌ام، باز وقتی که در سفر اخیر به پاریس، به ملاقات و زیارت ایشان رفتم، چیزهایی از روحیه‌ی او درک کردم که نه فقط بر حیرت من، بلکه بر ایمانم نیز اضافه کرد.

وقتی برگشتم، دوستانم پرسیدند «چه دیدی؟» گفتم: چهار تا «آمن» دیدم. «آمن بَهْدَفِهِ» به هدفش ایمان دارد؛ دنیا اگر جمع بشود، نمی‌توانند او را از هدفش منصرف کنند. «آمن بِسَبِيلِهِ» به راهی که انتخاب کرده ایمان دارد. امکان ندارد بتوان او را از این راه منصرف کرد. شبیه همان ایمانی که پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به هدفش و راهش داشت. «آمن بِقَوْلِهِ» [به سخنی که می‌گوید ایمان دارد]... و بالاخره بالاتر از همه، «آمن بِرَبِّهِ» [به پروردگارش ایمان دارد]. در یک جلسه‌ی خصوصی، ایشان به من می‌گفت فلانی این ما نیستیم که چنین می‌کنیم، من دست خدا را به وضوح حس می‌کنم. آدمی که دست خدا و عنایت خدا را حس می‌کند و در راه خدا قدم برمی‌دارد، خدا هم به مصداق «إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ» بر نصرت او اضافه می‌کند...

پزشکان فرانسه که اخیراً این پیرمرد را که لااقل پانزده سال است دچار جنگ اعصاب و ناراحتی روحی است و اخیراً هم جوانی آن چنان برومند^۱ را از دست داده، معاینه کردند، نظر دادند، قلب او نظیر یک جوان بیست ساله است. او که در راه خدا قدم برداشته، آن‌چه را قرآن وعده داده است به تجربه دریافته است.^۲ براستی، آیا رهبری بزرگ‌ترین انقلاب زمان و مقاومت در برابر ستمگران دنیا ثمره و میوه‌ی آن ایمان عظیم نیست؟

۱- آیت‌الله سید مصطفی خمینی

۲- پیرامون انقلاب اسلامی، استاد شهید مرتضی مطهری، ۲۰



رَبَّنَا إِنَّا سَمِعْنَا
مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ
أَنْ ءَامِنُوا بِرَبِّكُمْ
فَأَمَّا
رَبَّنَا فَاعْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا
وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا
وَتَوَقَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ.

پروردگارا، ما شنیدیم
ندای ندادهنده‌ی به ایمان را
که به پروردگارتان ایمان آورید
اینک ما ایمان آوردیم.
پروردگارا، گناهان ما را بیامرز
و بدی‌های ما را از ما بزدای
و ما را با نیکوکاران بمیران.

آل عمران، ۱۹۳



گام سوم

تلاش برای تقویت ایمان به خدا

می‌کوشم

ایمان و دل‌بستگی خود را به

خدا می‌مهربانی که مقصد و مقصود من است،

به راهی که مرا به او می‌رساند، و به راهنمایان و اسوه‌های

بزرگ انسانی، روز به روز

تقویت کنم.

خدایا!

قلبم را منزلگاه خود قرار ده و جانم را

به محبت آمیخته نما!



- ۱- چرا حرکت به سوی خدا و کسب سعادت الهی در جوانی و نوجوانی آسان‌تر از بزرگسالی است؟
- ۲- به نظر شما، مهم‌ترین نکته‌ای که در توصیه‌ی امام خمینی «رحمه الله علیه» به جوانان وجود دارد چیست؟ چرا؟
- ۳- به نظر شما مهم‌ترین عامل در تقویت ایمان کدام عامل است؟ چرا؟
- ۴- به نظر شما چه عاملی در تضعیف ایمان بیش‌تر مؤثر است؟ چرا؟
- ۵- چگونه می‌توان دل را حرم همیشگی خدا کرد؟



- ۱- ابتدا تحقیق کنید که نهج البلاغه چگونه و به دست چه کسی جمع‌آوری شده و شامل چند بخش است. سپس در بخش کلمات قصار، کلمه‌ی شماره‌ی ۳۲۵ را که با «المؤمن...» شروع می‌شود، مطالعه کنید و ویژگی‌های مؤمن را یادداشت نمایید. (شماره‌ی کلمه مطابق نهج البلاغه با ترجمه‌ی فیض الاسلام است)
- ۲- جلوه‌هایی از ایمان رسول خدا صلی الله علیه و آله که در طول زندگی و در حوادث مختلف ظهور کرده است، نام ببرید و با قلم زیبای خود، ادیبانه بنویسید.
- ۳- اگر بخواهید خصوصیات یک انسان مؤمن را، که از شخصیت اجتماعی نیرومندی نیز برخوردار است، در چند بند بنویسید، چه ویژگی‌هایی برای او خواهید نوشت؟
- ۴- اگر رفتاری از خودتان، دوستانتان و یا دیگر افراد جامعه سراغ دارید که موجب تقویت یا تضعیف ایمان شما یا آن‌ها شده باشد، آن را در قالب داستان بنویسید و در کلاس بخوانید.
- ۵- با تأمل در محتوای دعای صفحه‌ی ۸۲ طرحی به دلخواه خود رسم کنید.

خدایا! می دانم که بهترین توشه‌ی مسافر کوی تو
عزمی است که با آن خواستار تو شده باشد.^۱

امام کاظم علیه السلام

۲. آهنگ سفر



۱- مفاتیح الجنان، دعای روز ۲۷ ماه رجب

عزم خوب زیستن

در مرحله‌ی اول دانستیم که هدف اصلی زندگی ما رسیدن به خوبی‌ها و زیبایی‌های ماندگار و جاویدان است و دریافتیم که مجموعه‌ی این زیبایی‌ها در خدای متعال جمع است و در حقیقت، او محبوب و مقصود و هدف زندگی ماست. هرکس این هدف را دریابد و زندگی خود را صرف رسیدن به آن کند، زندگی لذت‌بخش و مطمئنی را برای خود به وجود خواهد آورد و از سردرگمی نجات خواهد یافت.

اما دانستیم که تصمیم‌گیری و حرکت به سوی هر هدف شناخته‌شده‌ای نیازمند ایمان به آن هدف نیز هست و تلاش کردیم راه‌های ایمان به محبوب و مقصود زندگی خود را بشناسیم و آن راه‌ها را پیماییم.

اکنون به مرحله‌ی تصمیم‌گیری و عزم برای عمل رسیده‌ایم. بنابراین لازم است بدانیم:

– حقیقت عزم و تصمیم چیست؟

– تصمیم‌های ما باید درباره‌ی چه چیزهایی باشد؟



آیات زیر را به دقت و زیبا قرائت کنید.



أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ

.....

فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ

.....

ممتحنه، ۴

وَمَنْ أَحْسَنُ دِينًا

و کیست از جهت دین نیکوتر

مِمَّنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ

از آن که روی خود را تسلیم خدا کرده

وَهُوَ مُحْسِنٌ

.....

وَاتَّبَعَ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا

و از آیین ابراهیم حقگرا پیروی کرده است

وَ اتَّخَذَ اللَّهُ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا

.....

نساء، ۱۲۵

وَمَنْ يَرْعُبْ

کیست که روی بگرداند

عَنْ مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ

.....

إِلَّا مَنْ سَفِهَ نَفْسَهُ

مگر آن که نابخردی پیشه کند

بقره، ۱۳۰

وَمَنْ أَوْفَىٰ

.....
بدانچه با آن با خدا پیمان بسته،

بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ

فَسَيُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا

.....
فتح، ۱۰

إِنَّ الَّذِينَ يَشْتَرُونَ

.....
پیمان خدا و سوگندهایشان را

بِعَهْدِ اللَّهِ وَأَيْمَانِهِمْ

به بهایی اندک

ثَمَنًا قَلِيلًا

آنان را بهره‌ای نیست

أُولَئِكَ لَا خَلَاقَ لَهُمْ

.....
فِي الْآخِرَةِ

.....
وَلَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ

.....
وَلَا يَنْظُرُ إِلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ

.....
وَلَا يُزَكِّيهِمْ

.....
وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ

.....
آل عمران، ۷۷

فَاصْبِرْ

.....
همان طور که پیامبران اولوالعزم

كَمَا صَبَرَ أُولُو الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ

پایداری کردند.

.....
احقاف، ۳۵

.....
وَإِنْ تَصَبَّرُوا

.....
وَتَتَّقُوا

این همان عزم در کارهاست.

فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ

.....
آل عمران، ۱۸۶



با استفاده از توضیحات زیر، ترجمه‌ی آیات را تکمیل کنید.

حَسَنَةً : نیکو، خوب مِلَّةً : کیش، آیین اَوْفَى : وفا کند
 فَسَيُؤْتِيهِ = ف + سَ + يُوْتِي + ه : به زودی به او خواهد داد
 حَلِيل : دوست يَشْتَرُونَ : می‌فروشند يُكَلِّمُ : سخن می‌گوید
 يَنْظُرُ : نگاه می‌کند اِصْبِر : صبر و پایداری کن
 تَصْبِرُوا : پایداری کنید يُزَكِّي : پاک می‌گرداند

بیشتر بدانیم

هزاران سال پیش، در شهر حیره، در سرزمین بین‌النهرین، جوانی رشید و برومند به نام «ابراهیم» به ماه و خورشید و ستاره پرستان چیزی گفت که هنوز هم جان را شیفته و قلب را مجذوب می‌کند.

«من هر چه را که افول کند و پایان پذیرد دوست ندارم.»

این جوان در نوجوانی نیز به گونه‌ای دیگر فکر خود را به دیگران ابراز کرده بود. او که در آن روزها «تصمیم خود را گرفته» و «عزم» را جزم کرده بود تا زندگی خود را بر پایه‌ی عشق به خدای یکتا بنا کند و دل به آن محبوب لایزال ببندد، سرپرست و عموی خود «آزر» را از بت پرستی و ساختن بت‌ها برحذر داشت، به بتخانه‌ی نمرودیان درآمد و بدون ترس از آتش خشم نمرود، همه‌ی بت‌ها، جز بت بزرگ را شکست و آنان را به ناتوانی بت‌ها آگاه کرد. پس از آن که آتش بزرگ نمرود بر او گلستان شد، از شهر نمرودیان، «بابل»، هجرت کرد و برای اقدامی به عظمت تمام تاریخ، رهسپار سرزمین‌های دور شد. او تنهای تنها گام در بیکرانه‌ی صحرا گذارد، بیابان‌ها، دره‌ها، کوه‌ها و دشت‌ها را پیمود تا به سرزمین فلسطین رسید. سالیانی دراز مردم را به بندگی خدای یگانه فرا خواند و درخت توحید را در این سرزمین تناور نمود.

پس از سال‌ها درنگ در فلسطین، به فرمان خداوند، عازم سرزمین مکه شد و با گذر از بیابان وسیع عربستان و تحمل سختی‌های فراوان به وادی مکه رسید و پس از سال‌ها خانه‌ی خدا را تجدید بنا کرد و آن جا را مرکز توحید قرار داد. وقتی گرد پیری بر چهره‌اش نشست و به دیوار کعبه تکیه داده بود، شادابی و آرامش و رضایت به‌خوبی در نگاهش هویدا بود.

گویا به‌روشنی می‌دید که از نسل فرزندش اسحاق، پیام‌آوران بزرگی چون موسی و عیسی ظهور کرده‌اند و آیین او را به دیگر جهانیان رسانده‌اند و از ذریه‌ی فرزند دیگرش اسماعیل، پیامبری بزرگ به نام «محمد» ﷺ آمده است و توحید را تا دوردست‌های کره‌ی خاک گسترش داده است.

به یاد آن تصمیم در نوجوانی می‌افتاد و خاطرات پرفراز و نشیب یک زندگی طولانی را از نظر می‌گذراند و از پایداری‌ها و موفقیت‌های خود شادمان می‌شد، اما از غرور در او خبری نبود. اکنون او نیز «محبوب» خدا شده بود؛ و خداوند او را «دوست خود» می‌خواند و با او نجوا می‌کرد. آیا لذتی بالاتر از این هست که خداوند به انسانی بگوید «من تو را دوست دارم»؟

چه زندگی موفقیت‌آمیزی! چه عزم قوی و چه اراده‌ی محکمی! چه سرمشق زیبایی! اکنون نوبت ماست. لحظه‌ای درنگ، اندکی تأمل با خود؛ آیا هریک از ما نمی‌توانیم به نسبت خودمان در تصمیم بزرگ ابراهیم شریک شویم؟ چرا، می‌توانیم! پس ای خدای مهربان! به ما کمک کن تا در کوتاه‌ترین زمان ممکن بهترین تصمیم زندگی مان را بگیریم.





در آیات ابتدای درس بیندیشید و با ارتباط برقرار کردن میان آن‌ها و با توجه

به زندگی‌نامه‌ی کوتاه حضرت ابراهیم علیه السلام به سؤالات زیر پاسخ دهید.

سؤال	پاسخ	آیه و زندگی‌نامه
۱- در این آیات چه فضیلت‌ها و کرامت‌هایی برای حضرت ابراهیم ذکر شده است؟	۱- ۲- ۳- ۴- ۵- ۶-	
۲- آیا این خوبی‌ها و کرامت‌ها اختصاص به ابراهیم <small>علیه السلام</small> یا پیامبران دارد؟	
۳- این خوبی‌ها و کرامت‌ها، نتیجه‌ی دو موفقیت بزرگ در زندگی ایشان بود. آن دو موفقیت کدام‌اند؟	موفقیت فردی : موفقیت اجتماعی :	برگرفته از زندگی‌نامه
۴- این موفقیت‌ها را به‌خاطر داشتن کدام ویژگی‌ها و انجام کدام کارها به‌دست آورده بود؟	۱- عزم و تصمیم بزرگ ۲- ۳- ۴- ۵- ۶-	
۵- اگر کسی بخواهد در برنامه‌ی زندگی، ابراهیم را اسوه قرار دهد، چه باید بکند؟	۱- ۲- ۳- ۴-	
۶- چرا اگر کسی حضرت ابراهیم <small>علیه السلام</small> را اسوه قرار ندهد، خداوند او را نادان می‌شمرد؟	
۷- لازمه‌ی وفای به یک عهد و موفقیت در انجام یک پیمان چیست؟	۱- ۲-	
۸- آنان که در زندگی پیمان‌های خود با خدا را می‌شکنند به چه عاقبتی دچار می‌شوند؟	۱- ۲- ۳- ۴-	

تصمیم برای یک زندگی هدفدار

یکی از محورهای اصلی در پیام‌ها، داشتن عزم و تصمیم برای آغاز یک زندگی موفق است. عزم به معنی اراده، قصد و آهنگ به سوی هدفی است. آدمی با عزم و اراده‌ی خود آنچه را انتخاب کرده عملی می‌سازد. به همین جهت عزم، ظهور گوهر انسانیت، یعنی اختیار است و تفاوت

درجات انسان‌ها به درجاتِ عزمِ آنهاست.^۱ استواری، اعتماد، شکیبایی و تحمل سختی‌ها از آثار عزم قوی است. داستان زندگی رسولان خدا گواه این مدعاست. کار بزرگ عزم بزرگ می‌طلبد. آنان که فاقد عزم و اراده‌اند، در مقابل وزش تندباد حوادث تاب نمی‌آورند و سرنوشت خود را به دست آن حوادث می‌سپارند. قدم گذاشتن در راه زندگی سعادت‌مندانه نیز نیازمند عزمی قوی است که در فراز و نشیب حوادث سست نشود و عازم راه را تنها نگذارد. به همین جهت بعد از سفارش‌هایی که لقمان حکیم به فرزندش می‌کند و راه و رسم زندگی را به او نشان می‌دهد، می‌گوید:

وَ اصْبِرْ عَلٰی مَا اَصَابَكَ اِنَّ ذٰلِكَ مِنْ عَزْمِ الْاُمُوْر
 بر آنچه به تو می‌رسد استقامت کن که این از عزم و اراده‌ی در کارهاست.
 لقمان ۱۷

عهد و پیمان با خدا

کسی که راه سعادت را شناخته است و می‌خواهد در مسیر هدایت قدم گذارد، با خدای خود پیمان می‌بندد که در این راه ثابت قدم بماند و با عزمی استوار بر سر پیمان خویش بایستد. چقدر زیباست که خداوند، راه سعادت ما را قرین رضایت خود ساخته است؛ یعنی وقتی خدا از ما راضی خواهد بود که ما در مسیر سعادت و خوشبختی گام برداریم؛ و آن‌گاه از ما ناخشنود خواهد بود که شقاوت و ناامیدی بر ما سایه افکنده باشد. پس عهد ما با خدا، هم رضایت او و هم سعادت و رستگاری ما را به دنبال دارد.

اما از کجا بدانیم که آنچه خداوند، در مسیر بندگی و تکلیف، از ما می‌خواهد فقط برای سعادت ماست؟ در پاسخ باید گفت: او در کمال بی‌نیازی است و نقصی ندارد که بخواهد با درخواست از ما، آن را برطرف کند و همچنین ما هم چیزی از خود نداریم که تقدیم خدا کنیم، بلکه هرچه داریم از اوست. چون او سعادت ما را می‌خواهد، آگاهمان می‌کند که: می‌خواهم این راه را بروید، چون می‌دانم سعادت شما در این راه است. پس رضایت خدا در سعادت ما، و اطاعت از او راه سعادت ماست. از این رو می‌توان گفت:

میزان دینداری ما به میزان وفاداری ما به عهد و پیمانی است که با خدا بسته‌ایم. هر قدر در پیمان خود استوارتر باشیم، دینداری ما نیز کامل‌تر خواهد بود.

۱- امام خمینی، شرح چهل حدیث، ص ۷



با اندیشه در آیاتی که خواندید و با استفاده از تجربیات خود، ویژگی‌های انسان‌های صاحب عزم و با اراده را با ویژگی‌های مردم بدون عزم و سست اراده مقایسه کنید و فرق آن‌ها را با یکدیگر مشخص نمایید.

انسان‌های فاقد عزم	انسان‌های صاحب عزم
۱-	۱-
۲-	۲-
۳-	۳-
۴-	۴-
.....

عهد و میثاق میان انسان و خدا معمولاً در سه مرحله انجام می‌پذیرد :

۱- قدم گذاشتن در راه

فرد در این مرحله از عهد، جهت زندگی خود را مشخص می‌سازد و مسیر کلی آینده‌ی خود را معین می‌کند. ممکن است در ابتدای حرکت با دستورات الهی چندان آشنا نباشد و لذا در عمل به آن‌ها دچار خطاهایی شود. اما چون جهت اصلی را درست انتخاب کرده، به تدریج افکار و اعمال خود را اصلاح می‌کند و راه را هموارتر می‌سازد.

اعمالی که انجام آن‌ها لازمه‌ی پیمودن راه سعادت است و بدون آن‌ها این راه طی نمی‌شود «واجب» نام دارند و اعمالی که مانع پیمودن راه هستند و ما را از مسیر خوشبختی دور می‌کنند، «حرام» نام دارند. انجام واجبات و دوری از محرمات همان پیمودن راه رستگاری و کسب رضای خداست و محتوای اصلی همان عهدی است که انسان با خدا می‌بندد. اعمال دیگری نیز هستند که عمل به آن‌ها واجب نیست، ولی رفتن به سوی کمال را آسان‌تر می‌کنند و انسان را به درجات برتر رستگاری می‌رسانند، این اعمال را «مستحب» می‌گویند. اعمالی نیز هستند که گرچه مانع رسیدن به سعادت نمی‌شوند، اما از سرعت حرکت می‌کاهند و توفیق رسیدن به درجات برتر خوشبختی را از فرد سلب

می‌کنند؛ این اعمال را «مکروه» می‌نامند. به جز این چهار مورد، کارهایی نیز در زندگی وجود دارند که نه واجب‌اند، نه حرام، نه مستحب‌اند، نه مکروه، مانند بازی کردن، قدم زدن، خوردن، خوابیدن، خریدن و فروختن. این اعمال را مباح می‌گویند. البته اصل انجام دادن یا ندادن این کارها مباح است. اما هر وقت خواستیم یکی از این کارها را انجام دهیم، باید احکام اسلامی مربوط آن‌ها را رعایت کنیم. مثلاً بازی مباح است، اما نه هر بازی؛ قماربازی حرام است و نمی‌توان آن را انجام داد.

بیشتر بدانیم

در دوره‌ی راهنمایی درباره‌ی ضرورت مراجعه به یک فقیه دارای شرایط برای به‌دست‌آوردن احکام مطالبی خوانده‌اید. اکنون اضافه می‌کنیم که لازمه‌ی زندگی دینی، عمل به واجبات و دوری از محرمات است و راه شناخت آن‌ها برای کسی که خودش متخصص در احکام نیست، سؤال از متخصص است که او را «فقیه و مجتهد» می‌گویند. ضروری است با مشورت کسانی که در این موضوع آگاه هستند، یکی از فقیهان را به‌عنوان مرجع تقلید انتخاب کنیم و مطابق با دستورهای وی وظایف خود را انجام دهیم. برای آسانی و سهولت کار می‌توانیم کتاب «رساله‌ی توضیح المسائل» مرجع خود را تهیه کنیم و مطابق با آن عمل نماییم.

اگر در مسیر زندگی سؤال‌هایی در زمینه‌های مختلف برای ما پیش آمد، به کسانی که توانایی پاسخ‌گویی دارند، مانند دبیران دینی و قرآن و امام جماعت محل و مراکز مطمئن علمی مراجعه کنیم و سؤال خود را با آن‌ها در میان بگذاریم*.

* برخی از پایگاه‌های قابل استفاده عبارتند از:

- ۱- واحد پاسخ به سؤالات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه‌ی علمیه قم
 - ۲- پایگاه پاسخگویی به مسائل دینی
 - ۳- مرکز مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی حوزه‌ی علمیه قم
 - ۴- پایگاه جامع پاسخگویی به سؤالات و شبهات دینی
 - ۵- دفتر مطالعات و تحقیقات زنان
 - ۶- مؤسسه فرهنگی و اطلاع‌رسانی تبیان
 - ۷- مرکز فرهنگ و معارف قرآن
 - ۸- پایگاه اینترنتی حوزه
 - ۹- معاونت آموزش و تبلیغ نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها
 - ۱۰- پایگاه اطلاع‌رسانی بلاغ
- www.Pasokhgoo.ir
www.Porsojoo.ir
www.andishe qom.com
www.eporsesh.com
www.womenrc.com
www.Tebyan.net
www.Porsemaneqarun.com
www.hawzeh.net
www.Porseman.org
www.balagh.net

۲- تجدید عهد

هر صبحی که از راه می‌رسد و سپیده سر می‌زند، آغاز یک زندگی جدید و فرصتی دوباره برای برداشتن گامی دیگر است. در هر بامداد، با قیام در برابر پروردگار، عهد و میثاق خود را تجدید می‌کنیم و قرارهایی را که میان خود و خدا گذاشته‌ایم مرور می‌نماییم. این تجدید میثاق روزانه، غفلت و سهل‌انگاری را می‌زداید و ما را در عمل ثابت‌قدم‌تر می‌نماید.

۳- تکمیل عهد

به تدریج که در راه زندگی پیش می‌رویم و عزم و پشتکارمان فزونی می‌گیرد، درمی‌یابیم که حرکت‌های جدیدی را می‌توانیم در وجود خود آغاز کنیم و صفات پسندیده‌ای را در خود تقویت نماییم یا صفت ناپسندی را از خود دور سازیم. به‌طور مثال، تصمیم می‌گیریم از وقت خود برای مطالعه و تفکر بیشتر استفاده کنیم، به والدین خود بیش‌تر احترام بگذاریم، به دیگران به‌ویژه بستگان و همسایگان، نیکی و احسان کنیم و نماز خود را در اوّل وقت بخوانیم. از همان روز برای آن‌ها برنامه‌ریزی می‌کنیم و با خدا عهد می‌بندیم که در انجام آن‌ها کوتاهی نکنیم.

نمونه‌هایی از تدبّر که در این درس تمرین شد

- ۱- کشف رابطه شرط و مشروط: به‌طورمثال، مشخص شد که شرط و لازمه‌ی وفای به عهد، بنابر آیات است.
- ۲- دریافت پاسخ از آیات: مانند این سؤال که «قرآن کریم چه کرامت‌هایی برای حضرت ابراهیم ذکر می‌کند؟»، که پاسخ آن از آیات درس به‌دست آمد.
- ۳- ارتباط میان چند آیه: به‌طورمثال برای دریافت فضیلت‌های حضرت ابراهیم آیات کنار هم قرار داده شد.



الف

- ۱- عزم چه رابطه‌ای با اختیار دارد؟
- ۲- چرا انسان‌های با اراده و مصمم را دوست داریم و از انسان‌های بی‌اراده خوشمان نمی‌آید؟

ب

در آیات مبارکه‌ی ۱۳۰ طه، ۱۷ لقمان، ۶۰ و ۶۱ یس، تدبیر نموده و بیان کنید که هر آیه بر کدام یک از مراحل سه‌گانه‌ی عهد ناظر است.

پیشنهاد




- ۱- اگر داستان‌هایی از زندگی انسان‌های با اراده و مصمم که در راه حق و حقیقت تلاش کرده‌اند، سراغ دارید، آن‌ها را یادداشت کنید و در کلاس برای دوستان خود بخوانید.
- برای تحقیق در این باره می‌توانید به کتاب‌های زیر مراجعه کنید:
 - ۱- خدا بود و دیگر هیچ، دکتر مصطفی چمران
 - ۲- سفر به گرای ۳۷۰ درجه، احمد دهقان، سوره‌ی مهر
 - ۳- مجموعه‌ی چلچراغ، انتشارات مدرسه
 - ۴- رمز موفقیت بزرگان، رضا باقی‌زاده گیلانی
 - ۵- مجموعه‌های: «نیمه‌ی پنهان ماه»، «اینک شوکران»، «به‌مجنون گفتم زنده بمان» از انتشارات روایت فتح

تصمیم



- با خود بیندیشید و مهم‌ترین پیمانی را که باید با خداوند ببندید، مشخص کنید و در جمله‌ای زیبا با او در میان بگذارید. سپس تعیین کنید که:
- ۱- در چه زمان‌هایی با خداوند تجدید عهد می‌کنید؟
 - ۲- با چه عهد‌های دیگری آن را تکمیل می‌نمایید؟

پایداری در عزم



چه بسا انسان در آغاز گام نهادن در راه زندگی، چنان عزم و اراده‌ی قوی نداشته باشد که بتواند هر تصمیمی را به موقع و همواره انجام دهد. بنابراین لازم است با استفاده از راه‌های مختلف تصمیم خود را تقویت کند و از عواملی که سبب ضعف آن می‌شوند دوری جوید. همان‌طور که اجرای برنامه و استمرار آن برای نفس اطمینان می‌آورد و شادابی و نشاط می‌بخشد، شکستن پیمان و خلف وعده، سستی اراده و ضعف نفس را در پی دارد و کار به جایی می‌رسد که شخص با خود می‌گوید: «من نمی‌توانم، من ضعیف هستم.»

به همین جهت لازم است بدانیم:

دوام و پایداری در عزم به چه عواملی بستگی دارد؟





آیات زیر را به دقت و زیبا قرائت کنید.

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

..... وَ سَارِعُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ
 وَ جَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ
 أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ

آل عمران، ۱۳۳

..... أُولَئِكَ يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ
 وَ هُمْ لَهَا سَابِقُونَ
 و آنان به سوی آن خیرات سبقت می گیرند.

مؤمنون، ۶۱

..... وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ اعْلَمُوا
 أَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ

بقره، ۲۳۳

..... لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ
 وَ هُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ
 وَ هُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ
 و او دقیق و آگاه است.

انعام، ۱۰۳

وَإِنَّ عَلَيْكُمْ لَحَافِظِينَ

.....
(فرشتگان) بزرگواری که نویسندگان
(اعمال شما) هستند.

كِرَامًا كَاتِبِينَ

يَعْلَمُونَ مَا تَفْعَلُونَ

.....
انفطار، ۱۰ تا ۱۲

.....
إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ

.....
ثُمَّ اسْتَقَامُوا

.....
فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ

.....
وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ

.....
أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ

.....
خَالِدِينَ فِيهَا

.....
جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

.....
أحقاف، ۱۳ و ۱۴

.....
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

.....
وَالْعَصْرِ

.....
إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ

.....
إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا

.....
وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ

.....
وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ

.....
وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ

.....
عصر، ۱ تا ۳

در آن روز، دوستان صمیمی

الْأَخْلَاءِ يَوْمَئِذٍ

بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ

إِلَّا الْمُتَّقِينَ

زخرف، ۶۷

ترجمه

به کمک توضیحات زیر، ترجمه‌ی آیات را تکمیل کنید.

سارِعوا : بشتابید	أَعِدَّتْ : آماده شده است	أَبْصَارُ : دیدگان
تُدْرِكُ : درک می‌کند	حَافِظُ : مراقب و ناظر	تَوَاصَوْا : یکدیگر را سفارش کردند
عَرَّضَ : وسعت	خُسْرُ : زیانکاری	

پیام آیات

با تفکر و تدبیر در آیات قبل می‌توانیم به عوامل زیر برای تقویت عزم برسیم:

آیات:

۱- تسریع در انجام تصمیم

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

کسی که بر انجام کار خیری همت کرده، در عمل به آن تسریع کند و آن را به تأخیر نیندازد.^۱

۱- بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۲۱۷

بسیاری از انسان‌ها چون در شرایط روحی و معنوی خاصی واقع شوند، تصمیم جدیدی می‌گیرند. به‌طور مثال، کسی که وضع نابسامان فقری را مشاهده می‌کند، تصمیم می‌گیرد بخشی از وقت خود را در راه کمک به نیازمندان اختصاص دهد، یا وقتی در حال و هوای شب‌های قدر قرار می‌گیرد و حال معنوی پیدا می‌کند، عهد می‌بندد که خطاهای خود را ترک نماید. در این میان، برخی از افراد هستند که چون از آن شرایط و حال و هوا بیرون آمدند، عزمشان سست می‌شود و تصمیم خود را فراموش می‌کنند. به همین خاطر نباید میان «تصمیم» و «عمل» فاصله بیفتد.

امیر مؤمنان علی علیه السلام فرموده‌اند :

تأمل و درنگ از شتاب کردن بهتر است، مگر در فرصت‌هایی که برای انجام کار خیر به دست می‌آید!

آیات:

۲- توجه به حضور در پیشگاه خداوند و فرشتگان

احساس حضور در پیشگاه با عظمت خداوند سبب می‌شود که او را ناظر بر اعمال خود ببینیم و از برداشتن قدم‌های مخالف با عهد و پیمان منصرف شویم. همچنین توجه به حضور فرشتگان که نویسندگان اعمال ما هستند، مانع نقض عهد و پیمان است.

آیات:

۳- توجه به عاقبت و ثمرات پایداری در تصمیم

به یاد آوردن ثمره‌ی شیرین وفای به عهد و موفقیت‌های حاصل از آن و نیز توجه به عاقبت تلخ و تأسف‌بار شکستن پیمان، انسان را در عزم خود استوارتر می‌کند و نمی‌گذارد که پیمان شکسته شود و از دست برود.

همان‌طور که توجه به پیمان و عوامل تقویت‌کننده‌ی آن نتیجه بخش است، غفلت از آن‌ها نیز زیان‌آور است. غفلت، یعنی بی‌توجه بودن و سست شدن نسبت به هدف و راه رسیدن به آن و این را هم باید دانست که غفلت با فراموشی تفاوت دارد و لذا شخص فراموش‌کار مقصّر نیست. بلکه آن کسی سزاوار سرزنش است که فراموشی وی ناشی از غفلت و بی‌توجهی باشد.

غافل مباش از عقلی، دریاب اگر صاحب‌دلی

باشد که نتوان یافتن دیگر چنین ایام را

۴- داشتن دوست همفکر و همراه

آیات:

بیش تر ما این تجربه را داشته ایم یا دیده ایم که وقتی تصمیم گرفته ایم شنا یاد بگیریم یا کوهنوردی کنیم یا کار مهمی را انجام دهیم، وجود دوستان همراه در پیشرفت کار و موفقیت ما مؤثر بوده است. تشویق دوستان، همراهی آنان با ما و نشان دادن راه حل های مناسب در مسیر کار سبب می شود که آن تصمیم بر ما آسان و با دلگرمی بیش تر راه را ادامه دهیم.

ارتباط آیات



با تفکر در آیات سوره ی عصر و آیه ی ۶۷ سوره ی زخرف و برقراری ارتباط میان آن ها، سه پیام اصلی را که مربوط به همراهی دوستان است، استخراج کنید.

پیشوایان دین که اسوه های حقیقی ما در زندگی هستند و موفقیت آمیزترین زندگی را سپری کرده اند، ما را به رعایت اصول دیگری دعوت کرده اند که دو اصل از آن ها را در ادامه ی اصل های قبل می آوریم.

۵- رعایت اصل اعتدال

رسول خدا ﷺ به امیر مؤمنان علیه السلام فرمود:

«یا علی، این دین استوار و متین است. به نرمی و ملایمت در آن وارد شو و کاری نکن که نفس تو از عبادت پروردگارت متنفر شود.»

آن گاه با یک مثال، پرهیز از افراط و تفریط را این گونه توضیح داد:

«سوارکاری که به مرکب خود زیاد فشار می آورد، نه مرکب را حفظ می کند و نه خود مسیر را طی می نماید (و به مقصد نمی رسد)»^۱

گاه فرد تصمیم به کاری می گیرد که فوق توان و طاقت اوست. همین امر سبب ناکام ماندن او می شود. بنابراین باید به توانایی جسمی و روحی خود توجه کنیم و تصمیم هایی متناسب با توانایی

۱- اصول کافی، ج ۳، ص ۱۴۰ چاپ اسلامیه

خود بگیریم. در عبادت، کار، مطالعه، ورزش، بیدار ماندن، خوابیدن و هر کار دیگری رعایت اعتدال و میانه روی ضروری است.

۶- رعایت اصل تدریج و تداوم

رسول خدا ﷺ می فرماید :

محبوب ترین کارها نزد خدای متعال، با دوام ترین آن هاست، گرچه اندک باشد.^۱ برای این که تصمیم های ما پابرجا بمانند و تا پایان زمان تعیین شده ترک نگردند، رعایت اصل تدریج ضروری است. تدریجی عمل کردن است که سبب دوام عمل می شود. برای مثال، اگر تصمیم داریم یک کتاب را مطالعه کنیم، بهتر است صفحات آن را به گونه ای تقسیم کنیم که خسته نشویم و پس از مدتی مطالعه در وجودمان به یک رفتار دائمی تبدیل شود.

رهرو آن نیست که گه تند و گهی خسته رود

رهرو آن است که آهسته و پیوسته رود

نمونه هایی از تدبّر که در این درس تمرین شد

۱- استخراج پیام : به طور مثال، از آیات اصل توجه به عاقبت و ثمرات پایداری در تصمیم استخراج شد.

۲- کشف ارتباط میان دو آیه : به طور مثال، با تفکّر در آیات سوره ی عصر و ۶۷ سوره ی زخرف این رابطه به دست آمد که

.....

گام چهارم

عهد بستن با خدا

خدایا!

آهنگ آن دارم که از امروز
با همت خود به سوی انجام آنچه تو برایم
می‌بسنی بروم و از آنچه تو نمی‌بسنی دوری نمایم.
پروردگار من! با تو عهد می‌بندم در انجام واجبات
و دوری از محرمات کوشا باشم.

ای خدای مهربان!
از خطاها و لغزش‌های من در گذر و مرا در
این راه یاری فرما!



- ۱- آیا علاوه بر عوامل ذکر شده در این کتاب، عامل یا عوامل دیگری برای تقویت عزم می‌شناسید؟ آن‌ها را بیان کنید .
 - ۲- به نظر شما چه عواملی ممکن است تصمیمات زیر را تهدید کند؟ هریک را جداگانه بنویسید .
- الف - خواندن نمازهای روزانه در اوّل وقت
- ب - مطالعه‌ی کتاب‌های مفید در هر هفته به میزان هفت ساعت
- ج - کمک به نیازمندان از طریق همکاری با مؤسسات خیریه
- ۳- چرا امام صادق علیه السلام می‌فرمایند «سزاوار است کسی که همت بر کار خیری کرده، در عمل به آن تسریع کند و آن را تأخیر نیندازد.»؟

پیشنهاد



خود را ارزیابی کنید:

با بعضی از عوامل تقویت یا تضعیف عزم آشنا شدید. اکنون با توجه به آن عوامل، خود را ارزیابی کنید و ببینید کدام یک از عوامل تقویت عزم در شما قوی‌تر و کدام یک ضعیف‌تر است و چه موانعی در زندگی برای اجرای عهدهای خود دارید. نتیجه‌ی بررسی را برای خود یادداشت کنید و مواردی را که قابل بیان است، در کلاس به بحث بگذارید.

در زمره‌ی بیداران

دانستیم که لازمه‌ی دین‌داری وفای به عهد خود با خداست. باقی ماندن بر پیمانی که با خدا بسته‌ایم، رشد و کمال ما و رضایت پروردگار را در پی دارد و شکستن پیمان به شرمندگی در مقابل او می‌انجامد. او پیوسته در انتظار ماست و صمیمی‌تر از مادر، آغوش مهرش را به روی ما گشوده است. این سخن خداست که :

هر کس یک و جب به سوی من آید یک گام به سوی او خواهم رفت و هر کس گامی به سوی من آید، دو گام به سوی او خواهم داشت و هر کس آهسته به سوی من آید، شتابان به جانبش خواهم شتافت.^۱

اما آیا تا ابد برای برنامه‌ریزی و رسیدن به هدف‌های خود فرصت داریم؟ می‌دانیم که این‌گونه نیست. زمان به سرعت می‌گذرد و فرصت از دست می‌رود.
پس :

- ۱- برای این که برنامه‌های خود را به اجرا درآوریم و از پیمان‌های خود محافظت کنیم، چه کارهایی را باید انجام دهیم؟
- ۲- با چه روشی می‌توانیم تشخیص دهیم که در برنامه‌های خود موفق بوده‌ایم یا به موفقیت نرسیده‌ایم؟

۱- حدیث قدسی، عوالی اللالی، ابن ابی‌جمهور احسانی، ج ۱، ص ۵۶



آیات زیر را به دقت و زیبا قرائت کنید.

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَنَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ

ما ترازوهای دادگری را می نهیم

لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ

.....

فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا

.....

وَأِنْ كَانَ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ

و اگر به اندازه ی دانه ی خردلی باشد

أَتَيْنَا بِهَا

آن را می آوریم

وَكَفَىٰ بِنَا حَاسِبِينَ

و ما برای حساب کافی هستیم.

انبیاء، ۴۷

قُلْ هَلْ أُنَبِّئُكُمْ

.....

بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا

.....

الَّذِينَ ضَلَّ سَعْيُهُمْ

.....

فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا

.....

وَهُمْ يَحْسَبُونَ

.....

أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا

که کار نیکو می کنند.

کهف، ۱۰۳ و ۱۰۴

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا

.....

اتَّقُوا اللَّهَ

.....

وَلَتَنْظُرَنَّ نَفْسٌ

و هر کس باید بنگرد

برای فردا چه آماده کرده است

مَا قَدَّمْتُ لِيَوْمِ

وَأَتَّقُوا اللَّهَ

.....

.....

إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ

حشر، ۱۸

ترجمه

به کمک عبارات زیر، ترجمه‌ی آیات را تکمیل کنید.

لَا تُظْلَمُ : ظلم نشود به نُنبئُ : خبر می‌دهیم، آگاه می‌کنیم
ضَلَّ : گم شد يَحْسَبُونَ : گمان می‌کنند.

پیام آیات

با اندیشه‌ی در آیات، پیام‌ها را تکمیل نمایید و آیات مربوط به هر کدام را

مشخص کنید.

آیات	پیام آیات	ردیف
	در روز قیامت	۱
	امکان ندارد در محاسبه‌ی قیامت به کسی شود زیرا	۲
	کسی که کارهای ما را ارزیابی می‌کند	
	برخی می‌پندارند در حالی که اینان	۳
	کسانی هستند که در زندگی دنیایی خود،	
	هر کس باید مواظب باشد	۴

اگر میان این پیام‌ها ارتباط برقرار کنیم، می‌توانیم به این پیام کلی برای زندگی برسیم: شرط وفای به عهد و رسیدن به داشتن می‌باشد.

حال، این سؤال مطرح می‌شود که با چه برنامه‌ای می‌توان به این شرط جامه‌ی عمل پوشاند؟ برای پاسخ به این سؤال به پیشگاه پیشوایان خود می‌رویم و از راهنمایی آنان بهره می‌گیریم. آن بزرگواران برنامه‌ای بسیار دقیق عرضه داشته‌اند که مهم‌ترین ارکان آن برنامه «مراقبت» و «محاسبه» است.

مراقبت

مراقبت به معنای زیرنظر گرفتن، دقت و توجه داشتن است. عهدی که در ابتدا بسته می‌شود، مانند کودکی نوپا نیازمند مراقبت جدی است تا از آسیب‌ها و تهدیدهای گوناگون درونی و بیرونی درامان ماند و استوار و محکم شود.

امام علی علیه السلام می‌فرماید:

گذشت ایام آفاتی به دنبال دارد و موجب پراکندگی در تصمیم‌ها و کارها می‌شود.^۱

به طور مثال تصمیم می‌گیریم بعد از ظهر روزهای فرد به یک ورزشگاه برویم و ورزش کنیم. اگر در طول روز به این تصمیم توجه نکنیم و اهمیت آن را برای خود یادآور نشویم، چه بسا نسبت به تصمیم خود سست شویم یا کاری دیگر ما را به خود مشغول کند و از اهمیت این عهد بکاهد و مانع انجام ورزش شود. این مراقبت، ابعادی دارد که عبارتند از:

۱- مراقبت از اصل عمل: شخص باید مراقب باشد تا در درجه‌ی اول به اصل عهد و پیمانی که با خدا بسته، عمل کند، به طوری که هیچ‌یک از اجزای اصلی آن فروگذار نشود. به طور مثال، در هنگام ادای نماز باید دقت کند، تمام واجبات نماز را به درستی انجام دهد و نگذارد نماز او باطل شود.

تکمیل

برای انجام اصل نماز دو دسته عمل واجب است: رکن و غیر رکن.

غیر رکن: عملی است که سبب باطل شدن نماز می‌شود.	رکن: عملی است که سبب باطل شدن نماز می‌شود.
..... ۱- ۴- ۱- ۴-
..... ۲- ۵- ۲- ۵-
..... ۳- ۶- ۳- ۶-

۱- غررالحکم و دررالکلم، ج ۴ ص ۶۲۶

۲- مراقبت از کیفیت انجام عمل: مقدار مؤثر بودن یک عمل به کیفیت انجام آن بستگی

دارد. برای مثال، مطالعه‌ی مؤثر وقتی انجام می‌شود که در شرایط مناسب و همراه با دقت و توجه باشد. همچنین کسی که انفاق می‌کند باید مراقب باشد آبروی شخص مستحق را نریزد و بر او منت نگذارد تا بدین وسیله کیفیت عمل او بالا رود.

پس برای این که در کارهای خود به نتیجه‌ی مطلوب برسیم و تأثیر آن‌ها را احساس کنیم، باید مراقب باشیم که آن‌ها را به بهترین صورت انجام دهیم.

بررسی



* برای این که نماز کیفیت مطلوب داشته باشد، به طوری که احساس

کنیم تأثیر سازنده بر ما داشته است، چگونه باید آن را انجام دهیم؟

- ۱-.....
- ۲-.....
- ۳-.....
- ۴-.....

۳- مراقبت از نیت و انگیزه‌ی عمل: مهم‌ترین جنبه‌ی هر عمل، نیت یا قصدی است که از

انجام آن داریم. باید در عمل خود اخلاص داشته باشیم و آن را آلوده به هدف‌های دنیوی و پست نکنیم. برای مثال، اگر ما به دیگران کمک می‌کنیم، این کمک وقتی موجبات رستگاری ما را فراهم می‌آورد و به اصطلاح «ثواب دارد» که برای خودنمایی نباشد، بلکه آن را صرفاً به خاطر خدا و از روی وظیفه‌شناسی انجام دهیم. حال اگر هدف ما خودنمایی باشد، نه تنها به کمال ما کمک نمی‌کند، بلکه ما را از رسیدن به رستگاری هم باز می‌دارد.

امیرمؤمنان می‌فرماید:

«آفت یک عمل، ترک اخلاص در آن است»^۱ و «اعمال انسان به وسیله‌ی اخلاص صعود می‌کند و بالا می‌رود.»^۲ و «خوشا به حال کسی که علم و عملش، دوستی و دشمنی‌اش، گرفتن و ترک کردنش، سخن گفتن و سکوتش را برای خداوند خالص کند.»^۳

تأثیر یک عمل در رشد معنوی انسان وابسته به قصد و نیتی است که عمل کننده در دل دارد. لذا باید از نیت خود در اعمال مراقبت نماییم و نگذاریم کارهای ارزشمند و متعالی، آلوده به هدف‌های کوچک و پست گردد. البته نباید فراموش کرد که نیت‌های خوب می‌توانند همسوی با هم قرار گیرد. برای مثال، دانش‌آموزی که برای پیشرفت کشور و آسایش مردم درس می‌خواند، از آن‌جا که می‌داند که خداوند این عمل را دوست دارد و در راستای رضایت اوست، سعی بیشتری می‌کند و چنین دانش‌آموزی نه تنها به جامعه کمک می‌کند، بلکه خودش به کمال معنوی و پاداش اخروی و رضایت خداوند هم می‌رسد.

امام صادق علیه السلام فرموده است :

کسی که با مراقبت، قلب خود را از غفلت حفظ کند و نفسش را با نظارت از شهوت حفظ نماید و عقل خود را با کسب آگاهی از جهل مصون دارد، در زمره ی بیداران است.^۱

بررسی

برای این‌که نمازی با اخلاص داشته باشیم و واقعاً آن را به قصد قربت انجام دهیم، چه راه حلی پیشنهاد می‌کنید.

.....
.....

محاسبه و ارزیابی

بعد از مراقبت، نوبت به محاسبه و ارزیابی می‌رسد تا میزان موفقیت در عمل به دست آید و عوامل موفقیت یا عدم موفقیت شناخته شود. در واقع، محاسبه برای این است که انسان نباید بر خود آسان بگیرد و نسبت به اشتباهات خویش بی‌توجه باشد. آن کس که از خطای دیگران می‌گذرد، کرامت و بزرگواری نشان داده، اما کسی که خطا و گناه خود را نادیده می‌گیرد، ضعف و زبونی خود را در مقابل آن ثابت کرده است.

رسول خدا ﷺ فرمود :

به حساب خود رسیدگی کنید قبل از این که به حساب شما برسند.^۱

کشف ارتباط



سخن رسول خدا ﷺ درباره‌ی ضرورت محاسبه، با کدام یک از آیات ابتدای درس ارتباط دارد و این ارتباط چگونه است؟

.....

.....

.....

امام کاظم علیه السلام می فرماید :

کسی که در هر روز کارهای خود را ارزیابی و محاسبه نکند از ما نیست.^۲

از کلام اخیر نتیجه می گیریم که محاسبه‌ی اعمال باید روزانه باشد. بهترین زمان آن نیز، در پایان هر روز و قبل از خواب است. خوب است همیشه در آخرین لحظات روزی که پشت سر گذاشته ایم و برگی دیگر از عمرمان ورق می خورد، نگاهی به کارها و اعمال خود بیندازیم؛ اگر موفق بوده ایم سپاسگزار خداوند باشیم و اگر کوتاهی کرده ایم به درگاهش استغفار نماییم و با عزمی تازه و امیدی نو، خود را برای روز بعد آماده سازیم.

تفکر در احادیث



در جدول صفحه‌ی بعد سه سخن از امام علی علیه السلام آمده است. در این سخنان تأمل کنید و آثاری را که آن حضرت برای محاسبه بیان فرموده است، استخراج نمایید.

۲- اصول کافی، ج ۴، ص ۱۹۰

۱- وسائل الشیعة، ج ۱۶، ص ۹۹

پیام	حدیث
.....	<p>۱- مَنْ حَاسَبَ نَفْسَهُ، وَقَفَّ عَلَىٰ عُيُوبِهِ، وَاحَاطَ بِذُنُوبِهِ، وَاسْتَقَالَ الذُّنُوبَ^۱ وَاصْلَحَ الْعُيُوبَ</p>
.....	<p>۲- ثَمَرَةُ الْمُحَاسَبَةِ صَلَاحُ النَّفْسِ</p>
.....	<p>۳- مَنْ حَاسَبَ نَفْسَهُ، سَعِدَ^۲</p>

موفقیت در پیمان
و پیروزی در زندگی

محاسبه از خود
برای انجام پیمان

مراقبت از پیمان

پیمان بستن با خدا

نمونه‌هایی از تدبیر که در این درس تمرین شد

۱- ارتباط برقرار کردن میان چند آیه : مانند کاری که در فعالیت «ج» انجام گرفت.

۲- استفاده از حدیث در تبیین آیات : مانند احادیثی که در این درس مورد استفاده قرار گرفت و پایداری در عزم توضیح داده شد.

۱- اسْتَقَالَ الذُّنُوبَ : از بند گناهان رها می‌شود.

۲- هر سه حدیث از میزان الحکمة، ج ۱، ص ۶۱۸



اگر بخواهیم «ورزش» و «مطالعه‌ی کتاب‌های غیر درسی» را در برنامه‌ی هفتگی خود قرار دهیم، برای هر یک از ابعاد مراقبت، چه کارهایی باید بکنیم؟

مطالعه	ورزش	
		مراقبت از اصل عمل
		مراقبت از کیفیت عمل
		مراقبت از نیت عمل

از امیرالمؤمنین علی علیه السلام پرسیدند:

زیرک ترین آدم های کیست؟

فرمود: کسی که از خود و عمل خود برای بعد از مرگ حساب بکشد.

پرسیدند: چگونه؟

فرمود: چون صبح تا شب به کار و زندگی پرداخت، شب به خود

برگردد و بگوید:

ای نفس! امروز روزی بود که بر تو گذشت و دیگر بازمی گردد. خدا باره‌ی

این روز از تو خواهد پرسید که آن را چگونه گذراندی و در آن چه کردی؟

آیا به یاد او سپاس از او بودی؟ آیا گره از کار فرو بسته می‌گشودی؟

آیا گردنم از چهره‌ی او زدودی؟ آیا...؟

گام پنجم

.....

ای خدای من!
اکنون که آهنگ زندگی بر اساس
راهنمایی‌های تو را دارم، می‌کوشم در انجام عهدهم با تو
پایدار بمانم و از آن مراقبت کنم.
خدایا! مرا یاری کن تا در ارزیابی و محاسبه‌ی کارهای
خود، سهل‌انگاری نکنم.

بارالها!
اگر غفلتی ورزیدم و در اجابت فرمان تو کوتاهی
کردم، از من درگذر و توفیقم ده تا دوباره
به سوی تو آیم.



- ۱- چرا مراقبت در ابتدای اجرای هر برنامه ضروری تر است؟
- ۲- بعضی از افراد می‌گویند: «ما اعمال و عباداتی را انجام می‌دهیم ولی تأثیر آن‌ها را در خود احساس نمی‌کنیم.» فکر می‌کنید اشکال کار این افراد در کجاست؟
- ۳- چه رابطه‌ای میان «مراقبت» و «محاسبه» برقرار است؟ آیا این دو به یکدیگر وابسته‌اند؟
- ۴- چرا باید از نیت و قصد خود در هنگام عمل مراقبت کنیم؟ آیا این موضوع با این سخن پیامبر ﷺ ارتباط دارد که می‌فرماید: «إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ»؟
- ۵- آسان گرفتن و گذشت در چه صورتی پسندیده است و در چه صورتی ناپسند است؟

پیشنهاد



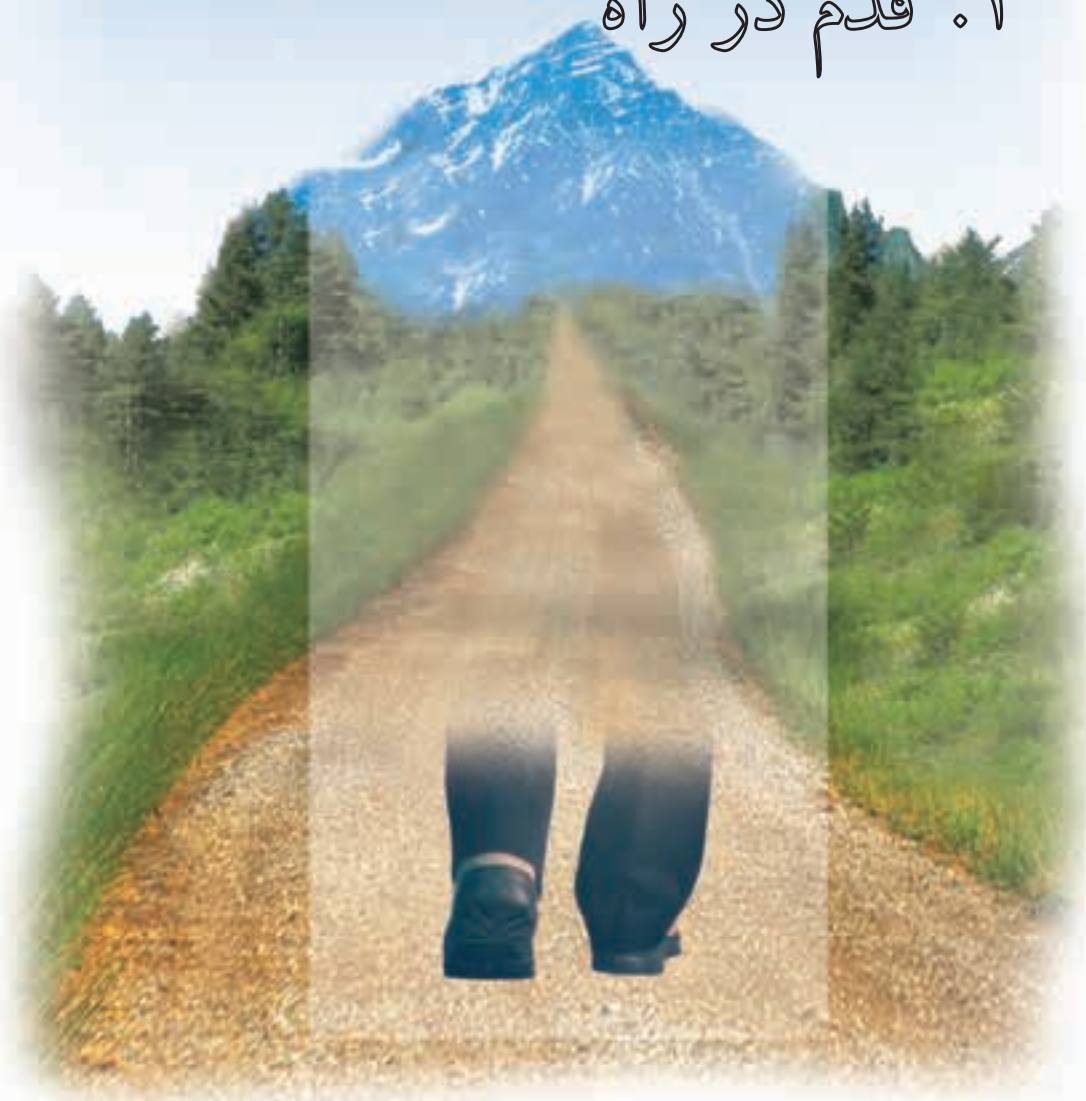
سخن امام صادق عليه السلام درباره بیداران یا کلام حضرت علی عليه السلام درباره زیرک‌ترین آدم‌ها و همچنین گام چهارم را با خطاطی و طراحی زیبا در کلاس نصب کنید.

فَأَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا بِاللَّهِ وَاعْتَصَمُوا بِهِ
فَسَيُدْخِلُهُمْ فِي رَحْمَةٍ مِنْهُ وَفَضْلٍ
وَيَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمًا

نساء ۱۷۵

و اما کسانی که به خدا ایمان آوردند و به او تمسک جستند، به زودی آنان را در رحمت و فضلی از جانب خویش درآورد، و ایشان را به سوی خود، به راه راست، هدایت کند.

۳. قدم در راه



آیین رهروی

راه زندگی را با تفکر در هدف و غایت زندگی آغاز کردیم و با عبور از آمادگی و توجه قلبی (ایمان به هدف و غایت زندگی)، به عزم و آهنگ حرکت به سوی آن رسیدیم. اکنون می‌خواهیم قدم‌ها را برداریم و به سوی هدف پیش برویم. برای این کار به برنامه‌ریزی نیاز داریم. زیرا هر حرکتی با وجود یک برنامه‌ی منظم و دقیق به مقصد می‌رسد. در این درس می‌خواهیم بدانیم:

۱- برنامه‌ی زندگی ما باید چه ویژگی‌هایی داشته باشد؟

۲- در این برنامه چه کارهایی را باید در نظر بگیریم؟





آیات زیر را به دقت و زیبا قرائت کنید.

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مَنْ عَمِلَ صَالِحًا

مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ

وَهُوَ مُؤْمِنٌ

فَلَنُحْيِيَنَّهُ حَيَاةً طَيِّبَةً

وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ

بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

او را به زندگانی پاک زنده بداریم

و مزدشان را بدهیم

بر پایه‌ی نیکوترین کاری که می‌کردند.

نحل، ۹۷

لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ

أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ

لِمَنْ كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ

وَالْيَوْمَ الْآخِرَ

وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا

احزاب، ۲۱

وَهُوَ الَّذِي سَخَّرَ الْبَحْرَ
لِتَأْكُلُوا مِنْهُ لَحْمًا طَرِيًّا
وَتَسْتَخْرِجُوا مِنْهُ
حِلْيَةً تَلْبَسُونَهَا
وَتَرَى الْفُلْكَ
مَوَاحِرَ فِيهِ
وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ
وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ

تا از آن، گوشت تازه بخورید.
و از آن بیرون آورید
زیوری را که می پوشید.

که شکافندگان [آب] اند

نحل، ۱۴

وَقَضَىٰ رَبُّكَ
أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ
وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا
إِذَا يَبْلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ
أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا
فَلَاتَقُلْ لَهُمَا أُفٌ
وَلَا تَنْهَرَهُمَا
وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا

اگر به پیری رسیدند نزد تو
یکی از آن دو یا هر دو

بر آن‌ها بانگ مزین

اسراء، ۲۳

يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ

وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ

وَأَنه عَنِ الْمُنْكَرِ

وَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا أَصَابَكَ

إِنَّ ذَٰلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ

که این از عزم در کارهای مهم است.

وَلَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ

وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا

إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ

كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ

و روی خود را از مردم [به تکبر] برمگردان،

و در زمین مغرورانه راه مرو؛

هرخودپسند فخر فروش

وَاقْصِدْ فِي مَشْيِكَ

وَاعْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ

إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ

لَصَوْتُ الْحَمِيرِ

و در راه رفتنت میانه‌رو باش،

و صدایت را پایین بیاور

که همانا ناخوش‌ترین صداها

صدای خران است.

لقمان، ۱۷ تا ۱۹

با استفاده از عبارتهای زیر، ترجمه‌ی آیات را تکمیل کنید.

دَکْر: مرد	أُنْثَى: زن	مَا أَصَابَكَ: آنچه به تو رسید
بُنَى: فرزندم، پسر	أُسْوَةٌ: سرمشق، الگو	
كَانَ يَرْجُو: امید دارد، امید داشت	قَضَى: فرمان داد، حکم کرد	
لَا تَقُلْ: نگو	كَرِيم: زیبا، ارزشمند	

پیام آیات (۱)

با تدبّر در آیه‌ی ۹۷ سوره‌ی نحل درمی‌یابیم که:

شرط رسیدن به «زندگی پاک» و «.....»، «.....» و «عمل صالح» است.

در قرآن کریم معمولاً کلمه‌ی «عمل»، با کلمه‌ی «صالح» همراه است. مقصود از «عمل صالح»

چیست؟

«صالح» به معنای «دارای صلاحیت» و «شایسته» است. «عمل صالح» آن عملی است که شایستگی

دارد انسان را به زندگی پاک و سعادت حقیقی برساند و از به‌هدردادن عمر جلوگیری کند.^۱

ضرورت برنامه‌ریزی

برنامه‌ریزی به انسان کمک می‌کند که در شرایط مختلف همان عملی را انجام دهد که «صالح»

باشد و او را به موفقیت برساند. به همین جهت است که امیرمؤمنان علی علیه السلام می‌فرماید:

۱- تفسیر المیزان، علامه طباطبائی، تفسیر آیه‌ی ۱۳۰ سوره‌ی بقره

قوام و استحکام زندگی با داشتن یک نقشه‌ی زیبا میسر است و اساس آن
نقشه‌ی زیبا نیز یک تدبیر زیباست.^۱
و تأکید می‌کند که :

وقت‌های تو اجزای عمر تو‌اند، پس هیچ زمانی را از دست مده، مگر برای آن
چیزی که به رستگاریت کمک کند.^۲

برنامه، اهداف اصلی را از فرعی جدا می‌کند و میزان توجه و پرداختن به هر کدام را معین می‌سازد و راه رسیدن به اهداف را معرفی می‌نماید. برنامه، جایگاه هر عمل و هر وظیفه‌ای را متناسب با زمان و امکانات و استعدادهایی که انسان دارد، معین می‌کند. در واقع زمان، ظرف عمل ماست. هر بامداد که سپیده سر می‌زند و سلام روز تازه را ندا می‌دهد، تا بامداد دیگر دقیق و ساعات بسیاری در اختیار ما قرار می‌گیرد که هر زمانی مناسب برای کار خاصی است. به‌طور مثال، صبح زود برای نماز، تلاوت قرآن، مطالعه‌ی درس و ورزش صبحگاهی مناسب است و بخشی از روز برای کار و مدرسه و بخشی دیگر برای فعالیت‌های اجتماعی و ورزش و تفریح و مانند آن. آرامش شب نیز متناسب با استراحت، تفکر و مطالعه و راز و نیاز با خداست.

حالات روحی و جسمی ما نیز در سنین مختلف متفاوت است که باید متناسب با همان حالات برنامه‌ریزی کرد.

دوره‌ی کودکی، دوره‌ی ظهور و بروز توانایی‌های طبیعی و بازی و سرگرمی است؛ و دوره‌ی نوجوانی و جوانی، دوره‌ی کسب مهارت‌ها، دانش‌اندوزی، آمادگی برای حضور در جامعه و بخصوص دوره‌ی شکوفایی فکر و اندیشه و انتخاب‌های بزرگ است؛ انتخاب‌هایی که شخصیت و منش انسان را رقم خواهند زد.

بنابراین، گرفتن تصمیم‌های متناسب با شرایط زمانی و سنی و روحی و خلقی، نیازمند دقت و کاردانی و تنظیم نقشه‌ای حساب شده است تا در این فرصت عمر، بیشترین استعدادهای آدمی به رشد و کمال برسند و کمترین ضرر و زیان وارد شود.

ما بسیار تواناتر از مخلوقات پیرامون خود هستیم

تمام مخلوقات پیرامون ما برای پیمودن راه خود و برای رسیدن به مقصدی که دنبال می‌کنند، از برنامه‌ای بسیار منظم و دقیق که خدا برای آن‌ها تنظیم کرده پیروی می‌کنند و هر کار خود را روی حساب انجام می‌دهند. شما می‌توانید کار برخی از این مخلوقات را زیر نظر بگیرید و برنامه‌ریزی آن‌ها را ثبت کنید. فیلم‌های مستندی که درباره‌ی زندگی حیوان‌ها و گیاهان تهیه شده، کمک فراوانی به شما می‌کند. در زندگی آنان هیچ لحظه‌ای برای تلف شدن و بی‌برنامه بودن وجود ندارد. تمام لحظات عمر آنان برای کار خاصی پیش‌بینی شده است. حتی دوران استراحت آنان هم جای مشخص خود را دارد. به دو نمونه‌ی زیر توجه کنید:

ساعت زیستی در چرخه‌ی زندگی یک نوع گنجشک، بسیار جالب و شگفت‌انگیز



است. او در هر فصلی چنان عمل می‌کند که گویی از هم‌اکنون می‌داند که چند ماه آینده چه خواهد شد. هماهنگی زمانی میان برنامه‌ی غذایی، تاریخ مهاجرت و مواظبت از نسل، نشان از آن دارد که هر حرکتی به منظور خاصی انجام گرفته، به طوری که اگر آن حرکت انجام نمی‌گرفت تمام کارهای بعدی بی‌نتیجه می‌ماند. اگر چرخه‌ی رفتار او را از بهار بی‌گیری کنیم، می‌بینیم که در این فصل میزان تغذیه‌ی خود را افزایش می‌دهد تا برای تابستان که می‌خواهد به سرزمین شمال مهاجرت کند، آماده باشد. وقتی به سرزمین جدید مهاجرت کرد، در این سرزمین تخم‌گذاری می‌کند و جوجه‌های خود را به دنیا می‌آورد. زیرا هوای تابستانی سرزمین جدید را برای نگه‌داری جوجه‌ها مناسب می‌بیند. کم‌کم جوجه‌های او بزرگ می‌شوند و فصل پاییز هم فرا می‌رسد. در ابتدای این فصل دوباره میزان تغذیه را افزایش می‌دهد تا خود را آماده‌ی مهاجرت به سرزمین‌های جنوب کند که در زمستان هوای معتدل‌تری دارند. این برنامه‌ریزی دقیق سبب می‌شود که هم خودش بتواند زندگی کند و هم نسل وی ادامه یابد.^۱



عسل یکی از سودمندترین غذاهای طبیعی است که خداوند در قرآن کریم از آن به عنوان غذایی شفابخش یاد کرده است. درباره‌ی فواید این غذا، دانشمندان سخن‌های فراوان گفته و کتاب‌ها نوشته‌اند. زنبور، برای تهیه‌ی این ماده از نقشه‌ای بسیار دقیق پیروی می‌کند.

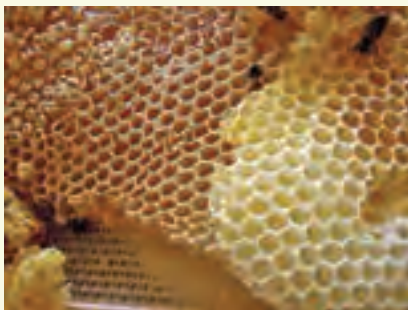
وقتی که گیاهان و درخت‌ها گل می‌دهند، زنبور روی شهد گل‌ها که اصلی‌ترین قسمت گل است، می‌نشیند و به جمع‌آوری شهد می‌پردازد و در کیسه‌ای مخصوص که در بدنش قرار دارد، ذخیره می‌نماید. بعد از این که حجم شهدها به ۴۰ میلی‌گرم رسید، به سوی کندو بازمی‌گردد. در هنگام بازگشت، مقداری «دیاستاز» که عامل رسوب عسل طبیعی است، به آن ترشح می‌کند. دیاستاز در جدار همان کیسه‌ای قرار دارد که شهدها در آن ذخیره می‌شود. زنبور، در همان حال، مقداری از آب شهد را جذب می‌کند تا عسل به غلظت موردنظر برسد. بعد از آن، این شهد غلیظ را که حالا عسل نام

^۱ - Claude a. Villet et al, Biology. Second edition. P 1251

دارد، به درون یکی از سلول‌هایی که به وسیله‌ی موم درست کرده می‌ریزد. به تدریج سلول‌های کندو از عسل پر می‌شود تا هم خود زنبور از این ماده‌ی غذایی مفید بخورد و هم انسان‌ها و برخی حیوان‌ها از آن استفاده کنند.

زنبور یکی از پاکیزه‌ترین مخلوقات خدا نیز هست. او هرگز مدفوع خود را در کندو نمی‌ریزد و برای دفع آن به خارج از کندو می‌رود.

یک تقسیم کار دقیق نیز میان زنبورها صورت گرفته است. زنبورهای بزرگسال برای تهیه‌ی عسل به خارج از کندو می‌روند و زنبورهای جوان فقط به مراقبت نوزادان و ساختن موم و کارهای دیگر داخل کندو می‌پردازند.



می‌بینیم که هر مخلوقی در طبیعت، هر چند کوچک برای همه‌ی ایام عمر خود برنامه دارد و از یک برنامه‌ی غریزی و خدادادی پیروی می‌کند و در هر زمانی به کاری مشغول است و زمان هرز رفته و تلف شده ندارد. ما نیز که از قدرت عقل و فکر برخورداریم، می‌توانیم این درس بزرگ را از مخلوقات پیرامون خود بگیریم و هر زمانی را به کار مناسب با آن اختصاص دهیم. هم خود از آن بهره بگیریم و هم به دیگران بهره برسانیم.

قدر وقت ار نشناسد دل و کاری نکند

بس خجالت که از این حاصل اوقات بریم

حافظ

ذکر نمونه‌ها

حتماً شما نیز در مطالعات خود با نمونه‌هایی از برنامه‌ریزی هدفمند در طبیعت روبه‌رو شده‌اید. این نمونه‌ها را برای دوستان خود در کلاس بیان کنید و هماهنگی میان آن برنامه با زمان را توضیح دهید.

تطبیق

مشخص کنید که کدام یک از کارهای زیر عمل شایسته محسوب می‌شوند و کدام محسوب نمی‌شوند. دلیل آن را در کلاس توضیح دهید. دو جای خالی را نیز پر کنید.

عمل	شایسته	ناشایسته
۱- دیدار از پدر بزرگ و مادر بزرگ، سالی یک بار.		
۲- تأخیر در آموختن احکامی که در بیش‌تر مواقع نیاز به دانستن آن‌ها هست.		
۳- اختصاص وقت محدودی از شبانه‌روز برای دیدن تلویزیون.		
۴- بیدار بودن تا پاسی از شب و خواب ماندن تا بعد از طلوع آفتاب.		
۵- اختصاص وقت معینی به ورزش در هر هفته.		
۶-		
۷- مطالعه‌ی هر نوع کتاب به مدت دو ساعت در هفته.		
۸-		
۹- قرائت چند آیه از قرآن کریم و تدبیر در آن آیات، بعد از نماز صبح.		
۱۰- کنار گذاشتن مقداری از پول خود برای کمک به مستمندان.		

پیام آیات (۲)

با تدبیر در آیه‌ی ۲۱ سوره‌ی احزاب درمی‌یابیم که:
به شرطی برنامه‌ی ما برای زندگی موفقیت‌آمیز خواهد بود که قرار داده باشیم.

رسول خدا و اهل بیت ایشان الگوی ما، در راه زندگی

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت ایشان علیهم السلام برنامه‌ی دقیقی برای زندگی خود داشته‌اند و سفارش‌های فراوانی به یاران و پیروان خود نموده‌اند که آنان نیز زندگی با برنامه و هدفمندی طراحی نمایند.

روزی امام حسین علیه السلام از پدر گرامی خود پرسید: وقتی رسول خدا صلی الله علیه و آله به خانه می‌رفتند چه می‌کردند؟

فرمود:

در منزل اوقات خود را سه قسمت می‌کرد: قسمتی برای عبادت، قسمتی برای اهل خانه و قسمتی برای رسیدگی به کارهای خود. سپس آن قسمتی را که به خود اختصاص داده بود، میان خود و مردم تقسیم می‌کرد و عموم مردم را به حضور می‌پذیرفت.^۱

ابوذر می‌گوید که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

برای عاقل و خردمند ضروری است که ساعات خود را چنین تقسیم کند:

ساعتی برای مناجات با پروردگار، ساعتی جهت رسیدگی به اعمال خود، ساعتی برای تفکر در آنچه خداوند به او عطا کرده است و ساعتی برای بهره‌بردن از نعمت‌های خدا.^۲

زندگی رسول خدا صلی الله علیه و آله و اهل بیت ایشان اسوه و الگوی کاملی برای ماست. ما می‌توانیم با نگاه به سیره‌ی آنان در زندگی بهترین برنامه‌ها را برای خود تنظیم کنیم و راه سعادت و خوشبختی را بیاماییم. به همین جهت خداوند رسول خدا صلی الله علیه و آله را اسوه‌ی ما قرار داده است و رسول خدا نیز از ما خواسته که اهل بیت گرامی ایشان را برای سرمشق انتخاب کنیم.

اسوه کسی است که می‌توان به راه او رفت و از او متابعت کرد. البته این معنا نیست که حتماً عین او باشیم. ما می‌کشیم که از الگوی کامل و نیکو یعنی رسول خدا صلی الله علیه و آله و اهل بیت گرامی ایشان علیهم السلام پیروی کنیم و در این راه، هر چه موفق‌تر باشیم، به آن‌ها نزدیک‌تر شده و از نور وجودشان بیش‌تر بهره‌مند می‌شویم.

۱- نگاهی دوباره به سیمای پیامبر (ص)، ص ۳۴

۲- بحار الانوار، ج ۷۷، ص ۷۳

امیرمؤمنان در نامه‌ای به یکی از فرماندارانش چنین بیان می‌فرماید :
«آگاه باش که مردم، نیازمند امامی هستند که از وی پیروی کنند و به نور دانش او
روشنی جویند. حال امام شما از دنیای خود به دو لباس کهنه و برای خوراکش به دو
قرص نان اکتفا کرده. البته شما قادر به چنین زندگی سختی نیستید. ولی از شما
می‌خواهم که با پرهیزگاری و کوشش و پاکدامنی و درستکاری مرا یاری کنید.»^۱

پیام آیات (۳)



با تدبّر در آیات ۱۴ سوره‌ی نحل، ۲۳ سوره‌ی اسراء و آیات ۱۷ تا ۱۹ سوره‌ی لقمان و کنار هم قرار دادن آن‌ها درمی‌یابیم که:

- ۱- بخشی از برنامه‌های زندگی مادر ارتباط با است، مانند
- ۲- بخشی از برنامه‌های زندگی مادر ارتباط با است، مانند
- ۳- بخشی از برنامه‌های زندگی مادر ارتباط با خانواده است، مانند
- ۴- بخشی از برنامه‌های زندگی مادر ارتباط با است، مانند
- ۵- بخشی از برنامه‌های زندگی مادر ارتباط با خلقت است، مانند

می‌دانیم که تمام این پنج دسته اعمال و وظایف، وقتی ارزشمند هستند که به قصد رضایت دوست حقیقی و رسیدن به رستگاری انجام شوند، یعنی برای تقرب به خداوند باشند. برخی از برنامه‌ها، ممکن است فقط در ارتباط با یکی از موارد بالا باشد و برخی در ارتباط با بیش از آن، مثلاً نماز، وقتی که به صورت فردائی انجام گیرد، فقط در ارتباط با خداست. زیرا فقط با او راز و نیاز می‌کنیم. اما اگر همین نماز به جماعت برگزار شود، علاوه بر راز و نیاز با خدا، سبب اخوت و همبستگی میان مردم هم می‌گردد و بنابراین در ارتباط با جامعه نیز می‌باشد. قرائت و تدبّر در قرآن، از آن جهت که قرآن کلام خداست، برنامه‌ای در ارتباط با خدا محسوب می‌شود و از آن جهت که به رشد تفکر و به دست آوردن اعتقادات صحیح انسان می‌انجامد، برنامه‌ای در ارتباط با خود نیز می‌باشد.

۱- نهج البلاغه، نامه‌ی ۴۵



درباره‌ی نمونه‌های زیر بیندیشید و ببینید که هر یک از این‌ها با کدام بخش از برنامه‌های زندگی ارتباط دارد.

برنامه‌ها	ارتباط با خدا	ارتباط با خود	ارتباط با خانواده	ارتباط با جامعه	ارتباط با خلقت
قناعت در استفاده از منابع					
درختکاری					
پرداخت خمس					
بیداری و احیاء در شب قدر					
کار پدر برای کسب درآمد					
ورزش					
تلاش برای پیشرفت علمی کشور					
دعوت مردم به نیکی‌ها					
کرامت نفس					
شرکت در انتخابات					
دوستی با همسالان					
دستگیری از مستمندان					
حج					
مطالعه‌ی کتاب					

نمونه‌هایی از تدبّر که در این درس تمرین شد

- ۱- ارتباط میان شرط و مشروط : مانند آن‌چه از آیه‌ی ۹۷ سوره‌ی نحل به دست آمد.
- ۲- استفاده از حدیث در تبیین آیات : مانند تبیین مفهوم «عمل صالح» با احادیث.
- ۳- ارتباط برقرار کردن میان چند آیه : مانند کنار هم قرار دادن آیات ۱۴ سوره‌ی نحل، ۲۳ سوره‌ی اسراء و ۱۷ تا ۱۹ سوره‌ی لقمان برای رسیدن به تقسیم‌بندی برنامه‌ها.

بنابرآنچه ذکر شد، تمام دستورات الهی در یکی از این بخش‌های پنج‌گانه قرار می‌گیرد و هر برنامه‌ای که ما خواهیم براساس این دستورات تنظیم کنیم، و هر عهده‌ی که با خدا می‌بندیم مربوط به یکی از این بخش‌هاست. در درس‌های آینده و در سال‌های بعد، برخی از دستورات الهی بیان می‌گردد. از خدا می‌خواهیم به ما کمک کند مجموعه‌ی دستورهای او را در برنامه‌ی زندگی خود قرار دهیم، برسر آن‌ها با خدای خود پیمان ببندیم، به آن‌ها عمل کنیم و در مسیر رستگاری با همت بلند و عزم و اراده‌ای استوار قدم برداریم.



دفتر برنامه ریزی

یک دفتر شخصی تهیه کنید و برنامه‌های زندگی خود را به‌طور منظم در آن یادداشت نمایید. این دفتر می‌تواند شامل دو قسمت باشد :

۱- عهدهای کلی و اساسی که برای تمام زندگی بسته می‌شود.

۲- برنامه‌ها و عهدهای روزانه یا هفتگی.

بهبتر است هر یک از این دو قسمت دارای بخش‌های معین باشد که بتوانید به راحتی آن‌ها را پی‌گیری کنید و اصلاحات لازم را به عمل آورید. به‌طور مثال برای برنامه‌های روزانه یا هفتگی می‌توانید مانند جدول زیر عمل کنید.

مورد عهد:		تاریخ:		
مراقبت: نکاتی که در طول عمل به این عهد باید رعایت کنم :				
۱-				
۲-				
محاسبه ^۱ :				
زمان	میزان موفقیت	عوامل موفقیت	عوامل شکست	راه‌های کسب موفقیت بیشتر

۱- محاسبه به‌طور متناوب، در زمان‌های معین انجام می‌شود.

گام ششم

.....

اکنون که به نگاه تازه‌ای
در زندگی رسیده‌ام و مقصد و راه رسیدن به آن
را شناخته‌ام، می‌کوشم با تنظیم برنامه‌ای روشن، مسیر رفتن و
رسیدن به مقصد را با راهنمایی قرآن کریم و معصومین علیهم‌السلام،
هموار سازم. برنامه‌ای که همه‌ی ابعاد زندگی و تمام مراحل
عمر را دربرگیرد.

خدایا!
در همه‌ی کارها تو یار و یاورم باش!



- ۱- چرا در میان موجودات، فقط انسان ممکن است زمان هرز رفته و تلف شده داشته باشد؟
- ۲- مقصود از این که رسول خدا ﷺ برای مسلمانان اسوه است، چیست؟
- ۳- داشتن برنامه و نقشه برای زندگی چه فوایدی دارد؟



- ۱- به نهج البلاغه، بخش کلمات قصار مراجعه کنید و ببینید که حضرت علی علیه السلام در کلمه‌ی ۳۸۲ که با «للمؤمن...» شروع می‌شود، اوقات شبانه‌روز را برای چه کارهایی تنظیم فرموده است. (توجه شود که شماره‌ی کلمات قصار مربوط به نهج البلاغه ترجمه‌ی فیض الاسلام است)
- ۲- با تحقیق در کتاب‌های درسی، مانند زیست‌شناسی، شواهدی از برنامه‌ریزی و هدف‌دار بودن در زندگی موجودات را بررسی کنید. بهتر است گزارش خود را با تصویر و عکس همراه نمایید.
- ۳- با توجه به آرزوها و شرایط خاص خودتان، اگر بخواهید برای زندگی روزانه‌ی خود برنامه‌ریزی کنید، ویژگی‌های کلی این برنامه چیست؟ باید دارای چه مشخصاتی باشد؟

در حضور دوست

خدای متعال خالق ما و دیگر مخلوقات جهان است، مالک وجود ما و محبوب و مقصود ما نیز هست. خدایی که تدبیر امور به دست قدرت اوست. اقتدارش جهان را فرا گرفته و رحمتش در آسمان‌ها و زمین گسترده است. سرچشمه‌ی زیبایی‌ها و مبدأ خوبی‌هاست. هر خیر و خوبی از اوست و هر نعمتی عطای اوست. از هر بدی و نقصی مبرا و از هر عیبی منزّه است. الطاف بیکران‌ش وجود ما را دربر گرفته و مهر و عطوفتش بر سر ما سایه افکننده است.

هر انسانی به‌طور طبیعی چنین خدایی را ستایش می‌کند (حمد) و از بدی‌ها منزّه می‌دارد (تسبیح) این همان نکته‌ای بود که در درس پنجم آموختیم. در این درس می‌خواهیم بدانیم:

۱- جلوه‌های دیگر یاد خدا کدامند؟

۲- کدام عبادت است که بیش از هر برنامه‌ای تحقق بخش

یاد خدا در زندگی ماست؟



آیات زیر را به دقت و زیبا قرائت کنید.



أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

.....

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا

.....

اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا

و او را تسبیح گوید

بامدادان و شامگاهان.

وَسَبِّحُوهُ

بُكْرَةً وَأَصِيلاً

احزاب، ۴۱ و ۴۲

و هر کس از یاد خدای رحمان روی برتابد

شیطانی را برای او می‌گماریم

که همنشین او باشد.

وَمَنْ يَعْشُ عَنْ ذِكْرِ الرَّحْمَنِ

نُقِضَ لَهُ شَيْطَانًا

فَهُوَ لَهُ قَرِينٌ

زُخْرُف ۳۶

.....

إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا

.....

فَاعْبُدْنِي

.....

وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي

طه ۱۴

وَأَنَّ مِنْ شَيْءٍ

و هیچ موجودی نیست

إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ

مگر این که با حمد خود او را تسبیح می کند.

وَلَكِنَّ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ

.....

إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا

.....

اسراء ۴۴

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي

.....

لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ

.....

وَلَهُ الْحَمْدُ فِي الْآخِرَةِ

.....

وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ

.....

سبأ ۱

أَدْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً

.....

إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ

.....

اعراف ۵۵

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا

.....

كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ

.....

مَا رَزَقْنَاكُمْ

.....

وَأَشْكُرُوا لِلَّهِ

.....

إِنْ كُنْتُمْ ءِيَاهُ تَعْبُدُونَ

اگر تنها او را می پرستید.

بقره، ۱۷۲

ترجمه

به کمک عبارات زیر ترجمه‌ی آیات را تکمیل کنید.

أَعْبُدْ: عبادت کن حَلِيمٌ: بردبار لَا تَفْقَهُونَ: نمی‌فهمید أَدْعُوا: بخوانید
تَضَرُّعًا: به زاری خُفْيَةَ: نهانی مُعْتَدِينَ: تجاوزگران

پیام آیات

الف - با تدبیر در آیات ۴۱ سوره‌ی احزاب، ۳۶ سوره‌ی زخرف و ۱۴ سوره‌ی طه گزاره‌های زیر را تکمیل کنید.

- ۱- سزاوار است که ما
- ۲- هرکس از خدا
- ۳- نماز

با ذکر نمونه‌هایی از عبارت‌های نماز توضیح دهید که چرا نماز بهترین مصداق یاد خداست؟

- ۱-
- ۲-
- ۳-

ب - با تدبیر در آیات ۴۴ سوره‌ی اسراء، ۴۲ سوره‌ی احزاب و یک سوره‌ی سبأ گزاره‌های زیر را تکمیل کنید.

- ۱- همه‌ی موجودات، خدا را و
- ۲- شایسته است که ما نیز و
- ۳- و نمونه‌هایی از یاد و ذکر خداوند است.

عبارت‌هایی از نماز را که درباره‌ی حمد و تسبیح خداوند است، بنویسید.

۱- _____

۲- _____

۳- _____

ج- با تدبیر در آیه‌ی ۵۵ سوره‌ی اعراف گزاره‌های زیر را تکمیل کنید.

۱- در هنگام نیاز همواره ... را می‌خوانیم، زیرا

۲- درخواست‌های خود را با و با او در میان می‌گذاریم.

عبارت‌هایی از نماز را که بیانگر دعا و درخواست از خداست، بنویسید.

۱- _____

۲- _____

۳- _____

د- با تدبیر در آیه‌ی ۱۷۲ سوره‌ی بقره گزاره‌های زیر را تکمیل کنید.

۱- مؤمنان باید بهره‌مند شوند.

۲- به پاس نعمت‌هایی که داده است باید او باشیم.

۳- سپاسگزاری از یکی از مصداق‌های اوست.

با انجام عبادتی مانند خداوند را به خاطر نعمت‌هایش

یاد محبوب

هریک از ما دوستانی داریم که از نظر شدت دوستی با یکدیگر تفاوت دارند. هر قدر دوستی عمیق تر باشد یاد دوست تداوم بیشتری می یابد و به آن جا می رسد که انسان همواره به یاد دوست است و از او غافل نمی شود. در عین حال، همین تکرار یاد دوست سبب تقویت دوستی و استحکام آن می گردد. نیز این گونه است: یاد خدا هم نشانه‌ی عشق و محبت ما به خدا و هم تقویت کننده‌ی آن است. یاد خدا، همچنین احساس حضور او در زندگی را افزایش می دهد و وقتی که انسان حضور خداوند را در زندگی حس کرد و او را حاضر و ناظر بر خود یافت، می کوشد که در حضور او ادب را رعایت کند و کارهایی را انجام دهد که او می پسندد و از آن چه او را ناخشنود می کند، دوری نماید. نماز، نمونه‌ی کامل چنین امری است. هر یک از ما، حداقل پنج نوبت در شبانه روز به پیشگاه خدا نماز می گزاریم و یاد او را در دل تقویت می کنیم.

در نماز خداوند را «تسبیح» می گوئیم و او را از هر بدی و زشتی منزّه می داریم. در نماز خداوند را «حمد» می کنیم و همه‌ی خوبی ها و زیبایی هایش را می ستائیم. نماز، زیباترین شکل «شکرگزاری» از خداست. تمام نعمت هایی را که در زندگی داریم، او به ما عنایت کرده و ما با انجام نماز شکر آن نعمت ها را به جا می آوریم و او را سپاس می گوئیم. در نماز، به پیشگاه خداوند «دعا» می کنیم و حاجات خود را از او طلب می نماییم.^۱

تکمیل احکام

الف - در سال های قبل آموخته ایم که برای انجام نماز لازم است بدن و لباس ما پاک باشد و در صورتی که به یکی از نجاسات آلوده شده، باید قبل از نماز طاهر گردد. بنابراین لازم است که هر مسلمانی نجاسات را بشناسد و راه پاک کردن اشیای نجس را بداند. توجه کنید که:

همه چیز پاک است، مگر یازده چیز و آن چه بر اثر برخورد با آن ها نجس می شود.

۱- برای کسب اطلاعات بیشتر از حقیقت پرستش و ابعاد آن به جهان بینی توحیدی از استاد شهید مطهری، ج ۲، ص ۸۴ و ۸۵ مراجعه کنید.

برخی از نجاسات عبارت‌اند از :

- ۱- خون انسان و هر حیوانی که خون جهنده دارد.^۱
بنابراین خون گوسفند و مرغ است و خون ماهی است.
- ۲- ادرار و مدفوع انسان و حیوان‌های حرام‌گوشتی که خون جهنده دارند.
پس ادرار و مدفوع گربه و موش است و ادرار و مدفوع مرغ و گوسفند و گنجشک است.
- ۳- مردار انسان و هر حیوانی که خون جهنده دارد.
پس مردار گربه، موش و گوسفند است و مار و ماهی است.
توجه: اجزای بدون روح این حیوان‌ها، یعنی مو و پشم و شاخ آن‌ها، بعد از مردار شدن پاک است.
- ۴ و ۵- سگ و خوک، زنده و مرده‌ی آن‌ها نجس است.
پس اگر کسی دست خیس به بدن سگ بزند یا بدن خیس سگ را لمس کند یا سگ دست و لباس او را لبس بزند، باید برای نماز، آن‌ها را تطهیر کند.

برای دانستن چگونگی تطهیر چیزهای نجس به رساله‌ی توضیح‌المسائل مرجع تقلید خود مراجعه کنید.

ب - علاوه بر پاک بودن بدن و لباس، باید برای انجام نماز وضو بگیریم و در برخی موارد هم باید غسل کنیم.

کارهای وضو، به ترتیب عبارت‌اند از :

- ۱- نیت : نیت می‌کنیم که وضو را به قصد قربت می‌گیریم.
- ۲- شستن صورت : از جایی که موی سر روییده تا آخر چانه به اندازه‌ی فاصله‌ی بین انگشت شست و انگشت میانه، از بالا به پایین.
- ۳-
- ۴-
- ۵-

۱- حیوانی که اگر رگ آن را ببرند، خون آن جستن کند، خون جهنده دارد.

.....۶-

.....۷-

غسل به دو گونه است :

الف - غسل ارتماسی: در غسل ارتماسی کارهای زیر را انجام می‌دهیم :

۱- نیت

.....۲-

ب - غسل ترتیبی: غسل ترتیبی را به صورت زیر انجام می‌دهیم :

۱- نیت

.....۲-

.....۳-

.....۴-

توجه: برای دست زدن یا گذاردن صورت به خط قرآن کریم و اسم خداوند و نیز

نام پیامبر اکرم و معصومین بزرگوار (صلوات‌الله علیهم) باید با وضو بود.

نمونه‌هایی از تدبیر که در این درس تمرین شد

۱- ارتباط برقرار کردن میان چند آیه: به طور مثال، با ایجاد ارتباط میان آیه‌ی

.....۴۱ و ۴۲ سوره‌ی احزاب و ۳۶ سوره‌ی زخرف دریافتیم که

۲- یافتن مصداق‌ها و نمونه‌ها: به طور مثال عبارت‌های نماز مصداقی از مفهوم

یاد خداست که در آیه‌ی ۴۱ سوره‌ی احزاب آمده است.

۳- استخراج پیام: با تفکر در آیات ۴۴ سوره‌ی اسراء، ۴۲ سوره‌ی احزاب و

یک سوره‌ی سبأ پیام‌هایی درباره‌ی یاد خدا و حمد و تسبیح او به دست آوردیم.

دوش مرغی به صبح می نالید
عقل و صبرم برد و طاقت و بهوش
یکی از دوستان مخلص را
مگر آواز من رسید به کوش
گفت باور نداشتم که تو را
بانگ مرغی چنین کند بهوش
گفتم این شرط آدمیت نیست
مرغ استیج گوی و من خاموش

سعدی

درست است که نماز زیباترین و کامل‌ترین شکل یاد خداوند و پرستش محبوب و راز و نیاز با اوست که اگر با معرفت و توجه برگزار شود، اشتیاق به او را در وجود ما شعله‌ور می‌کند، اما پیشوایان ما که اسوه‌های بندگی و پرستش‌اند، برنامه‌های تکمیلی دیگری را توصیه کرده‌اند که هر یک از ما می‌توانیم مناسب شرایط خود، برای آن‌ها برنامه‌ریزی کنیم. برای بهره‌مندی بیش‌تر از این برنامه‌ها شایسته است به نکات زیر توجه نماییم:

۱- کتاب صحیفه‌ی سجّادیه، مجموعه‌ی دعا‌های امام سجّاد(ع) است. این کتاب که به «زبور آل محمد(ص)» مشهور است، در عین حال که یک کتاب دعاست، در بردارنده‌ی معارف اعتقادی، اخلاقی و اجتماعی اسلام است و می‌تواند راهنمای ما در زندگی باشد.

۲- کتاب مفاتیح‌الجنان، توسط مرحوم حاج شیخ‌عباس قمی گردآوری شده است. این کتاب با یک دسته‌بندی خاص، اعمال عبادی، دعاها و زیارت‌نامه‌ها را متناسب با زمان‌های هر یک آورده است. ما می‌توانیم برخی از دعا‌های آن را مشخص کنیم و در زمان‌های مناسب بخوانیم و زمزمه کنیم؛ مانند دعا‌های بعد از نمازهای روزانه، دعای کمیل، دعای ندبه، دعای عهد، دعای سلامتی امام عصر(ع) و دعا‌های ماه رمضان.

۳- شاعران بزرگ ما اشعاری در راز و نیاز با خداوند سروده‌اند که عشق به خداوند را در ما تقویت می‌کند. نمونه‌هایی از این اشعار در کتاب‌های درسی شما آمده است. خوب است برخی از این اشعار را در دفتری جمع‌آوری کنیم و به حفظ کردن آن‌ها بپردازیم.

۴- خوب است برنامه‌ای تنظیم کنیم که برخی از دعاها را به همراه اعضای خانواده به صورت دسته‌جمعی بخوانیم. مثلاً در شب‌های جمعه دور هم جمع شویم و دعای کمیل را زمزمه کنیم. این کار تأثیر دعا را بیش‌تر می‌کند و فضای خانواده را معنوی‌تر می‌نماید.

۵- از هم‌اکنون برنامه‌ریزی کنیم که به تدریج با معنای برخی دعا‌های مشهور آشنا شویم. برای این کار، بهتر است از دعایی که بیشتر می‌خوانیم شروع کنیم و معنای قسمتی از آن را فراگیریم و مرحله به مرحله پیش‌رویم تا به آخر دعا برسیم. با این روش، بتدریج معنای دعا در ذهن ما می‌ماند و لذت بیش‌تری از دعا می‌بریم.

گام هفتم

.....

ای محبوب و معبود من!

سال‌هاست که در نماز با تو سخن می‌گویم
و روی نیایش به سوی تو می‌آورم. دفتر خاطرم
یاد شیرین نجوای با تو را ثبت کرده است، آن رازهای سر به مُهر
که تو می‌دانی و من، آن حرف‌هایی که تو شنیدی و من، آن
اشک‌هایی که تو دیدی و من، همه باقی است.
اما امروز آگاهانه‌تر از پیش با تو تجدید عهد می‌کنم آن درِ
دوستی را که تو به رویم گشودی هرگز نبندم.

خدایا!

می‌کوشم که نماز را «صحیح»، «به‌موقع»
و با «حضور قلب» اقامه کنم.



- ۱- «توضیح المسائل» یا «رساله‌ی عملیه» چیست؟ و ما چه نیازی به آن داریم؟
- ۲- وضوی جبیره در چه مواردی و چگونه انجام می‌گیرد؟
- ۳- عوامل مختلفی در علاقه‌ی ما به نماز و نیایش در مقابل پروردگار دخالت دارند، آن عوامل را مشخص کنید و درباره‌ی هر یک توضیح دهید.



- الف- آیه‌ی ۴۵ سوره‌ی عنکبوت، ۱۴ سوره‌ی طه و ۲۸ سوره‌ی رعد را تلاوت کنید و با تدبّر در آن‌ها نقش نماز در زندگی انسان را توضیح دهید.
- ب- احساس خود را درباره‌ی نماز و تأثیرات آن در زندگی خودتان، در قالب مقاله‌ای ادبی، شعر، طرح و نقاشی ابراز کنید.
- ج- پیرامون سؤال‌های زیر تحقیق کنید.
- چه نمازی مورد قبول خداوند قرار می‌گیرد؟
- ترک نماز چه آثار و نتایجی برای ما دارد؟
- د- در هنگام خواندن نماز، برخی از اوقات تعداد رکعت‌های نماز را فراموش می‌کنیم و نمی‌دانیم که چند رکعت نماز خوانده‌ایم. آیا می‌دانید در این موقع چه باید بکنیم؟ در این مورد تحقیق کرده و نتیجه را در جدولی تنظیم کنید و در دفتر خود یادداشت نمایید.



دعای وضو

استاد شهید مرتضی مطهری در کتاب «آزادی معنوی» از قول یکی از یاران امیرمؤمنان علی علیه السلام که شاهد وضوی ایشان بوده است، می نویسد :
وقتی آن حضرت خواست دست‌ها را بشوید، خطاب به خداوند عرض کرد :

بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ
اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنَ التَّوَّابِينَ
وَ اجْعَلْنِي مِنَ الْمُتَطَهِّرِينَ

به نام خدا و با یاری خدا
خدایا! مرا از توبه‌کنندگان
و پاکان قرار ده.



چون خواست صورت را بشوید، عرض کرد :

اللَّهُمَّ بَيِّضْ وَجْهِي
يَوْمَ تَسْوَدُّ فِيهِ الْوُجُوهُ
وَ لَا تُسْوِدْ وَجْهِي
يَوْمَ تَبْيِضُّ فِيهِ الْوُجُوهُ

خدایا! مرا روسفید گردان
در آن روزی که چهره‌ها سیاه می‌شوند،
و مرا رو سیاه مگردان،
در آن روز که انسان‌هایی روسفید می‌گردند.

وقتی خواست دست راست را بشوید، عرض کرد :

اللَّهُمَّ أَعْطِنِي كِتَابِي بِيَمِينِي
وَ الْخُلْدَ فِي الْجَنَّةِ بِيسَارِي
وَ حَاسِبْنِي حِسَابًا يسِيرًا

خدایا! کتاب اعمالم را به دست راستم بده
و جاودانگی در بهشت را به دست چپ
و در حساب‌رسی بر من آسان بگیر.



آن گاه که دست چپ را می شست، گفت :

<p>خدایا! کتاب اعمالم را به دست چپ و از پشت سرم به من مده و دست هایم را با زنجیر به گردنم مبنده و از پاره های آتش عذاب به تو پناه می برم.</p>	<p>اللَّهُمَّ لَا تُعْطِنِي كِتَابِي بِشِمَالِي وَلَا مِنْ وَرَاءِ ظَهْرِي وَلَا تَجْعَلْهَا مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِي وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ مَقْطَعَاتِ النَّيِّرَانِ</p>
---	---

هنگام مسح سر عرض کرد :

<p>خدایا! مرا در پوشش رحمت و برکت ها و گذشت خویش قرار ده.</p>	<p>اللَّهُمَّ غَشِّنِي بِرَحْمَتِكَ وَبَرَكَاتِكَ وَعَفْوِكَ</p>
---	--

هنگام مسح پاها عرض کرد :

<p>خدایا! گام هایم بر صراط را ثابت و استوار بدار در آن روز که قدم ها بر صراط می لرزد و تلاش مرا در راه رضای خودت قرار ده. ای صاحب عظمت و بزرگی!</p>	<p>اللَّهُمَّ ثَبِّتْ قَدَمَيَّ عَلَى الصِّرَاطِ يَوْمَ تَزُلُّ فِيهِ الْأَقْدَامُ وَاجْعَلْ سَعْيِي فِيمَا يُرْضِيكَ عَنِّي يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ</p>
---	--

چه زیباست که این دعا را حفظ کنیم و در هنگام وضو بخوانیم
تا اقتدایی باشد به پیشوای بزرگمان حضرت علی علیه السلام.

دعای بعد از نماز

إِلَهِي هَذِهِ صَلَاتِي صَلَّىٰ عَلَيْهَا
لَا لِحَاجَةٍ مِنْكَ إِلَيْهَا
وَلَا رَغْبَةٍ مِنْكَ فِيهَا
إِلَّا تَعْظِيمًا وَطَاعَةً
وَإِجَابَةً لَكَ
إِلَىٰ مَا أَمَرْتَنِي بِهِ
إِلَهِي إِنْ كَانَ فِيهَا
خَلَلٌ أَوْ نَقْصٌ
مِنْ رُكُوعِهَا
أَوْ سُجُودِهَا
فَلَا تُؤَاخِذْنِي
وَتَفَضَّلْ عَلَيَّ
بِالْقَبُولِ وَالْعُفْرَانِ*

خداوندا! این نمازی بود که به درگاه تو گزاردم
نه به خاطر آن که تو نیازمند آن هستی
و یا رغبت و تمایلی بدان داری
بلکه برای بزرگداشت و طاعت تو
و پذیرش
آن چیزی که مرا بدان فرمان دادی
خداوندا اگر در نماز من
کژی و کاستی دیدی،
چه در رکوع آن
و چه در سجود آن،
مرا مؤاخذه نکن
و مرا مشمول فضل خود قرار ده.
با پذیرفتن نماز من و مغفرت خویش

* مفاتیح الجنان، تعقیبات مشترکه نماز

همدلی و همراهی*

کوه‌نوردی، برای فتح قله‌های رفیع، تمثیل مناسبی برای زندگی است. حرکت از دشت‌ها، گذشتن از تپه‌ها، عبور از درّه‌ها، و راه‌سپردن در گردنه‌های پریبچ و خم، برخورد با خطرات، درگیر شدن با حوادث و رسیدن به بلندترین قله، هنر کوه‌نوردان مصمم و با پشتکاری است که دست به دست هم داده، با اعتماد به خدا راه می‌پیمایند. راه کمال نیز راه عبور از پیچ و خم‌های زندگی و صعود به قله‌ی خوشبختی است و روشن است که این راه را با رفیقان و همراهان هم‌عهد بسیار آسان‌تر و شیرین‌تر می‌توان پیمود. پویندگان راه سعادت، با یاری یکدیگر ناهمواری‌های زندگی را هموار می‌کنند، شور و شوق رسیدن به مقصد را زنده نگه می‌دارند و دستان خود را وسیله‌ی نجات همراهان از سقوط قرار می‌دهند تا امیدوار و مطمئن به اهداف خود برسند.

راستی، چرا ما به دوست نیازمندیم؟

به کدام دوست می‌توان اعتماد کرد؟

* این درس با الهام و استفاده از کتاب «از همراهی تا همدلی، ج ۱» تألیف آقای جواد محدثی تدوین شده است.



آیات زیر را به دقت و زیبا قرائت کنید.

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ

.....

بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ

دوستان و یاوران یکدیگرند

يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ

.....

وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ

.....

توبه، ۷۱

إِلَّا خِلَاءَ يَوْمَئِذٍ

دوستان، در آن روز (قیامت)

بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ

.....

إِلَّا الْمُتَّقِينَ

.....

زخرف، ۶۷

وَيَوْمَ يَعَضُّ الظَّالِمُ

و روزی که ظالم به دندان می‌گزد

عَلَىٰ يَدَيْهِ

دو دست خویش را

يَقُولُ يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ

می‌گویند ای کاش با پیامبر

مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا

همراه می‌شدم

فرقان، ۲۷

يَا وَيْلَتَى لَيْتَنِي

لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا

وای بر من، کاش

.....

فرقان، ۲۸

لَقَدْ أَضَلَّنِي عَنِ الذِّكْرِ

بَعْدَ إِذْ جَاءَنِي

وَكَانَ الشَّيْطَانُ

لِلْإِنْسَانِ حَذُولًا

او مرا از یاد و پند [قرآن] گمراه کرد

بعد از آن که آن [قرآن] به من رسید

و شیطان، همواره

خوارکننده‌ی انسان است.

فرقان، ۲۹

ترجمه

با استفاده از عبارتهای زیر، ترجمه‌ی آیات را تکمیل کنید.

يَنْهَوْنَ: نهی می‌کنند لَمْ أَتَّخِذْ: نمی‌گرفتم

پیام آیات

- ۱- بنابر آیه‌ی سوره‌ی مردان و زنان مؤمن در صورتی در مسیر زندگی یکدیگر را یاری و پشتیبانی خواهند کرد که همدیگر باشند.
- ۲- بنابر آیه‌ی ۷۱ سوره‌ی توبه مردان و زنان مؤمن خیرخواه واقعی یکدیگر هستند و همواره دوستان خود را به و سفارش می‌کنند.

۳- با برقراری رابطه میان آیه‌ی ۷۱ سوره‌ی توبه و ۶۷ سوره‌ی زخرف در می‌یابیم که این دوستان مؤمن از یک صفت نیکو به نام برخوردار هستند. دوستانی که چنین صفتی را ندارند و در نتیجه یکدیگر نیستند و فقط به راضی کردن ظاهری دوست خود می‌اندیشند، اینان در واقع در دوستی فقط نفع دنیایی خود را می‌طلبند، در حقیقت باهم دشمنی می‌کنند. به همین جهت در روز قیامت خود را دیگری می‌یابند.

۴- از آیات ۲۷ تا ۲۹ سوره‌ی فرقان در می‌یابیم که علت حسرت و افسوس انسان ستمکار و بدبختی او و علت پیروی نکردن او از رسولان الهی دوستانی بوده‌اند که از برخوردار نبودند و برایش خیر خواهی نمی‌کردند و چون دشمن واقعی او بوده‌اند، او را به سوی سوق می‌دادند.



اکنون که با پیام‌های قرآن کریم درباره‌ی دوستی آشنا شدیم، یادداشت یک دانش‌آموز موفق در دوستی را می‌خوانیم و پیرامون آن گفت‌وگو می‌کنیم.

نیاز به دوست

هنوز نمی‌دانم از شروع دوستی با او چقدر از راه را پیموده‌ام و تا چه میزان در مسیر سعادت و کمال پیش‌رفته‌ام. همین قدر می‌دانم که دشت‌ها و کوه‌هایی را در نور دیده و از آن جا که بودم بسیار فاصله گرفته‌ام.

پیش از این نمی‌توانستم حدس بزنم که این دوستی این همه خیر و برکت داشته باشد. با او خود را شناختم و با یاری او در اصلاح خود کوشیدم، بر پاهای خود ایستادم، گام برداشتم، پیش‌رفتم و اینک نهال حیات و امید در وجودم جوانه زده و شکوفا شده است.

با یاد آیام تنهایی، معنای تهیدستی و فقر را بهتر فهمیدم و دریافتم که آدم بی دوست، فقیرترین آدم هاست. عاجزترین مردم کسی است که نتواند با دیگران دوست شود و بنابر سخن امام علی علیه السلام ناتوان تر و عاجز تر از او کسی است که دوستانی را هم که دارد از دست بدهد.^۱

خیلی ها میان مردمند، ولی تنهائید، در جمع اند، اما احساس غریبی می کنند. نه خود دستی برای دوستی پیش می آورند، نه به گونه ای هستند که دیگران دست دوستی به سوی آن ها دراز نمایند. اشکال کار در کجاست؟ نکنند این تنهایی ریشه در خودخواهی یا خودکم بینی داشته باشد؟

قطره دریاست اگر با دریاست و ر نه آن قطره و دریا دریاست^۲

یادآوری تجربه ها (۱)

* چه عواملی سبب می شوند که برخی افراد نتوانند با دیگران دوست شوند و یا در حفظ دوستی موفق باشند؟

ویژگی های دوست

راستی، چرا کسی یا چیزی را دوست می داریم؟ روزی این سؤال را از او پرسیدم. او در پاسخ گفت:

ما زیبایی ها و خوبی ها را دوست داریم و وقتی در کسی یا چیزی زیبایی و خوبی می یابیم، بدان علاقه مند می شویم. گل زیبا، نقاشی زیبا، یکرنگی و صداقت، شجاعت و دلاوری، جوانمردی و پهلوانی، همه دوست داشتنی اند و همین ها سبب می شوند که صاحب این زیبایی ها را هم دوست بداریم.

۱- نهج البلاغه، حکمت ۱۲

۲- اقبال لاهوری

اکنون می بینم که او صاحب بسیاری از خوبی ها و زیبایی هاست. او آمد و در آینه‌ی با صفا و شفاف گفتار و رفتارش، واقعیت خود را دیدم و به حقیقت خود پی بردم. شناخت ضعف‌های خود، ناشی از عیب‌گرفتن‌های او نبود، بلکه رفتار صمیمانه و مخلصانه‌ی او به من نشان می‌داد که نقص کارم در کجاست.

اگر لباس خاکی شده باشد یا بر صورتم سیاهی نشسته باشد، سپاس‌گزار آینه خواهم بود که زشتی‌هایم را به من نشان دهد و اگر دوستی هم مرا متوجه بی‌سروسامانی احوالم کند، با او دشمنی نخواهم کرد و سپاس‌گزار او خواهم بود.

آینه چون عیب تو بنمود راست خودشکن، آینه شکستن خطاست^۱

این نشانه‌ی رشد فکری است که یادآوری عیبم را به‌عنوان «هدیه» از دوست بپذیرم و ممنون او باشم.

امام صادق علیه السلام فرموده‌اند :

أَحَبُّ إِخْوَانِي إِلَيَّ مَنْ أَهْدَى إِلَيَّ غُيُوبِي

«محبوب‌ترین برادران نزد من کسی است که عیب‌های مرا به من هدیه دهد.»^۲

هیچ‌گاه بی‌جهت از من تعریف و تمجید نمی‌کند و اگرچه از تذکر نقص‌ها دریغ ندارد، اما هرگز با ایرادهای بی‌مورد به تحقیر من نمی‌پردازد. هدف او در دوستی منافع شخصی و سوء استفاده از روابط دوستی نیست. او نه اهل تملق است و نه به دیگران زور می‌گوید، او برتر از آن است که دیگری را برای رسیدن به خواسته‌هایش به بازی گیرد و نردبان ترقی قرار دهد.

وقتی به قرآن کریم می‌اندیشم و در کلمات پیشوایان دین نظر می‌کنم، می‌بینم که با حکیمانه‌ترین عبارات و ویژگی‌های دوست را بیان کرده‌اند. لذا با تأمل در کلمات این راهنمایان بود که دانستم : دوست واقعی آن کسی است که :

یاد خدا را در دل زنده کند و ما را به سوی آرزوهای کوچک نکشاند،^۳

۱- مخزن الاسرار نظامی

۲- اصول کافی، ج ۲، ص ۶۳۹

۳- نجم ۲۹

به زیبایی خرد آراسته و اهل فکر و اندیشه باشد،^۱
 به خاطر زشتی‌هایش مورد خشم خدا قرار نگرفته باشد،^۲
 دشمنی با خدا و مردم را در دل نداشته باشد،^۳
 خیانت نورزد، سخن چینی نکند و ستم روا ندارد،^۴
 در دوستی خود ثابت قدم و پایدار باشد،^۵
 و بالاخره دوستی و محبت خداوند زینت بخش قلب او باشد.

به دوستی اعتماد می‌کنم که :

نه تنها خود اهل گناه نیست بلکه از گناه دیگران نیز ناراحت می‌شود،^۶
 اهل شرارت و بی باکی نیست و با کارهای خود دوستان را به هلاکت نمی‌اندازد،^۷
 اهل دروغ نیست و با صداقت سخن می‌گوید.^۸
 آنان که به این ویژگی‌ها توجه نکردند و با هر کسی که سر راهشان قرار گرفت، دوست شدند، سرنوشت خوبی پیدا نکردند. اگر به زندان‌ها برویم و از مجرمانی که جرم‌های بزرگ مرتکب شده‌اند، علت انحرافشان را پرسیم، اکثر آنان می‌گویند دوستان بد ما را به اینجا کشاند. در قیامت، گفت‌وگویی میان برخی گناهکاران صورت می‌گیرد. بعضی به بعضی دیگر می‌گویند اگر شما نبودید، ما ایمان داشتیم. دوستان بد جواب می‌دهند هرگز، بلکه در خودتان انحراف بود.

و من به خود می‌بالم که دوستم انسانی بزرگوار و با کرامت است. نمی‌خواهم بگویم او بی‌عیب و نقص است. واقع بینی اجازه‌ی چنین کاری نمی‌دهد. خود او نیز می‌گوید «هیچ‌گاه دوستان خود را بی‌عیب ندان، ما همه عیب و نقص‌هایی داریم. تنها دوستان و محبوبان تام و تمام ما رسول خدا و اهل بیت پاک ایشان صلوات‌الله‌علیهم هستند. سایر آدم‌ها به میزان نزدیکی و عشق به آن‌ها قدر و منزلت می‌یابند و شایسته دوستی می‌گردند.»
 اما می‌توانم بگویم او یک دوست واقعی است.

-
- | | |
|---|--|
| ۱- اعراف ۱۹۹ و امام علی (ع) اصول کافی ج ۴، ص ۸۵ | ۵- رسول خدا (ص)، میزان الحکمه، ج ۲، ۱۵۹۱ |
| ۲- ممتحنه ۱۳ | ۶- امام علی، میزان الحکمه ج ۲، ص ۱۵۸۴ |
| ۳- ممتحنه ۱ | ۷- امام علی (ع)، میزان الحکمه، ج ۲، ۱۵۸۴ |
| ۴- امام صادق (ع)، میزان الحکمه، ج ۲، ص ۱۵۸۲ | ۸- امام علی (ع)، اصول کافی، ج ۴، ص ۸۵ |

عرضه بر آیات



ویژگی‌هایی را که این دانش‌آموز برای دوست خود بیان کرده بر پیام‌هایی که از آیات قرآن کریم به دست آورده‌ایم، عرضه کنید و ببینید که چقدر با آن پیام‌ها هماهنگی دارد.

یادآوری تجربه‌ها (۲)



* آیا تاکنون توجه کرده‌اید که چه ویژگی‌هایی در دوستانتان بوده که سبب نزدیکی و دوستی شما با آن‌ها شده است؟ آیا می‌توانید خوبی‌های آن‌ها را بشمارید؟ احتمالاً دوستان شما عیب‌ها و نقص‌هایی هم دارند. آیا تلاش کرده‌اید که در رفع آن عیب‌ها به آن‌ها کمک کنید؟

تأثیر دوستی

در تجربه‌ی دوستی با او به تأثیر عمیق دوست بر انسان پی بردم. دوستی پیوند قلب‌هاست و اگر قلبی مجذوب کلام و نگاه و رفتار کسی شد، می‌کوشد تا صاحب خویش را همانند او سازد. لذا گاه پیوند دوستی تا آنجا پیش می‌رود که شخص می‌کوشد مانند دوست خود قدم بردارد، بیسندد، حرف بزند و زندگی کند.

عمق سخن رسول خدا ﷺ اکنون آشکار می‌شود که فرمود:

آدمی بر آیین دوست و رفیق خود است.^۱

از طرف دیگر، وقتی به میزان تأثیر دوست می‌اندیشم، هراسی وجودم را فرا می‌گیرد. ما نوجوانان و جوانان که دنبال یکرنگی و صداقتیم و دورویی را خصلت آدم‌های فرومایه می‌دانیم، کمتر تصور می‌کنیم که انسان‌هایی با ظاهری دل‌فریب و کلامی شیرین، باطنی نفرت‌انگیز داشته باشند. لذا این

۱- المرء علی دین خلیله و قرینه (وسائل الشیعه، ج ۲ ص ۲۰۷)

هراس همیشه آزارم می‌دهد که دوستان صادق و باصفای من در دام گرگ‌هایی بیفتند که برای فریب دیگران در چهره‌ی یوسفان ظاهر می‌شوند و در کمین‌اند تا جوان یا نوجوانی را به دام اندازند و کاخ تجملات و شادی خود را بر ویرانه‌های زندگی آنان بنا نهند.

دوستان من، دشمنان ما گوهر ناب جوانی طلب می‌کنند، باشد که با هوشیاری و خردمندی، تصمیم بگیریم که این گوهر ناب را جز به بهای بهشت نفروشیم.^۱

آنان در انتظار یک بار خطای ما هستند تا ما را برای همیشه از پاک ماندن ناامید کنند. فریب این نیرنگ را نخوریم. خدا نکند که با یک اشتباه، دل آن‌ها را شاد کنیم؛ اما اگر چنین شد، راه بازگشت بسته نیست. در توطئه‌ی دشمن گرفتار نشویم و فکر نکنیم که دیگر نمی‌توان خوب بود. خدا، خواهان بازگشت ماست. او با اکسیر آمرزش خود، توبه‌کننده را چون کودک از مادر متولد شده، پاک می‌کند.

منشین با بدان که صحبت بد
گرچه پاکی، تو را پلید کند
آفتابی بدین بزرگی را
پاره‌ای ابر ناپدید کند
سنایی

یادآوری تجربه‌ها (۳)

* شاید شما نیز نمونه‌هایی از دوستی‌های زیانبار را در پیرامون زندگی خود دیده باشید. این نمونه‌ها را طرح کنید و علت زیانبار بودن آن‌ها را بیان نمایید.

پیشنهاد

- ۱- اگر در مورد دوستی‌های موفق تجربه‌ای دارید، آن تجربه را در کلاس بیان کنید.
- ۲- آیا نمونه‌ای از دوستی‌های ناموفق را تجربه کرده‌اید؟ این تجربه را، بدون ذکر نام افراد، بیان کنید و علت ناموفق بودن آن را توضیح دهید.

۱- امام علی (ع): إِنَّهُ لَيْسَ لِأَنْفُسِكُمْ تَمَنُّ إِلَّا الْجَنَّةُ فَلَا تَبِعُوهَا إِلَّا بِهَا. بهای وجود شما جز بهشت رضوان نیست، آگاه باشید آن را جز به بهشت نفروشید. (نهج البلاغه، حکمت ۴۴۸)

ادبِ دوستی

در درس قبل با ضرورت انتخاب دوست و ویژگی های دوست خوب و نیز تأثیر اخلاق و رفتار دوستان بر یکدیگر آشنا شدیم. در این درس می خواهیم پیرامون این سؤال بیندیشیم که : با انجام چه وظایف و مسئولیت هایی می توانیم دوستی های خود را تحکیم بخشیم؟



نگهداری برخی چیزها از به دست آوردن آن‌ها مشکل‌تر است. این مشکل بودن دو جهت دارد: یکی از جهت گران‌بها و با ارزش بودن و دیگری از جهت ظرافت و شکنندگی. اگر چیز گران‌بها و با ارزش گم شود یا از دست برود، علاوه بر مشکلات فراوان برای به دست آوردن مجدد آن، ناراحت‌کننده نیز هست. چیز ظریف و شکننده نیز با یک لحظه غفلت می‌شکند و ریز می‌شود.

حفظ دوستی نیز مشکل‌تر از پیدا کردن دوست است. چه بسا که انسان بعد از سال‌ها دوست مناسبی پیدا می‌کند و بعد از مدتی مودت و هم‌نشینی، با یک رفتار نسنجیده او را از دست بدهد. پایداری رابطه‌ی دوستی و رسیدن به ثمرات و نتایج آن بستگی به انجام مسئولیت‌های متقابل دارد. پیشوایان دین که ما را در انتخاب دوست هدایت کرده‌اند، درباره‌ی این مسئولیت‌ها و وظایف نیز سخن گفته‌اند. بار دیگر به پیشگاه آن بزرگواران می‌رویم و از راهنمایی‌هایشان بهره‌مند می‌شویم. آن‌گاه با نظر به رابطه‌ی خود با دوستانمان، بررسی خواهیم کرد که تا چه میزان این وظایف را در دوستی‌های خود مراعات کرده‌ایم.

بنابراین هریک از ما باید بکوشیم تجربه‌های دوستی خود را مرور کنیم؛ همچنین تجربه‌ی سایر هم‌کلاسی‌ها را نیز بشنویم و با به دست آوردن آگاهی‌های جدید، درخت دوستی را پرثمرتر سازیم.

وظایف ما نسبت به دوست

اگر بخواهیم دوستی ما با دیگران دوام داشته باشد و به دوستی‌های عمیق و صمیمی تبدیل شود به طوری که از ثمرات مثبت و سازنده‌ی آن در زندگی بهره ببریم، باید وظایف خود را نسبت به دوست انجام دهیم. برخی از این وظایف عبارتند از:

۱- احترام به دوست: امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «همان‌طور که دوستت به تو احترام می‌گذارد، تو نیز باید او را محترم شماری.»^۱

کوچک شمردن دوست و نام ناپسند بر او نهادن، عزت‌ش را خدشه‌دار می‌کند و این از نمونه‌های بی‌احترامی است. مسخره نکردن وی و پرهیز از غیبت کردن نیز از نمونه‌های احترام گذاشتن به دوست است.

یادآوری تجربه‌ها (۱)



* نمونه‌هایی از احترام گذاشتن به دوست و نیز نمونه‌هایی از بی‌احترامی را که تاکنون مشاهده کرده‌اید، در کلاس بیان کنید و تأثیر سوء آن‌ها را نیز شرح دهید. مصادیق دیگری از احترام گذاشتن را که در درس نیامده است، ذکر کنید.

۲- رعایت حقوق متقابل: امام علی علیه السلام به فرزند گرامی خود امام حسن علیه السلام می‌فرماید: «به اتکای رابطه‌ی صمیمانه و دوستانه، حق برادرت را ضایع مکن. زیرا این عمل رابطه‌ی دوستی را از بین می‌برد و کسی که حقش را ضایع ساخته‌ای دیگر دوست تو نخواهد ماند.»^۱

به زحمت انداختن دوست، ظلم به او، شوخی‌های آزاردهنده با او، استفاده بیش از حد و بدون اجازه از وسایل وی، از مواردی است که حق دوستی را از بین می‌برد و در نتیجه پیوند دوستی را سست می‌کند.

یادآوری تجربه‌ها (۲)



* نمونه‌هایی از رعایت حقوق دوست یا عدم مراعات آن را که مشاهده و تجربه کرده‌اید یادداشت کنید و در کلاس طرح نمایید.

۳- توقع بجا و منصفانه: امام علی علیه السلام می‌فرماید: «کسی که از دوست خود جز فداکاری انتظار ندارد، همواره خشمگین و ناراحت است.»^۲

از این سخن چنین به دست می‌آید که نباید انتظار داشته باشیم دوست ما هرگونه خواسته‌ی ما را برآورده سازد. برخی از افراد توقع ایثار و فداکاری یک طرفه از دوست خود دارند تا جایی که انتظار دارند در هر امر باطل و ناحقی هم از آنان حمایت کند.

۱- نهج البلاغه، نامه ۳۱

۲- غررالحکم و دررالکلم، ج ۵، ص ۴۱۲



* آیا در مورد توقعات بین خود و دوستانتان اندیشیده‌اید؟ کدام بجا بوده و کدام نابجا؟ نمونه‌هایی را در کلاس مطرح نمایید.

۴- **خیرخواهی و نصیحت:** رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «دو دوست خوب مانند دو دست هستند که به هنگام شستن، یکدیگر را تمیز می‌کنند و از آلودگی‌ها پاک می‌سازند.»^۱
دوستان ناصح، خوبی یکدیگر را می‌خواهند، گرچه در این میان ممکن است یکی از آن‌ها متوجه خیرخواهی دوستش نباشد و از اینکه مطابق میل او عمل نمی‌کند ناراحت شود.

۵- **میان‌روی در دوستی:** حضرت علی رضی الله عنه می‌فرماید: «مودت خود را تثار دوست کن، و در عین حال به طور مطلق به او اعتماد و اطمینان مکن. همان‌گونه که می‌خواهی با تو رفتار نماید با او رفتار کن، اما همه‌ی اسرار را با او در میان مگذار.»^۲

بنابراین، حد دوستی را باید رعایت کرد و از اعتدال خارج نشد تا دوستی تداوم یابد. شیفتگی فوق‌العاده به دوست از عوامل اصلی خروج از میان‌روی است. میان‌روی ایجاب می‌کند که در عین اعتماد به دوست، از گفتن همه‌ی اسرار خود به او پرهیز کنیم. زیرا بسیار اتفاق می‌افتد که بعدها این دوست از ما جدا شود و از آن اعتماد مطلق که به او کرده بودیم سوء استفاده نماید و به غیبت و بدگویی ما پردازد.



چند مورد دیگر از وظایف ما نسبت به دوست :

- ۱- در دوستی خود با دوست صادق باشیم، چه در حضور و چه در غیاب او.
- ۲- برای خدا او را دوست داشته باشیم، نه به خاطر منفعت خود.
- ۳- میان دوستان تفاوت و تبعیض نگذاریم که سبب حسادت میان آنها شود.
- ۴- به خاطر خوبی‌ها و امتیازاتی که دارد، به او حسادت نورزیم.
- ۵- به عهد‌ها و پیمان‌های خود با دوست عمل کنیم.
- ۶- همواره یار و کمک کار او باشیم. در درس، کار و مشکلات زندگی به او کمک کنیم.



آیا شناخت خانوادگی دوست تأثیری در انتخاب او دارد؟ چرا؟

پیشنهاد



در تخیل خود درخت دوستی را تصور کنید و آنچه را در خیال پرورده‌اید در محل تعیین شده زیر رسم نموده، مشخص کنید در این درخت چه چیزی را ریشه، چه چیزهایی را تنه و شاخه و برگ، و چه چیزهایی را میوه قرار می‌دهید؟



درخت دوستی بنشان که کام دل به بار آرد نهال دشمنی برکن که رنج بی‌شمار آرد
حافظ

گام هشتم

.....

بر اساس آنچه از پیشوایان بزرگوار
آموخته‌ام، دوستان و معاشرین خود را بار دیگر
ارزیابی می‌کنم و آن‌ها را با معیارهای ارائه شده می‌سنجم
و دوستان صمیمی و بکرنگ خود را از میان کسانی برمی‌گزینم که
ویژگی‌های یک دوست را دارند و می‌توانیم یار و مددکار یکدیگر
در راه زندگی باشیم.
هم‌چنین می‌کوشم با سایر دوستان و بستگان
با صداقت و درستی معاشرت کنم.

خدایا! مرا یاری فرما

کار، گوهر زندگی

تلاش و پشتکار و ایفای نقشی مفید در زندگی اجتماعی از ارکان مهم زندگی و برنامه‌ی ماست. وقتی از کار سخن می‌گوییم، مقصودمان تنها داشتن شغل نیست بلکه باید در هر سن و در هر موقعیت، اهل کار و تلاش باشیم و در شکوفایی مادّی و معنوی جامعه خود را متعهد و مسئول بدانیم.

در این درس می‌کوشیم تا بدانیم:

- ۱- یکی از راه‌های قدردانی از نعمت‌های خدا کدام است؟
- ۲- کار و تلاش چه جایگاهی در برنامه‌ی زندگی ما دارد؟
- ۳- آیا اکنون هم که دانش‌آموز هستیم، باید اهل کار و تلاش

باشیم؟

آیات ۱۰ تا ۱۴ سوره ی نحل را به دقت و زیبا بخوانید.

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ

مِنَ السَّمَاءِ مَاءً

لَكُمْ مِنْهُ شَرَابٌ

وَمِنْهُ شَجَرٌ

فِيهِ تُسِيمُونَ

و از آن، گیاه و درخت می روید.

که در آن (چارپایان را) می چرانید.

۱۰

يُنْبِتُ لَكُمْ بِهِ الزَّرْعَ

وَالرَّيْتُونَ وَالتَّخِيلَ وَالْأَعْنَابَ

وَمِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً

لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ

و با آن برای شما کشت برویاند

۱۱

وَسَخَّرَ لَكُمْ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ

وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ

وَالنُّجُومِ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ

إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ

لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ

۱۲

وَمَا ذَرَأَ لَكُمْ فِي الْأَرْضِ

مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهُ

إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَةً

لِقَوْمٍ يَذَّكَّرُونَ

۱۳

وَهُوَ الَّذِي سَخَّرَ الْبَحْرَ

لِتَأْكُلُوا مِنْهُ لَحْمًا طَرِيًّا

وَتَسْتَخْرِجُوا مِنْهُ حِلْيَةً

تَلْبَسُونَهَا

وَتَرَى الْفُلْكَ مَوَاحِرَ فِيهِ

وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ

وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ

۱۴

و ستارگان در تسخیر فرمان اویند

.....
.....

و آنچه در زمین برای شما آفرید
به رنگ‌های گوناگون

.....
.....

تا از آن، گوشت تازه بخورید
و از آن زیوری بیرون آرید
که آن را می‌پوشید

و در آن کشتی‌ها را بینی که آب را می‌شکافند

.....
.....



به کمک توضیحات زیر، ترجمه‌ی آیات را کامل کنید.

شَرَاب: نوشیدنی الْأَعْنَاب: درختان انگور ثَمَرَات: میوه‌ها

پیام آیات



با تفکر در آیات، پاسخ سؤال‌های زیر را به دست آورید.

چرا قرآن کریم از تسخیر شب و روز، ستارگان و دریاها برای ما سخن می‌گوید؟
چرا از آب، از درخت، از کشت و زرع، از انواع میوه‌ها، از ماهی‌های خوردنی دریا و از زیورهای
گران‌بهای دریایی یاد می‌کند؟
ذکر نمونه‌هایی از نعمت‌ها و بخشش‌های بی‌شمار خداوند در زمین و آسمان و محیط زندگی
ما برای چیست؟

خداوند، در مقابل این نعمت‌ها، از ما چه خواسته است؟

.....
.....
.....
.....

راه سربلندی

داشتن هدف‌ها و آرمان‌های بزرگ از ویژگی‌های دوره‌ی نوجوانی و جوانی و امید و تلاش برای رسیدن به آن‌ها ویژگی دیگر این دوران است. شما می‌دانید که با کار و تلاش و پشتکار می‌توان به هدف رسید. بسیاری از افراد در رؤیاهای و خیالات خود به‌طور مکرر پیروزی را جشن می‌گیرند اما در زندگی واقعی قدمی به سوی هدف بر نمی‌دارند. در نتیجه، پس از مدتی دچار یأس و ناامیدی می‌شوند. تحرک، جنب و جوش و پویایی است که به هدف‌های بلند واقعیت می‌بخشد و کام آدمی را شیرین می‌کند.

فضل و بخشش خداوند در گستره‌ی زمین، در زیر کوه‌ها و خاک‌ها، عمق دریاها و در هر نقطه‌ی دیگر آن پراکنده است. ملتی که به دنبال سربلندی است، باید عمران و آبادانی را یکی از هدف‌های بزرگ خود قرار دهد، و با تن دادن به سختی‌ها، بهره‌ی خود را از نعمت‌های الهی به دست آورد.

بررسی



۱- به نظر شما، پیشرفت جامعه‌ی ما در گرو کار و فعالیت سازنده در چه زمینه‌هایی است؟ فهرستی از این فعالیت‌ها را مشخص کنید و تعیین کنید که خودتان مایلید در کدام زمینه فعالیت کنید.

.....
.....
.....
.....

۲- برخی به جای تکیه بر کار و کوشش سالم، با سوءاستفاده از فرصت‌ها، ثروتی کسب می‌کنند و بر دیگران فخر می‌فروشند. برخی دیگر نیز با الگو قرار دادن آنان در این اندیشه‌اند که یک شبه و بی‌درد سر راه طولانی کسب ثروت را بیمایند. با بررسی این پدیده، پاسخ دهید که این طرز فکر:

۱- چه عواقبی برای آن افراد دارد؟

۲- چه آثار و نتایجی برای جامعه دارد؟

۳- این افراد دارای چه ویژگی‌های شخصیتی هستند؟

.....
.....
.....
.....
.....

کار و تلاش در سیره‌ی معصومین (ع)

رسول خدا (ص) می‌فرماید :

کسی که روزی خود را با کار و تلاش تهیه کند، در قیامت در شمار انبیا قرار می‌گیرد و ثواب آنان را دریافت می‌کند.^۱

و نیز می‌فرماید :

کسی که شب را در حال خستگی ناشی از کار بگذراند، کاری که برای درآمد حلال بوده است، شب را آمرزیده به سرآورده است.

با این که امام صادق (ع) در گسترش علم و دانش در زمان خود، مهم‌ترین نقش را داشتند و شاگردانی که از محضر ایشان بهره برده‌اند، بالغ بر چهار هزار نفر بودند، در عین حال در بسیاری از اوقات به کشاورزی هم می‌پرداختند. روزی در گرمای تابستان در مزرعه به کار مشغول بودند و عرق از سر و رویشان می‌ریخت. یکی از دوستان امام به نام ابوعمرو شیبانی ایشان را دید. جلو آمد و گفت :

بیل را به من بدهید تا من به جای شما کار کنم.

امام (ع) فرمود : نه، من دوست دارم که برای به‌دست آوردن روزی رنج بکشم و آفتاب بخورم.^۲

امام کاظم (ع) در زمین خودشان، به شدت مشغول کار بودند. یکی از یاران ایشان رسید و

گفت : چرا این کار را برعهده‌ی دیگران نمی‌گذارید؟

امام (ع) فرمود : چرا برعهده‌ی دیگران بگذارم؟ افراد برتر از من هم این کارها را می‌کردند.

مرد پرسید : مثلاً چه کسانی؟

امام (ع) فرمود : رسول خدا (ص) و امیرمؤمنان علی (ع) و همه‌ی پدران و اجدادم. کار و

فعالیت، سیره‌ی پیامبران، اوصیای آنان و بندگان شایسته‌ی خداست.^۳

از طرف دیگر، پیشوایان ما از بیکارگی و تنبلی و سربار دیگران بودن متنفر بودند و بیزاری خود را به صورت‌های مختلف نشان می‌دادند. روزی در حضور رسول خدا(ص) از عبادت‌ها و زهد

و تقوای شخصی بسیار سخن گفتند. رسول خدا (ص) پرسید : کارش چیست؟

گفتند : کاری ندارد.

۱- مستدرک الوسائل، ج ۲، باب ۸، حدیث ۸

۲- بحارالانوار، ج ۱۱، ص ۱۲۰ (به نقل از کتاب داستان راستان)

۳- بحارالانوار، ج ۱۱، ص ۲۶۶ (به نقل از کتاب داستان راستان)

آثار تربیتی کار

کار، سازنده‌ی انسان و بیکارگی و تبلی فاسد کننده‌ی اوست؛ لذا ارزش کار نه صرفاً از جهت کسب درآمد یا شکوفایی اقتصادی بلکه در تأثیری است که بر انسان می‌گذارد و شخصیت او را پرورش می‌دهد.

برخی از آثار کار در انسان عبارتند از:^۱

۱- **شکوفایی استعدادها:** وجود آدمی سرشار از استعدادهای گوناگون است که باید آن‌ها را شکوفا کند. این استعدادها وقتی ظهور می‌کند که آدمی از جای خود برخیزد، حرکت کند، با سختی‌ها درگیر شود و در دل حوادث قرار گیرد. انسان در کار، خود را می‌آزماید، کشف می‌کند و به توانایی‌های وجودی خود پی می‌برد.

۲- **لطافت احساس:** بیکاری، تبلی و سستی، قساوت می‌آورد اما کار، کیمیاست و مس وجود انسان را زر می‌کند. کسی که اهل کار است، قدر زحمت و کار را می‌داند، از رنج مردم به رنج می‌افتد، شادمانی مردم او را شاد می‌کند. کار، کارخانه‌ی سازندگی و تربیت و تعالی بخش احساسات انسانی است.

۳- **تمرکز قوه‌ی خیال:** در هنگام بیکاری، پرنده‌ی خیال به هر سو پرواز می‌کند و انسان را به دنبال خود می‌کشاند و چه بسا او را به سمت افکار و اوهام فاسد و شیطانی رهنمون شود. امیرمؤمنان می‌فرماید: **اگر نفس خود را به کاری مشغول نکنی، او تو را مشغول می‌کند.**^۲ اما آن کس که به کاری مشغول است، فکر و خیالش متوجه آن کار است و به امور بیهوده نمی‌اندیشد.

۴- **احساس عزت نفس:** کسی که کار می‌کند و دستش را پیش دیگران دراز نمی‌کند احساس عزت و کرامت می‌کند، هرچند درآمد او اندک باشد و یک زندگی معمولی را بگذراند. امام علی (ع) به کارهای سخت تن می‌داد؛ چاه و قنات حفر می‌کرد، باغبانی می‌کرد، حتی به ازای دریافت مزد و اجرت برای دیگران کار می‌کرد؛ این همه را انجام می‌داد تا عزت نفس خود را حفظ کند و دست نیاز به سوی دیگران دراز نکند و به مردم نیز درس عزت و کرامت بیاموزد.

اتقان در کار^۳

کسی که اهل کار و تلاش است، در هر کاری وارد شود، قواعد آن را به درستی رعایت می‌کند و

۱- اقتباس از کتاب تعلیم و تربیت در اسلام، اثر استاد شهید مطهری

۲- تعلیم و تربیت در اسلام، استاد شهید مطهری، ص ۴۱۵

۳- درستی در کار، محکم کاری

محصولی بدون نقص عرضه می‌کند. او یک تلاشگر شرافتمند است که مصالح عمومی، اقتدار و عزت جامعه و رضایت خداوند را دوست دارد و آن را بر منافع شخصی ترجیح می‌دهد. وی آنان را که با دزدیدن از کار به جمع ثروت می‌پردازند، انسان‌های حقیر و زبونی می‌داند که آبادانی در زندگی شخصی را با بهای سنگین خرابی و ویرانی جامعه و ضایع کردن حق مردم خریداری می‌کنند و ضرباتی جبران‌ناپذیر بر اقتصاد کشور وارد می‌سازند.

تطبیق



* ۱- با بررسی کیفیت برخی از محصولات صنعتی و غیر صنعتی پیرامون خود، توضیح دهید که تا چه اندازه اتقان در کار در آن‌ها رعایت شده است.

.....

.....

.....

۲- با توجه به این که کار اصلی شما علم آموزی است، به محاسبه و ارزیابی خود بپردازید و ببینید که تا چه اندازه کار خود را با اتقان انجام می‌دهید.

دو رباعی بسیار زیبا از امام علی (ع) نقل کرده‌اند، که ترجمه‌ی آن‌ها چنین است :

حمل صخره‌های سترگ از قله‌های رفیع
از بارشنت آسین بر ایم دوست داشتنی تراست
برخی بمن می‌گویند: کسب و کار برای تو تنگ است،
اما تنگ و عار در دولت و خواری در خواست از دیگران است.
اگر می‌خواهی آزاد زندگی کنی چون بر دکان تن به کار بدو.
طعنت را از مال بنی آدم به کلی قطع کن
نکو آن کارمرا کوچک دست می‌کند
بلکه که ای و در خواست از مردم دولت آوراست
آن‌گاه که از مردم بی‌نیازی.
بر کاری که خواهی داشته باش،
چه در این صورت از بدمی مردم پسنده قدر ترا بجزند تری!

درود بر امیر مؤمنان و پیشوای صالحان؛ ایشان شاگرد آن پیامبر بزرگی است که وقتی دست پینه بسته‌ی کارگری را دید، بر آن بوسه زد و فرمود:
این دستی است که آتش آن را لمس نخواهد کرد.



- ۱- پیام‌های اصلی این درس را ذکر کنید.
- ۲- یک انسانِ اهل کار و تلاش از نظر شخصیتی چه تفاوتی با انسان کم‌تحرک و بیکاره دارد؟
- ۳- چرا امام صادق (ع) به کسی که تقاضا کرد به جای ایشان کار کند، فرمود دوست دارم خودم برای کسب روزی رنج بکشم و آفتاب بخورم؟



- ۱- یکی از جنبه‌های زیبای زندگی انسان‌های بزرگ، کار و تلاش آن‌هاست. اگر در این مورد داستانی می‌دانید یا نکته‌ای آموزنده سراغ دارید، آن را در کلاس بیان کنید.
- ۲- از کارگاه یا کارخانه یا مزرعه‌ای بازدید کنید و از میزان تأثیر کار و تلاش بر روحیه‌ی افراد مشغول به کار گزارشی تهیه نمایید.



گام نهم

.....

خدایا به پاس نعمت‌هایی که به من بخشیدی، می‌کوشم :
۱- انسانی فعال و پرتلاش باشم و از تنبلی و تن‌پروری
دوری نمایم.

۲- هر کاری را که برعهده می‌گیرم، در کامل‌ترین شکل انجام دهم
و در استحکام آن چیزی را فروگذار نکنم.

۳- اکنون که کار اصلی من علم‌آموزی است، همه‌ی استعداد و
توان خود را برای آموختن به کار برم تا انسانی موفق برای خود و
مفید برای جامعه شوم.

خدایا، خودت مرا یاری کن و پشتیبانی نما.



براساس آنچه در این کتاب آموخته‌اید، نمودار زیر را کامل کنید.

۱- بی‌نهایت طلبی انسان	:	:	:
۲- خدا، محبوب حقیقی انسان	:	:	:
.....	:	۱- انسان شناسی	:
.....	:	:	:
.....	:	:	:
.....	:	:	مرحله‌ی اول
.....	:	:	(اندیشه و قلب)
.....	:	:	:
.....	:	۲- خداشناسی	:
.....	:	:	:
.....	:	:	:

۱- تصمیم‌گیری	:	:	:
۲- عزم قوی داشتن	:	:	:
.....	:	:	مرحله‌ی دوم
.....	:	:	(آهنگ سفر)
.....	:	:	:
.....	:	:	:

۱- تسبیح خداوند	:	:	:
.....	:	۱- در رابطه با خدا	:
.....	:	:	:
.....	:	:	:
.....	:	۲- در رابطه با خود	:
.....	:	:	:
.....	:	:	:
.....	:	۳- در رابطه با خانواده	مرحله‌ی سوم
.....	:	:	(قدم در راه)
.....	:	:	:
.....	:	۴- در رابطه با جامعه	:
.....	:	:	:
.....	:	:	:
.....	:	۵- در رابطه با خلقت	:
.....	:	:	:

فهرست کلمات معنا شده در کتاب دین و زندگی (۱)

	معنا	کلمه، درس
ب	الف	
هستی بخش	بَارِئٌ ۶	ءَاتِنَا ۲
درخشان	بَازِعًا، بَازِعَةً ۲	أَبْصَارَ ۱۰
فرزندم، پسر	بُنَى ۱۲	أَخَافُ ۲
		إِخْتِلَافَ ۸
		أُدْعُوا ۱۳
		أَرَكَ (أَرَى + ك) ۲
ت		أَسْوَةٌ ۱۲
روشن کننده	تَبِيَانٌ ۱	أَصَابَ ۱۲
روشن کنی	(لِ) تَبَيَّنَ ۱	إِصْبِرْ ۹
روان است	تَجْرِي ۵	أُعْبُدُ ۱۳
درک می کند	تُدْرِكُ ۱۰	أُعِدَّتْ ۱۰
شریک قرار می دهد	تُشْرِكُونَ ۲	أَعْنَابَ ۵
پایداری کنید	تَصْبِرُوا ۹	أَقْلَ ۲
بازاری	تَضَرَّعًا ۱۳	أُنْثَى ۱۲
اطاعت کنید	تُطِيعُوا ۷	أَوْفَى ۹
برتر است	تَعَالَى ۶	أَوْلُوا الْأَلْبَابِ ۱
می فهمید	تَفْقَهُونَ ۱۲	أَوْلَى الْأَلْبَابِ ۸
اندازه گیری، تقدیر	تَقْدِيرٌ ۵	
یکدیگر را سفارش کردند	تَوَاصَوْا ۱۰	
		تو را می بینم
		سرمشق، الگو
		رسید
		صبر و پایداری کن
		عبادت کن
		آماده شده است
		درختان انگور
		افول کرد، ناپدید شد
		زن
		وفا کرد، وفا کند
		خردمندان
		خردمندان

ث

نوشیدنی	شَراب ۱۶	میوه‌ها	ثَمَرَات ۱۶
ظاهر، آشکار	شَهَادَة ۶		

ض

گم شد ضَلَّ ۱۱

ع

امر زودگذر، دنیا	عَاجِلَة ۳
وسعت	عَرَض ۱۰
چشمه‌ها	عُيُون ۵

ف - ق

آفریننده	فَاطِرَة ۵
روان کردیم	فَجَّرْنَا ۵
پدید آورد	فَطَّرَ ۲
فرمان داد، حکم کرد	قَضَى ۱۲

ک

امید دارد، امید داشت	كَانَ يَتَرَجَو ۱۲
زیبا، ارزشمند	كَرِيم ۱۲
ناسپاس	كَفُور ۳
همان‌طور که	كَمَّا ۱

ح

مراقب و ناظر حَافِظ ۱۰

دانه حَبَّ ۵

نیکو، خوب حَسَنَة ۹

نیکو، نیکوتر، بهترین حُسْنَى ۴

بردبار حَلِيم ۱۳

خ

زیانکاری خُسْر ۱۰

نهانی خُفْيَة ۱۳

دوست خَلِيل ۹

ذ - ر

مرد دَكْر ۱۲

خشنودی، رضایت رِضْوَان ۴

س - ش

بشتابید سَارِعُوا ۱۰

سعی کرد، تلاش کرد سَعَى ۳

ل

لَا تُظَلِّمَ ۱۱

ظلم نشود به

لَا تَقْلُ ۱۲

نگو

لَمْ آتَّخِذْ ۱۴

نمی‌گرفتم، نگرفتم

هـ

هدایت کرد مرا

هَدَانِ (هَدَانِي) ۲

ی

می‌خورند

يَأْكُلُونَ ۵

بشارت می‌دهد، مژده می‌دهد

يُبَشِّرُ ۷

پند گیرد

يَتَذَكَّرُ ۱

گمان می‌کند

يَحْسَبُونَ ۱۱

(تا) تدبیر کنند

(لِ) يَدَّبَّرُوا ۱

پاک می‌گرداند

يُزَكِّي ۹

می‌فروشند

يَشْتَرُونَ ۹

شریک قرار می‌دهند

يُشْرِكُونَ ۶

سخن می‌گوید

يُكَلِّمُ ۹

(تا) باشد

(لِ) يَكُونُ ۲

نگاه می‌کند

يَنْظُرُ ۹

فانی می‌شود

يَنْفَدُ ۴

نهی می‌کنند

يَنْهَوْنَ ۱۴

می‌دهد

يُؤْتِي ۹

م

روشن، روشن کننده

مُبِين ۱

صورت‌بخش، صورت‌گر

مُصَوِّر ۶

تجاوزگران

مُعْتَدِينَ ۱۳

کیش، آیین

مِلَّة ۹

مرده

مَيِّتَة ۵

ن

درختان خرما

نَخِيل ۵

می‌خواهم

نُرِيدُ ۳

نازل شد

نُزِلَ ۱

آگاه می‌کنیم

نُنَبِّأُ ۱۱



کتاب شناسی

ردیف	نام کتاب	نویسنده	ناشر	موضوع	درس	مخاطب
۱	آداب تلاوت قرآن	مهدی مشایخی	مرکز چاپ و انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی	قرآن کریم	درس ۱	معلم/ دانش آموز
۲	آداب نماز	امام خمینی	مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی	نماز	درس ۱۳ و ۱۴	معلم/ دانش آموز
۳	آشنی با خدا از طریق آشنی با خود راستین	اصغر طاهرزاده	لب المیزان	خودشناسی، خدا شناسی	درس ۲	دانش آموز
۴	آشنایی با قرآن	مرتضی مطهری	انتشارات صدرا	قرآن کریم	درس ۱	معلم/ دانش آموز
۵	آموزش احکام	محمد حسین فلاح زاده	دلیل ما	برنامه‌ی زندگی	درس ۱۲ و ۱۷	دانش آموز
۶	آنچه یک جوان باید بداند.	رضا فرهادیان	مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی	برنامه‌ی زندگی	درس ۱۲ و ۱۷	دانش آموز
۷	آنچه یک نوجوان باید درباره‌ی بلوغ بداند	محمد رضا شرفی	مؤسسه فرهنگی منادی تربیت	برنامه‌ی زندگی	درس ۱۲ و ۱۷	دانش آموز
۸	آیین خردپروری	سعید بهشتی	مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر	تفکر	تمام درس‌ها	معلم
۹	آیین عقل ورزی	حسین مهدی‌زاده	مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی	تفکر	تمام درس‌ها	معلم/ دانش آموز
۱۰	احکام خانواده	عبدالرحیم موگهی	مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی	معاشرت و دوستی	درس ۱۵ و ۱۶	معلم/ دانش آموز
۱۱	اخلاق معاشرت	جواد محدثی	بوستان کتاب قم	معاشرت و دوستی	درس ۱۵ و ۱۶	دانش آموز
۱۲	ارزش دنیا	حسنعلی علی اکبریان	کانون اندیشه جوان	هدف زندگی	درس ۳ و ۴	دانش آموز
۱۳	از راه تا راز	سید یحیی یشری	نشر معارف	خودسازی	درس ۱۱	دانش آموز
۱۴	استقامت	سیدرضا صدر	بوستان کتاب قم	پایداری در عزم	درس ۱۰	دانش آموز
۱۵	اسرار الصلوة	میرزا جواد آقا ملکی تبریزی	کیش مهر	نماز	درس ۱۳ و ۱۴	معلم/ دانش آموز
۱۶	اسرار نماز	گردآوری: علی شیروانی	دارالفکر	نماز	درس ۱۳ و ۱۴	معلم/ دانش آموز

ردیف	نام کتاب	نویسنده	ناشر	موضوع	درس	مخاطب
۱۷	اسماء الحسنی	محمد شجاعی	سروش	خداشناسی	درس ۵ و ۶	معلم/ دانش آموز
۱۸	افق های کمال	محمد حیدر علوی تژاد	بوستان کتاب قم	هدف زندگی	درس ۲	دانش آموز
۱۹	امام در سنگر نماز	ستاد اقامه نماز- مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی	ستاد اقامه نماز	نماز	درس ۱۳ و ۱۴	دانش آموز
۲۰	انسان شناسی دینی (پرش ها و پاسخ های دینی جلد ۶)	حسین سوزنجی	انتشارات مدرسه	انسان شناسی	درس ۲ و ۱۵ و ۱۶	معلم/ دانش آموز
۲۱	انسان کامل	مرتضی مطهری	انتشارات صدرا	انسان شناسی	درس ۲	معلم
۲۲	انسان و ایمان	مرتضی مطهری	انتشارات صدرا	ایمان	درس ۷ و ۸	معلم/ دانش آموز
۲۳	انسان و خلافت الهی	محمد شجاعی	مؤسسه خدمات فرهنگی رسا	انسان شناسی	درس ۲	معلم/ دانش آموز
۲۴	اهمال کاری (بررسی علل و راهکارهای درمان)	مرتضی آقا تهرانی	مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی	پایداری در عزم	درس ۱۰	معلم/ دانش آموز
۲۵	ای بی نشان محض (مجموعه شعر نیایش)	قریان ولیثی-سید اکبر میرجعفری	اسوه	خداشناسی	درس ۵ و ۶	معلم/ دانش آموز
۲۶	به قول پرستو	قیصر امین پور	افق	شعر	درس ۲	دانش آموز
۲۷	بسیست گفتار (گفتار «نظر دین درباره دنیا»)	مرتضی مطهری	انتشارات صدرا	هدف زندگی	درس ۳ و ۴	معلم/ دانش آموز
۲۸	پرش ها و پاسخ های دانشجویی (نگاه و پوشش)	سیدمجتبی حسینی	نشر معارف	معاشرت و دوستی	درس ۱۵ و ۱۶	دانش آموز
۲۹	پرواز تا بی نهایت	سازمان عقیدتی سیاسی ارتش	سازمان عقیدتی سیاسی ارتش	اسوه های موفق	درس ۹ و ۱۱	دانش آموز
۳۰	پژوهشی در فرهنگ حیا	عباس پسندیده	دارالحدیث	معاشرت و دوستی	درس ۱۵ و ۱۶	دانش آموز
۳۱	پشت دیوار ندامت	ابراهیم ایمانی فر	کیهان	معاشرت و دوستی	درس ۱۵ و ۱۶	دانش آموز
۳۲	پیامبر (۲۰ جلد)	میثاق امیر فجر	دفتر نشر فرهنگ اسلامی	برنامه ی زندگی	درس ۱۲ و ۱۷	دانش آموز

ردیف	نام کتاب	نویسنده	ناشر	موضوع	درس	مخاطب
۳۳	تحلیلی تربیتی بر: روابط دختر و پسر در ایران	علی اصغر احمدی	انجمن اولیاء و مربیان جمهوری اسلامی ایران	معاشرت و دوستی	درس ۱۵ و ۱۶	معلم
۳۴	تدبیر در قرآن	ولی الله نقی پورفر	اسوه	قرآن کریم	تمام درس‌ها	معلم/ دانش‌آموز
۳۵	تعلیم و تربیت در اسلام	مرتضی مطهری	انتشارات صدرا	برنامه‌ی زندگی	درس ۲	معلم
۳۶	تکامل اجتماعی انسان (مقاله هدف زندگی)	مرتضی مطهری	انتشارات صدرا	هدف زندگی	درس ۲	معلم/ دانش‌آموز
۳۷	جوانان و پرسش‌های عرفانی	محمد رضا متقیان	انتشارات مرکز مدیریت حوزه علمیه قم	خودسازی	درس ۱۱	دانش‌آموز
۳۸	جوان و انتخاب بزرگ در زندگی	اصغر طاهر زاده	لب المیزان	هدف زندگی	درس ۲	دانش‌آموز
۳۹	جوان و تلفن همراه	مؤسسه پژوهش‌های دینی امام‌المؤمنین	شهاب الدین	برنامه‌ی زندگی	درس ۱۲ و ۱۷	دانش‌آموز
۴۰	جوان و دین	رجبعلی مظلومی	نشر آفاق	هدف زندگی	درس ۳ و ۴	معلم/ دانش‌آموز
۴۱	چالش فقر و غنا در کشورهای سرمایه‌داری	ناصر جهانیان	کانون اندیشه جوان	کار	درس ۱۶	معلم/ دانش‌آموز
۴۲	حرفی برای تمام فصول (قرآن در بیان رهبر معظم انقلاب)	مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی	سروش ملل	قرآن کریم	درس ۱	معلم/ دانش‌آموز
۴۳	حکمت عبادات (گفتارهای ۱ تا ۴۱)	عبدالله جوادی آملی	مرکز نشر اسراء	نماز	درس ۱۳ و ۱۴	معلم
۴۴	حیات حقیقی انسان در قرآن (تفسیر موضوعی قرآن کریم ج ۱۵)	عبدالله جوادی آملی	مرکز نشر اسراء	انسان شناسی	درس ۳ و ۴	معلم
۴۵	خاطرات احمد احمد	محسن کاظمی	انتشارات سوره مهر	پایداری در عزم	درس ۱۰	دانش‌آموز
۴۶	خاطرات عزت‌شاهی (مطهری)	محسن کاظمی	انتشارات سوره مهر	پایداری در عزم	درس ۱۰	دانش‌آموز
۴۷	خاطرات مرضیه حدیدچی (دباغ)	محسن کاظمی	انتشارات سوره مهر	پایداری در عزم	درس ۱۰	دانش‌آموز
۴۸	خاک‌های نرم کوشک	سعید عاکف	ملک اعظم	اسوه‌های موفق	درس ۹ و ۱۱	دانش‌آموز

ردیف	نام کتاب	نویسنده	ناشر	موضوع	درس	مخاطب
۴۹	خدا (پریش‌ها و پاسخ‌های دینی جلد ۱)	حسین سوزنجی	انتشارات مدرسه	خداشناسی	درس ۵ و ۶	معلم/ دانش‌آموز
۵۰	خدا و خلقت من، چرا؟	محسن عباسی	نشر و پژوهش معناگرا	هدف زندگی	درس ۲ تا ۴	دانش‌آموز
۵۱	خودشناسی برای خودسازی	محمد تقی مصباح یزدی	مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی	خودسازی	درس ۲	معلم
۵۲	خودسازی یا تزکیه و تهذیب نفس	ابراهیم امینی	شفق	خودسازی	درس ۱۱	معلم/ دانش‌آموز
۵۳	دین‌شناسی و دنیاگرایی در نهج البلاغه	عبدالله جوادی آملی	مرکز نشر اسراء	هدف زندگی	درس ۳ و ۴	معلم
۵۴	دنیای نوجوان	محمد رضا شرفی	مؤسسه فرهنگی منادی تربیت	برنامه‌ی زندگی	درس ۱۲ و ۱۷	معلم/ دانش‌آموز
۵۵	دوست اگر این گونه بود.	راضیه محمد زاده	منیر	دوستی	درس ۱۵ و ۱۶	دانش‌آموز
۵۶	ده نکته از معرفت النفس	اصغر طاهر زاده	لب المیزان	خودسازی	درس ۲	دانش‌آموز
۵۷	رساله لب اللباب در سیر و سلوک اولی الالباب	سید محمد حسین حسینی تهرانی	حکمت	خودسازی	درس ۱۱	معلم
۵۸	رساله لقاء الله	میرزا جواد آقا ملکی تبریزی	آل علی	خداشناسی	درس ۵ و ۶	معلم
۵۹	رستخیزی در تاریکی	سوسن صفارودی	بهینه	اسوه‌های موفق	درس ۹	دانش‌آموز
۶۰	رضایت از زندگی	عباس پسندیده	دارالحدیث	برنامه‌ی زندگی	درس ۳ و ۴	دانش‌آموز
۶۱	رمز موفقیت استاد مطهری	علی باقی نصرآبادی - حمید نگارش	امام عصر	اسوه‌های موفق	درس ۹	دانش‌آموز
۶۲	رمز موفقیت بزرگان	رضا باقی‌زاده گیلابی	پیام حجت	اسوه‌های موفق	درس ۹	دانش‌آموز
۶۳	رمز موفقیت علامه طباطبایی	حمید نگارش - علی باقی نصرآبادی	امام عصر	اسوه‌های موفق	درس ۹	دانش‌آموز
۶۴	روان‌شناسی نوجوانان	اسماعیل بیابانگرد	دفتر نشر فرهنگ اسلامی	برنامه‌ی زندگی	درس ۱۵ و ۱۶	معلم
۶۵	روش برداشت از قرآن	علی صفایی حائری	لیلة القدر	قرآن کریم	تمام درس‌ها	معلم/ دانش‌آموز

ردیف	نام کتاب	نویسنده	ناشر	موضوع	درس	مخاطب
۶۶	روش دوست‌یابی	محمد الحیدری	بنیاد پژوهش‌های اسلامی	معاشرت و دوستی	درس ۱۵ و ۱۶	دانش‌آموز
۶۷	روی ماه خداوند را بیوس	مصطفی مستور	نشر مرکز	خداشناسی	درس ۵ و ۶	دانش‌آموز
۶۸	ساتاماریا	سید مهدی شجاعی	کتاب نیستان	معاشرت و دوستی	درس ۱۵ و ۱۶	دانش‌آموز
۶۹	سرشت انسان (پژوهشی در خداشناسی فطری)	علی شیروانی	نهاد نمایندگی ولی فقیه در دانشگاه‌ها	انسان‌شناسی	درس ۲	معلم
۷۰	سفر به گرای ۲۷۰ درجه	احمد دهقان	انتشارات سوره مهر	اسوه‌های موفق	درس ۹ و ۱۱	دانش‌آموز
۷۱	سباحت جمال : سیری در سیره اخلاقی و عملی پیامبر اکرم <small>صلی الله علیه و آله و سلم</small>	محمد جواد حاج علی اکبری	دفتر نشر فرهنگ اسلامی	برنامه‌ی زندگی	درس ۱۲ و ۱۷	دانش‌آموز
۷۲	سیره اقتصادی امام علی <small>علیه السلام</small>	سیدرضا حسینی	کانون اندیشه جوان	کار و تلاش	درس ۱۶	معلم/ دانش‌آموز
۷۳	سیری در سیره‌ی نبوی	مرتضی مطهری	انتشارات صدرا	برنامه‌ی زندگی	درس ۱۲ و ۱۷	معلم/ دانش‌آموز
۷۴	شرح حدیث جنود عقل و جهل	امام خمینی	مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی	انسان‌شناسی	تمام درس‌ها	معلم
۷۵	ظهور	علی مؤذنی	سپاه پاسداران انقلاب اسلامی کرمان	اسوه‌های موفق	درس ۹ و ۱۱	دانش‌آموز
۷۶	فطرت	مرتضی مطهری	انتشارات صدرا	انسان‌شناسی	درس ۲	معلم
۷۷	فطرت در قرآن (تفسیر موضوعی قرآن کریم جلد ۱۲)	عبدالله جوادی آملی	مرکز نشر اسراء	انسان‌شناسی	درس ۲	معلم
۷۸	فطرت و دین	علی ربانی گلپایگانی	مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر	انسان‌شناسی	درس ۲	معلم
۷۹	کار و تولید	حسن نظری	کانون اندیشه جوان	کار	درس ۱۶	دانش‌آموز
۸۰	کار و دین	مجید رضایی	کانون اندیشه جوان	کار	درس ۱۶	دانش‌آموز
۸۱	کرانه‌های پاکی (خودسازی)	کریم خطیبی	کانون اندیشه جوان	خودسازی	درس ۱۱	دانش‌آموز

ردیف	نام کتاب	نویسنده	ناشر	موضوع	درس	مخاطب
۸۲	کمالات وجودی انسان	محمد شجاعی	مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر	هدف زندگی	درس ۲	معلم/ دانش آموز
۸۳	کیش پارسایان	مجتبی تهرانی	پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی	ایمان	درس ۷ و ۸	معلم
۸۴	گوهر وقت	سیدحسن مطلبی	شرکت چاپ و نشر بین الملل	برنامه‌ی زندگی	درس ۱۲ و ۱۷	دانش آموز
۸۵	ماهیت دنیا	عبدالحسین جلالی	امیر کبیر	هدف زندگی	درس ۳ و ۴	معلم
۸۶	مجموعه «برداشت‌هایی از سیره امام خمینی»	غلامعلی رجائی	مرکز چاپ و نشر عروج	اسوه‌های موفق	درس ۹	دانش آموز
۸۷	مجموعه «چلچراغ»	جمعی از نویسندگان	انتشارات مدرسه	اسوه‌های موفق	درس ۹	دانش آموز
۸۸	مجموعه «چهره‌های درخشان»	جمعی از نویسندگان	انتشارات مدرسه	اسوه‌های موفق	درس ۹	دانش آموز
۸۹	مجموعه «نیمه پنهان ماه»	جمعی از نویسندگان	روایت فتح	اسوه‌های موفق	درس ۹	دانش آموز
۹۰	مقالات (۳ جلد)	محمد شجاعی	سروش	خودسازی	درس ۱۱	معلم
۹۱	مقدمه‌ی تفسیر تسنیم (جلد اول)	عبدالله جوادی آملی	مرکز نشر اسراء	قرآن کریم	درس ۱	معلم
۹۲	مناجات	سید مهدی شجاعی	کتاب نیستان	خدانشناسی	درس ۵ و ۶	دانش آموز
۹۳	منزلت عقل در هندسه‌ی معرفت دینی	عبدالله جوادی آملی	مرکز نشر اسراء	انسان‌شناسی	تمام درس‌ها	معلم
۹۴	من نوجوانم	علی اصغر احمدی	انتشارات مهدی رضایی	برنامه‌ی زندگی	درس ۱۲ و ۱۷	معلم
۹۵	مهارت‌های زندگی	حسین خنیفر، مژده پورحسینی	مرکز نشر هاجر	برنامه‌ی زندگی	درس ۱۲ و ۱۷	دانش آموز
۹۶	مهارت‌های زندگی با رویکرد دینی	فربیا غلاسوند	سروش هدایت	برنامه‌ی زندگی	درس ۱۲ و ۱۷	دانش آموز
۹۷	مهر و قهر	محمد رضا سبحانی‌نیا - سعید رضا علی عسکری	مرکز فرهنگی شهید مدرس	دوستی	درس ۱۵ و ۱۶	معلم/ دانش آموز
۹۸	نامه‌های خط خطی	عرفان نظراهارى	صابرین، کتاب‌های دانه	خدانشناسی	درس ۵ و ۶	دانش آموز
۹۹	نامه‌های عرفانی	به‌اهتمام: علی محمدی	نشر معارف	خودسازی	درس ۱۱	دانش آموز

ردیف	نام کتاب	نویسنده	ناشر	موضوع	درس	مخاطب
۱۰۰	نامه‌های فهیمه	فهمیه بایبان پور - به اهتمام علیرضا کمری	انتشارات سوره مهر	اسوه‌های موفق	درس ۹ و ۱۱	دانش آموز
۱۰۱	نظریه ایمان در عرصه کلام و قرآن	محسن جوادی	نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها	ایمان	درس ۷ و ۸	معلم
۱۰۲	نظم و انضباط	مرکز پژوهش‌های اسلامی صداوسیما	بوستان کتاب قم	برنامه‌ی زندگی	درس ۱۲ و ۱۷	دانش آموز
۱۰۳	نقطه سر خط	محسن عباسی	بوستان کتاب	هدف زندگی	درس ۲ تا ۴	دانش آموز
۱۰۴	نگاهی دوباره به سیمای پیامبر ﷺ	رضا رجب‌زاده	رستگار	برنامه‌ی زندگی	درس ۱۲ و ۱۷	معلم/ دانش آموز
۱۰۵	نگاهی قرآنی به حیات معنوی	اسدالله جمشیدی	کانون اندیشه‌ی جوان	هدف زندگی	درس ۳ و ۴	دانش آموز
۱۰۶	نگاهی قرآنی به دوست و دشمن	محمد رضا کاشفی	کانون اندیشه‌ی جوان	معاشرت و دوستی	درس ۱۵ و ۱۶	دانش آموز
۱۰۷	نگاهی قرآنی به فشار روانی	اسحاق حسینی کوهساری	کانون اندیشه‌ی جوان	برنامه‌ی زندگی	درس ۳ و ۴	دانش آموز
۱۰۸	نه آبی نه خاکی	علی مؤذنی	انتشارات سوره مهر	اسوه‌های موفق	درس ۹ و ۱۱	دانش آموز
۱۰۹	هدایت در قرآن (تفسیر موضوعی قرآن کریم جلد ۱۶)	عبدالله جوادی املی	مرکز نشر اسراء	خداشناسی	درس ۵ و ۶	معلم
۱۱۰	هدف خلقت	سید ابوالحسن مهدوی	محبان	هدف زندگی	درس ۲	دانش آموز
۱۱۱	هدیه‌ی مسیح (سیری در زندگی ادوارد تیللی)	مصطفی غفاری ساروی	مرکز اسناد انقلاب اسلامی	پایداری در عزم	درس ۱۰	دانش آموز
۱۱۲	و خدایی که همین نزدیکی است (گذری بر مناجات‌های دیروز و امروز)	علی دزاکام - محمد قلعه‌وند	نشر معارف	خداشناسی	درس ۵ و ۶	دانش آموز
۱۱۳	جریان‌شناسی انتقادی عرفان‌های نوظهور	حمیدرضا مظاهری سیف	انتشارات پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی	آیین رهروی	درس ۱۲	معلم
۱۱۴	آفتاب و سایه‌ها (نگرشی بر جریان‌های نوظهور معنویت‌گرا)	محمد تقی فعال	نجم‌الهدی	آیین رهروی	درس ۱۲	معلم

معلمان محترم، صاحب نظران، دانش آموزان عزیز و اولیای آنان می توانند نظر اصلاحی خود را در باره ی مطالب

این کتاب از طریق نامه به نشانی تهران - صندوق پستی ۳۶۳، ۱۵۸۵۵ - گروه درسی مربوط و یا پیام نگار (Email)

talif@talif.sch.ir ارسال نمایند.

دختر نامه ریزی و تألیف کتاب های درسی